بعون صنّاع بیکین و مکان فضل خلاق زمین و زمان

سراج الل

در مطبع نامی منشی نولکشور بزیور طبع مزین و مقبول جهان شد

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی رسوله محمد وآله واصحابه اجمعین اما بعد فقیر حقیر سید روشن علی
جنیدی این عاصی گمان داشت که عطارد دبیر فلک هیچ مشتری را برای ما مقرر کرده باشد اما بعد تجربه
بسیار و از انقلاب این ادوار ثابت گشته که مریخ قطع سررشتهٔ این علم نموده طبع ضاحکان این قوم
را مصروف بزهر ایشان ساخته لهذا از اجتماع جماعت آفتاب مثالان این عصر زاج قمر خود را در عقده
داخل کرده بفرح ولی میگذرانید و دل را از سعی این علم که باعث طلب این قوم است بر داشته تا در عقال
ایشان گرفتار نشود از اصل مدعای خویش در ماند لهذا از مسرت صحبت ایشان مضرت خود فنا ولی میدانست
لیکن از سبب اقتضای نحوست زحل که طالع هندوستان است وقت مساعدت نکرد از این جهت بسیار غبض خاطر
میماند بعد تامل معلوم گردیده که در سعادت و نحوست شان علیحده و لذت جداجدا در اشکال صورت
می بندد و در شان تجلی انوار میگردد چنانچه حالت عشر و پیر دنیا که باهم یکدیگر مستانه اند و جدا از یکدیگر یکی گاهی
لازم و جدائی در هیچ وقت نمیشود لهذا از خاطر فیض خارج گردیده از نصرة الهی ... علی کل
حال نمودند درین اثنا یکی از زبدهٔ خاندان مصطفوی و خلاصهٔ اهل بیت مرتضوی تشریف آورده استدعا

مختصری که جامع لطائف دقایق و بدایت گنج فوائد حقایق و رافع اختلافات مسائل و تسکین دهنده دل شامل باشد
تصنیف باید کرد که برای مبتدی و منتهی مشعل هدایت صبح حضرت شام با فائده دهد و منکرین را از منکوس ضلالت
باز دارد چون این احقر عباد العباد گوهر حکم رمل را در طریق سوال آن شاهباز سعادت را بسیار تفحص و تجسس نموده
انحراف نمایل کلیه بسبب والذی وجب محبتهم علی کافه اهل الایمان توانست بمال ورسنده لاچار شد تا تجربه چند کتب
متقدمین که حکم امهات است از تجربه متولد نموده چند مسائل متفرقه تالیف کرد و تبویب چهار ربع گردانیده
اما چون مسائل متفرقه بسیار بود و مقدمه و خاتمه افزود و مسمی بسراج الرمل گردانید امیدوار از ناظران آنکه
از نظرات دوستی و توجه شده از تسدیس و تثلیث اوقات معموره خود را اصلاح صرف نمایند و نشاید که تخطیه
مقابله و مقارنه که موجب ادبیت باشد تصدیع کشند زیرا که فقیر بسند فضلنا بعضهم علی بعض بابه کامل است
وانتقص بفعل الله ما شئنا و یکون اشیاء ما شئنا از کمال و نقصان خود وارسته پس از توصیف و تنظیم
فهرست و ما توفیقی الا بالله مقدمه مشتمل بر پنج باب است باب اول در کیفیت نزول این علم
و تحصیل اشکال شانزده گانه بدان ای طالب اگرچه فی الحقیقت علم و عالم و معلوم و جهل و جاهل و مجهول
حد ذات فی نسبت علم و مقاربت ندارد و بجز اراده اظهار علم احتیاج بجهل افتاد پس وجود جاهل و مجهول اول صورت
گرفت چنانچه نوشته اند که حضرت آدم علیه السلام با فرزندان بسیار متولد شدند تا جهل که در علم محیط بود از انتشار آن
ظاهر گردید چون خواست که جهل خفا یابد علم که مقابل این بود پیدا کرد و جبرئیل علیه السلام با عالم قرار داده
فرستاد تا از وسیله این علم معین که از علم مطلق بود تعلیم نماید و نسبت جهل در این علم مخفی شود و احوال
مجهول معلوم گردد و پس تفهیم شانزده چیز از همه یار جائی ندارد و اما ظهور لا شئی با ضداد نامی شود لهذا
مخاطب بخطاب علم آدم الاسماء کلها یعنی عالم علم و جهل گردید العاقل تکفیه الاشاره آمدیم بر سر مطلب
یعنی جبرئیل علیه السلام چهار انگشت خود را بر ریگ فرو برده باین صورت ⁝ و نام این طریق
انقی الاشکال و ابو الاشکال گذاشت حضرت آدم علیه السلام نیز از تعلیم جبرئیل علیه السلام
چهار انگشت خود را برابر این نهاده باین صورت ⁝ ⁝ با هم یک ترکیب داده جماعت ام الاشکال
و اکثر الاشکال نامیده و از این دو شکل چهارده دیگر متولد گردانید بسبب نقصان کردن از اکثر

وافزودن براقل بدین تفصیل چون چهار نقطه را مقابل چهار عنصر کردند پس یک نقطه از آتش جماعت
کم کرده در آتش طریق افزودند جماعت لحیان شد و طریق عتبة الداخل باز آتش را بجای خود گذاشته
در عنصر باد همین قسم کردند جماعت حمره شد و طریق نقی الخد گردیده و مرتبه آب جماعت را گرفته
در مرتبه آب طریق گذاشتند جماعت را گرفته در خاک طریق نهادند جماعت انکیس شد و طریق عتبة الخارج
گردید چون از مراتب مفرده هشت اشکال مرتب شدند رجوع بترکیب عناصر شوند یعنی یک نقطه
از آتش و باد جماعت گرفته در آتش و باد طریق گذاشتند جماعت نصرة الخارج و طریق نصرة الداخل گردیده و از آب و خاک
جماعت همین دو شکل تولد شد اما بالعکس از مرتبه آتش و آب جماعت دو نقطه گرفته در آتش و آب
طریق افزودند جماعت قبض الخارج و طریق قبض الداخل شد و از باد و آب جماعت دو نقطه کم کرده
در باد و آب طریق نهادند جماعت اجتماع و طریق عقله شد چون زیاده ازین ممکن نبود انحصار شانزده
اشکال کرده شد چون نزول این علم بر ریگ بود که در زبان عربی رمل میگویند ازین سبب نقل بعده
تسمیة الحال باسم محل نام این علم رمل گذاشتند باب دوم در شرائط رمال و [illegible]
بدانکه رمال متقی و از امر نامشروع پرهیزگار باشد و وقت قرعه انداختن رمال و سائل هر دو
با وضو باشند و رو بقبله کرده از دل رجوع بعالم الغیب دانند و آنچه مساوی شود بی کم و زیاده
جواب گوید اگر مطابق افتد نفس او غرور نکند و اگر خلاف شود تهمت نخورد زیرا که الهام از حق آمده
اما السائل فلا تنهر سعی میکند پس دل خود حسنه باشد شخص و خوشی سفاهت است و اگر بی آبی اظهار
کمال خود است در هیچ صورت جواب ندارد و مکان انداختن قرعه پاک باشد و در تاریخ [illegible]
در روز ابر و باد و قمر در عقرب و طریقه و تحت الشعاع انکشاف احوال نمیشود و [illegible]
در دست گرفتن سورهٔ فاتحه و اذا جاء و آیت شریفه عنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو تا آخر
بخواند و در صورت امتحان نکوشد زیرا که متقدمین گفته اند لا یصدق الرمل الا من المضطر یعنی
در حالت اضطرار رجوع کامل میگردد باب سوم در استخراج امهات یعنی خط دانیال که
شانزده سطر از نقاط میشود و باین قلم عمل میکنند ....

یعنی

و دو دو نقطه طرح میبینند آنچه از طرح باقی ماند خواه یک نقطه که آنرا فرد میگویند یا دو نقطه که زوج مینامند
بنویسند بهمین قسم از چهار سطر یک شکل استخراج میکنند و از چهار چهار سطر یک یک شکل میگیرند تا که چهار
شکل از شانزده سطر حاصل کرده این را امهات ساخته اشکال دوازده استخراج کرده زانچه درست میکنند
یعنی مرتبه آتش امهات گرفته شکل پنجم میسازند و از باد امهات شکل ششم و از آب امهات شکل هفتم و
از خاک امهات شکل هشتم میکنند و شکل دیگر را از این هشت شکل که چهار اول را امهات و چهار دیگر را
که حاصل امهات اند بنات گویند استخراج از ضرب میکنند یعنی از شکل اول و دوم شکل نهم حاصل میکنند
یعنی در مرتبه آتش این هر دو نظر میکنند اگر هر دو طرف نقطه باشد مستخرج زوج بنویسند و اگر
هر دو طرف زوج باشد نیز زوج و اگر یکطرف فرد و یکطرف زوج باشد فرد میگیرند و بهمین قسم از مرتبه
باد و آب و خاک اول و دوم شکل نهم میسازند و بهمین طریق از مراتب سوم و چهارم شکل دهم
و از پنجم و ششم شکل یازدهم و از هفتم و هشتم شکل دوازدهم و از نهم و دهم شکل سیزدهم و از یازدهم
و دوازدهم شکل چهاردهم و از سیزدهم و چهاردهم شکل پانزدهم که میزان الرمل میگویند که صحت و غلطی
زائچه معلوم میشود یعنی شانزده شکل کامل که هفت اند شکل این [illegible]
[illegible] و بیست شکل از اشکال [illegible]
[illegible] و از شکل پانزدهم [illegible] میکنند و بعضی از چهار سطر چهار شکل میگیرند
یعنی یک سطر را اول مرتبه دو دو طرح میکنند و آنچه باقی ماند خواه فرد یا زوج میگیرند و در مرتبه دوم
آنرا [illegible] چهار چهار طرح [illegible] آنچه ماند زوج میگیرند و اگر دو ماند فرد و در
مرتبه سوم هشت هشت [illegible] زوج و [illegible] فرد و مرتبه چهارم شانزده شانزده طرح
[illegible] موافق سابق [illegible] درست کرده [illegible] از چهل [illegible] بشود
و از بیست [illegible] طریق .... و بعضی یک خط منقوط میکشند
و شانزده شانزده طرح میبینند آنچه باقی ماند [illegible] درست میکنند [illegible] تمام شود
شکل میگیرند [illegible] این شکل را گرفته [illegible] شکل [illegible] شکل چهارم

باب چهارم

و این چهار شکل را امهات سازند اما اصح قرعه است و خط قوس اینست

در تسکینات حرفیه مشتمل بر هفت فصل **فصل اول** در تسکین ابجد بدانکه این را حضرت دانیال وضع کرده اند و جهت ترتیب اینست که چون مبدأ این علم طریق است پس هر عنصر این را مقابل هر حرف ابجد کردند بعده است ... بطح با و ترتیب تقدیم و تاخیر اشکال موافق عدد این حروف کردند یعنی آتش طریق مقابل الف است یکی عدد دارد و باد مقابل بار است دو عدد دارد و آب مقابل دال است چهار عدد دارد و خاک مقابل حاست هشت عدد دارد پس در هر شکل که نقطه موجود بود موافق عدد او در خانه گذاشته آید مثل لحیان نقطه آتش دارد که عددش یک است در خانه اول داده اند و حمره که نقطه باد دارد و عددش دو است در خانه دوم داده اند نصرة الخارج که آتش و باد دارد و عددش سه است در خانه سوم داده شد باقی برین قیاس تسکین ابجد اینست

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶

چون طریق هر چهار عنصر دارد و عددش پانزده است بخانه پانزدهم داده اند و جماعت این عدد و هیچ ندارد اما برای رفع نقصان اشکال در خانه شانزدهم داده اند طریق تسکین نوشته شد اما دلیل تخلیص این ابجد از حروف جمل نوشته اند لیکن آنچه فقیر دریافت نموده دو وجه است وجه اول اینست چون آتش خفیف از عناصر است لهذا یک عدد داده اند و باد به نسبت آتش گران است دو عدد داده اند و آب به نسبت باد گران است این را مضاعف باد کرده اند و خاک اثقل عناصر است این را مضاعف آب یعنی هشت عدد داده اند وجه دوم اینست که عناصر چهار اند و مرتبه اعداد نیز چهار احاد عشرات مائة الوف پس اول مرتبه گرفته طرح داده این چهار حروف جمع کرده اند یعنی اول مرتبه احاد یک عدد است و قابل طرح نیست لهذا الف گرفته و اول مرتبه عشرات یک است چون طرح عناصر چهار چهار کرده شد باقی دو ماند حرف بحساب باست پس ... دوم ... و اول مرتبه مائة یکصد است طرح بر وجهی که دوازده است کرده از چهار ماند که حرف دال است حرف سوم دال مقرر کرده اند و اول الوف یکهزار است چون طرح فلکی که هشت است کرده هشت باقی ماند و حرفش

حاست مجموعهٔ این ا ب د ح شد و عدد جمیع حروف ابجد پانزده میشود موافق حساب ابجد و قاعده دیگر

در ذکر اعداد نوشته خواهد شد و این تسکین در حکم نقاط یکا خواهد آمد چون احتیاج بمراتب هشت گانه

علیحده می افتد لهذا نوشته میشود مرتبهٔ آتش هشت گانه اینست

مرتبهٔ باد اینست … مرتبهٔ آب اینست

مرتبهٔ خاک اینست … والله اعلم **فصل دوم** در تسکین ابجد

و طریق ترتیب این شکل ابجد است یعنی مقابل آتش الف و مقابل باد ب و مقابل آب ج و مقابل خاک

دال … تسکین ابجد اینست

چون تعداد این حروف از ده زیاده نیست موافق قاعدهٔ ابجد طریق را در خانهٔ دهم

داده اند باقی شش شکل ماند لهذا این شانزده شکل را دو حصه کرده اند و خانها را قسمت کرده نیز

از خانهٔ اول تا هشتم یک حصه و از نهم تا شانزدهم حصه دوم پس نصرة الخارج را در خانهٔ یازدهم داده اند

زیرا که نقطهٔ آتش و باد دارد که تمامی سعد دانند از حصه دوم حساب کردند پس خانهٔ یازدهم از خانهٔ نهم

که اول حصه دوم است سوم گردید قبض الخارج را که چهار عدد دارد در خانهٔ دوازدهم که چهارم حصه

دوم است داده اند باقی برین قیاس جماعت را بسبب ابجد بودن در خانهٔ شانزدهم داده اند

فصل سوم در تسکین کسر و آن اینست

اگرچه وجه ترتیب این تسکین هیچ نیست اما بسبب سعادت و نحوست

و دخول و خروج اشکال در خانهای داده اند چنانچه … در خانهٔ اول داده اند زیرا که این شکل

[illegible] در خانهٔ اول نیز سعد است … این را [illegible] داده اند و در خانهٔ دوم

[illegible] قبض الداخل … را [illegible] داده اند و خانهٔ سوم

[illegible] که شمس … خارج است این خانه داده اند …

[illegible] داده و این خانه خاکیست و این جماعت … [illegible] است و اشکال انتقال است

[illegible] باقی برین قیاس **فصل چهارم** در تسکین … [illegible]

بقاعده حکیمی بعد جمع کرده باین قسم یعنی بشفقی ست و این اول مخارج ست با آتش طریق [شکل] که اول عنصرست داده اند و زتعلق بنوک زبان دارد که دوم مخرج ست به باد طریق داده اند و دال که تعلق بمخرج نازک دارد که مخرج سوم ست باب طریق داده اند و ح تعلق بحلق دارد از حلق بیرون آید بخاک طریق داده اند بدین صورت [شکل] ح [شکل] و ترتیب اشکال بجاهها بیشتر با بدح موافق عدد حروف کرده اند اما عدد نقاط بعضی اشکال زیاده از شانزده است شانزده طرح کرده آنچه باقی ماند موافق آن شکل را بجانه دهند مثلاً [شکل] که آتش و باد و خاک دارد و عدد این هر سه عنصر موافق عدد حروف ابدح هفده میشود چون خانه زیاده از شانزده نیست لهذا شانزده از هفده طرح کردند باقی یک ماند ازین سبب فرح را بخانه اول دادند و [شکل] لحیان که آتش مقابل بابروج دو عدد دارد لهذا بخانه دوم دادند باقی برین قیاس تسکین بروج اینست [شکل] [شکل] [شکل] [شکل] [شکل] [شکل] [شکل] [شکل] [شکل] [شکل] [شکل] [شکل] [شکل] [شکل] [شکل] [شکل]

فصل پنجم در تسکین عدد اگرچه این همون تسکین بروج است اما چهار شکل را تبدیل کرده تسکین عدد نامیده اند برای استفاده دوستی و دشمنی یعنی اگر شکل اول و پنجم موجود باشد هر دو دوستی دارند از ظاهری و از باطن باطنی و اگر معدوم باشد دوستی ندارند و اگر از یکطرف موجود بوده باشد مثل این چهار شکل [شکل] [شکل] [شکل] [شکل] و موجود در ظاهر و باطن شکل را گویند که هم عدد آن عنصر موافق آید طاق باشد مثل این چهار شکل [شکل] [شکل] [شکل] [شکل] و معدوم در ظاهر و موجود در باطن این چهار شکل [شکل] [شکل] [شکل] [شکل] و معدوم در ظاهر و باطن این چهار شکل [شکل] [شکل] [شکل] [شکل] و آنچه وقت بیان احکام بکار آید تسکین عدد اینست [شکل] [شکل] [شکل] [شکل] [شکل] [شکل] [شکل] [شکل] [شکل] [شکل] [شکل] [شکل] [شکل] [شکل] [شکل] [شکل] و عدد این تسکین برین قسم ست که فرح را بخانه اول یکعدد داده اند و لحیان را در خانه دوم سه عدد داده اند زیرا که دو عدد خانه و یکعدد گذشته جمع کرده اند باقی برین قیاس عدد اینست چنانچه مفصل نوشته میشود تا مبتدی را آسان شود

١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨	٩	١٠	١١	١٢	١٣	١٤	١٥	١٦
[شکل]	[شکل]	[شکل]	[شکل]	[شکل]	[شکل]	[شکل]	[شکل]	[شکل]	[شکل]	[شکل]	[شکل]	[شکل]	[شکل]	[شکل]	[شکل]
١	٣	٦	١٠	١٥	٢١	٢٨	٣٦	٤٥	٥٥	٦٦	٧٨	٩١	١٠٥	١٢٠	١٣٦

چون مقدمه را معلوم است لهذا صورت دائره که برای عمل بکار آید نوشته میشود یعنی اگر از تسکین عدد شکل در
زایچه بجای خود نشسته باشد تعداد مدت گفته میشود و اگر هیچ شکل در خانه خود نشسته باشد پس نقاط جمله افراد و ازواج رمل را
بشمار و در شانزده طرح و آنچه باقی ماند بر خانه ها تقسیم نماید هر شکل که تمام شود و در دائره نظر کند و عدد مدت مفصل نماید چنانچه در دائره
مذکور این است ؛

١	١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨	٩	١٠	١١	١٢	١٣	١٤	١٥	١٦
٢	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨	٩	١٠	١١	١٢	١٣	١٤	١٥	١٦	١٧
٣	٤	٥	٦	٧	٨	٩	١٠	١١	١٢	١٣	١٤	١٥	١٦	١٧	١٨	١٩
٤	٧	٨	٩	١٠	١١	١٢	١٣	١٤	١٥	١٦	١٧	١٨	١٩	٢٠	٢١	٢٢
٥	١١	١٢	١٣	١٤	١٥	١٦	١٧	١٨	١٩	٢٠	٢١	٢٢	٢٣	٢٤	١٥	٢٦
٦	١٦	١٧	١٨	١٩	٢٠	٢١	٢٢	٢٣	٢٤	٢٥	٢٦	٢٧	٢٨	٢٩	٣٠	٣١
٧	٢٢	٢٣	٢٤	٢٥	٢٦	٢٧	٢٨	٢٩	٣٠	٣١	٣٢	٣٣	٣٤	٣٥	٣٦	٣٧
٨	٢٩	٣٠	٣١	٣٢	٣٣	٣٤	٣٥	٣٦	٣٧	٣٨	٣٩	٤٠	٤١	٤٢	٤٣	٤٤
٩	٣٧	٣٨	٣٩	٤٠	٤١	٤٢	٤٣	٤٤	٤٥	٤٦	٤٧	٤٨	٤٩	٥٠	٥١	٥٢
١٠	٤٦	٤٧	٤٨	٤٩	٥٠	٥١	٥٢	٥٣	٥٤	٥٥	٥٦	٥٧	٥٨	٥٩	٦٠	٦١
١١	٥٦	٥٧	٥٨	٥٩	٦٠	٦١	٦٢	٦٣	٦٤	٦٥	٦٦	٦٧	٦٨	٦٩	٧٠	٧١
١٢	٦٧	٦٨	٦٩	٧٠	٧١	٧٢	٧٣	٧٤	٧٥	٧٦	٧٧	٧٨	٧٩	٨٠	٨١	٨٢
١٣	٧٩	٨٠	٨١	٨٢	٨٣	٨٤	٨٥	٨٦	٨٧	٨٨	٨٩	٩٠	٩١	٩٢	٩٣	٩٤
١٤	٩٢	٩٣	٩٤	٩٥	٩٦	٩٧	٩٨	٩٩	١٠٠	١٠١	١٠٢	١٠٣	١٠٤	١٠٥	١٠٦	١٠٧
١٥	١٠٦	١٠٧	١٠٨	١٠٩	١١٠	١١١	١١٢	١١٣	١١٤	١١٥	١١٦	١١٧	١١٨	١١٩	١٢٠	١٢١
١٦	١٢١	١٢٢	١٢٣	١٢٤	١٢٥	١٢٦	١٢٧	١٢٨	١٢٩	١٣٠	١٣١	١٣٢	١٠٣٣	١٣٤	١٣٥	١٣٦

فصل ششم

در تسکین خانه ها شب و روز هم درین دائره معلوم شود

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یکشنبه	جمعه	چهارشنبه	دوشنبه	شنبه	پنجشنبه	سه‌شنبه	شب سه‌شنبه
آفتاب	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	راس ذنب
عصر ظهر	ظهر صبح	مجهول صبح	مغرب عشا	مغرب ظهر	مغرب صبح	عصر صبح	مجهول مجهول

فصل هفتم در تسکین حروف

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ا ف	ب ض	ج ق	د	ه ش	و ت	ز ث	ح خ	ط ذ	ی ص	ک ظ	ل غ	م	ن	س	ع

حروف خانها بهر خانه یک حرف داوند

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
خانه	خانه	خانه	خانه	خانه	خانه	خانه	خانه	خانه	خانه	خانه	خانه	خانه	خانه	خانه	خانه
ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ

باب پنجم مشتمل بر ده فصل ست فصل اول در منسوبات خانهای دوازده گانه بدان ای طالب چون اشکال
سال اند و هیئت اصل و محل مقسم بر حال می باشد پس اول شرح خانها گفته میشود خانه ۱ منسوب ست بتن و جان
و ابتدای امور و طالع سائل و هر چیز که بتحیر و شهر طالع باشد خانه ۲ منسوب ست بمال و معاش و غذا و اعوان
و اخذ و عطا و قرض دادن و گرفتن و غنا و فقر و خرید و فروخت و سود و زیان و طالع شیر خواره و مال و بیعت
و ضاعت فرزندان خانه ۳ منسوب ست ببرادران خواهران و خویشان نزدیک و دایگان و سازگاری
با همنشینان و خواب دیدن و نزد حرکت نزدیک آبادی مساجد و مدارس و بعضی تعبیر خواب نیز ازین خانه گفته اند خانه ۴
منسوب ست بپدر و املاک و زراعت و فالیز و نشاندن اشجار و گنجینه و هر چیز که زیر زمین باشد و عاقبت کارها و هر سائل خانه ۵
منسوب ست بطالع فرزندان و نشستن نزدیک بادگی و احلام معشوق و معشوقه و تحفه و هدایا و سی فرا و اخبار و خطوط و نامها و بیعت و

وملبوس وخلعت خانه ۶ منسوبست بغلام وکنیزک وخدمتگار ومردم فرومایه وبیماری وحامله وامر نامشروع وجنین واحوال
زن گذاشته وسیر که پوشیده ماند وبیانه وچهارپایه خورد وطیور وشکار وحرکت پدر ومقام برادر خانه ۷ منسوبست بزن وازدواج
وتزویج وشرکا وشرکت وغایب ودعوی کردن وضد وضامن وجد ومادر واحوال همسایه ودزد گریخته وخائن و
لون شکل نیز ازهمین خانه گفته اند ومقصد ومسافر وقرضخواه وهرچیزیکه مقابل اول باشد وجمیع خانها اول
هفتم مقصد الاشیاء خانه ۸ منسوبست بخوف خطر ومرگ از هرقسم که باشد ومال غایب ومیراث وقرض زن
ودزد ودفین بشرکت چهارم ومعشوق پدر ومقام معشوق خانه ۹ منسوبست بسفر دور واحوال راه وعلم
ودیانت وظن بکسی بردن وبرادر وخواهر زن ومعشوق ورنجوری پدر وخواب شب وعبادت خانه ۱۰
منسوبست بپادشاه وجاه وریاست وشغل وعمل وصنعت واستاد وعامل وخدمت وطالع رحم وحکیم وبلد
وزن وهمزاده ورنجوری فرزند وظن غائب ومقام دزد ورزق خانه ۱۱ منسوبست بامید وسعادت
ودوستان قدیم ومال از عمل جاگیر وفرزندان ربیب وخزینه پادشاه ومال مادر ودشمن خانه ۱۲
منسوبست بدشمنان وچهارپایان بزرگ وحبس خانه ۱۳ منسوب شده یعنی نفس وداعیه
وگواه اول وپنجم ونهم که خانهای آتشی اند خانه ۱۴ منسوبست بنفس غیر وهرچیزیکه ازو سوال نمایند
باین خانه نفاق دارد واین گواه دوم وششم ودهم است که خانهای بادی اند خانه ۱۵ منسوبست
بفرح اکبر وقاضی ومیزان رمل میگویند یعنی اگر کسی سوال کند که این دعوی کنم یا نه یا بکاری مشغول شوم یا نه ازین خانه [illegible]
گویند وگواه سوم وهفتم ویازدهم ست که آبی اند خانه ۱۶ منسوبست بعاقبت امور وترک وطلب یعنی بهتر گشتن
باطنی واین را با چهارم ضرب کنند وحکم عاقبت امور اند وشکل داخل خارج وثابت ومنقلب کنند پس آنکه خانه اول
وچهارم وهفتم ودهم وتد واقوی خانهای وحال اند وخانه دوم وپنجم وهشتم ویازدهم مایل الوتد واوسط
ومستقبل اند وخانه سوم وششم ونهم ودوازدهم زائل الوتد وضعیف وماضی اند وخانه سیزدهم وچهاردهم
وپانزدهم وشانزدهم وتد الوتد ونیز بعضی با قوت وضعف خانهای موافق نظرات اربعه که در دیباچه ذکر رفته
میگویند یعنی هفت خانه که با خانه اول نظر دارند قوی میگویند وخانه دوم وششم وهشتم ودوازدهم که
ساقط اند ضعیف مقرر کرده اند ونظر مقارنه نزد اهل رمل ساقط است لهذا اینجا اعتبار کرده اند ونه

اهل نجوم معتبر مقابلهٔ پنج نظر اند و تثبیت آنکه خانه اول و پنجم و نهم و سیزدهم آتشی اند و شرقی و مذکر و خانه دوم و
ششم و دهم و چهاردهم بادی اند و شمالی و مذکر و خانه سوم و هفتم و یازدهم و پانزدهم آبی و غربی اند و مؤنث و
خانه چهارم و هشتم و دوازدهم و شانزدهم خاکی اند و مؤنث و جنوبی **فصل دوم** در طبائع و منسوبات
اشکال **لحیان** سعد خارج آتشی زنده شرقی مذکر ستاره مشتری برج قوس روز پنجشنبه در اول خانه حروف
الف و در خانه دوم سه روز عدد دارد و ماه رمضان و ترم و لون سفید مائل به زردی طعم شیرین
خوش بوی مخصوص نباتات و مثل آب حبوب گندم و جو و میوه تر خربزه و میوه خشک بادام و خوبانی و معدنی
یاقوت زرد و لعل و زرنیخ و کانی زرد و سیم و قلعی و درخت انجیر و خرما و مرض صفرا و درد سر و پیچش و
از حیوان چهارپا اسپ و شتر و گوسپند و طیور و کبوتر و طاوس و مرغ و از قوم قضات و اهل علم و
از موضع مساجد و مناره و صومعه و حلیهٔ شخصی گندم رنگ فراخ چشم و سینه گشاده ابرو و پیشانی سیاه
و سفید اندام مائل به زردی گردنش بر رو گردن بی داشته باشد و **قبض الداخل** سعد داخل خاکی جنوبی مؤنث
ستاره آفتاب برج اسد روز یکشنبه در خانه اول حروف **ک ط** در پانزدهم و در خانه پانزدهم صد و بیست و دو
عدد دارد و ماه جمادی الآخر لون زرد و سفید رنگ طلا طعم شیرین مخصوص به شیرینی پخته مانا روقند کرده و
غله برنج و دال نخود و میوه انگور و کشمش و مثل این میوه خشک خرما و مثل این کاغذ شیرین و مویز که گرد و
طوطیا و زرنیخ سرخ و از معدن یاقوت زرد و عقیق و کهربا و درخت که پوست او نرم باشد و ثمره شیرین
از مرض و بد زانو و گلو و تپ سوداوی و مثل این و از حیوان گوزن و گاو و از طیور هزار داستان
و قوم صرافان و تجار و موضع دار الضرب و بازار خانه و زینت افزا نشیمن پخته حلیهٔ شخصی میانه قد و میانه
بینی نه فربه نه لاغر سرخ و سفید که بزردی زند و بعضی گندم گون هم گفته اند سیاه چشم و موی کشاده ابرو
بزرگ سر و دندان مضطرب و پیشانی و بر اندام موی بسیار بود و جوان عمر **نقی الخد** خارج آتشی
شرقی مذکر زنده ستاره مریخ برج حمل و دست سینه در خانه هشتم حرف **ل ح** در خانه دوازدهم و در خانه
چهاردهم صد و پنج و نه عدد دارد و ماه شوال رنگ سرخ مائل بسیاهی طعم تیز و تلخ مثل بادنجان که پیله و شیرینی
باشد گنده و گرم خورده که به تلخی زند و غله به قدر آنچه در خوردن کمتر آید مثل با جره و شیره میوه خیار و چیزی دور

بی ثمر باشد و سودای سوختن و کارخانه مثل بیم و غیره و قدر دانه و سخت و در شب میوه خشک چلغوزه و غیره
معدنی آنچه قیمت کمتر باشد مثل سرب و آهن و کانی مثل برنج و سنگ مقناطیس اگر جواهر سوخته باشد شب ... و در مرض تپ
محرق بسبب گردش و طلب آفتاب و درد سینه و درد پهلو و گرفتگی اندام و حیوان فیل و سگ و خوک و بعضی موش هم گفته اند
و از طیور زاغ و ملخ و بوم و غیره قوم هندوی مفلس و پاسبان و خاکروب و موضع جای خرابه و مزبله و جویهای خام و تنگ
شکسته و حلیه شخص سیاه چهره کوتاه گردن سر گوشت بد فعل دروغ گو و مفسد پر کینه موی اندام بسیار اگر بیند ...
موش بود چشم چپ ابتر کرده بیند ... عتبه خارج ثابت خاکی جنوبی ستاره عطارد برج سنبله روز چهارشنبه
در خانه سوم حرف ه و سیزدهم و در خانه شانزدهم یک صد و بیست و شش روز عدد دوازده بخت دلیل خاکی ...
هم گفته اند و اکثر خواجه سرایان هم گفته اند ماه ربیع الاول میانه نرم و سخت و قد دراز و مزاج بعضی باد
گفته اند طعم چنبر ترش اما سبز غالب بود لون بوقلمون یعنی کبود هم گفته اند و از غلات نخود با باقلا و کشنیز مخصوص
در طعام حلیم و میوه تر کنول و ... و بعضی شلغم هم گفته اند میوه خشک چلغوزه ... و از کان سیماب
... و از معدن فیروزه و قلم و زر جامه و رخت سپید و غیره و مرض ضیق النفس و درد ناف و درد کمر و باد قولنج
و تپ سوداوی هم گفته اند اما ... باشد و حیوان چهارپا فیل و گاومیش و از طیور طوطی و بعضی کبوتر ...
مثل ... هم گفته اند قوم طبیب و منجم و شطرنج باز و مکار و غدار و سایس و فیلبان و مثل این جماعه
شخص سیاه رنگ چهار دانگ ... سر فراخ پیشانی گشاده دندان سر دندان خالی داشته باشد کم ریش
باریک بینی عمر پیر شده منقلب بادی شمالی و نیز بعضی غربی نوشته اند ستاره زهره برج میزان ...
دوم روز جمعه حرف ط و ق در خانه نهم و در خانه اول یک روز عدد دوازده ماه ربیع الثانی قد دراز ...
نرم و رنگ سبز و سفید و طعم شیرین خوشبوی مثل لوزیات و غله برنج و دال ارهر مخصوص ... شیرینی
و حلوا میوه تر سیب لیمون شیرین میوه خشک منقی و بادام و معدن الماس پکهراج و از کان ...
مثل ... و از رخت شفتالو و غیره که ثمر شیرین داشته باشد حیوان اسب ... و طیور ... و بود ...
مرض از عشق و مالیخولیا و درد سر و درد پشت و بعضی آتشک هم گفته اند قوم مطرب خوشنوا ...
مقام حویلی و گلشن ... مثل باغ و حلیه شخص سپید و سرخ که ... و بعضی ...

آهو چشم فراخ پیشانی گشاده دندان باریک بینی کوسه یا امرد عمر پیش آغاز بزرگ شخص منقلب خیالی مرده دل [illegible]
ستاره زحل برج دلو در خانه پنجم روز شنبه در خانه چهاردهم حرف ق و در خانه نهم پنجاه و پنج و به عدد دارد
ماه شعبان قد مثلث سخت و درشت لون سیاه کبود یا سبزی زند طعم ترش و تلخ غله ماش و آنچه بد مزه باشد
میوه ترانه چون بادام یا امرود ترش و انار ترش میوه خشک آلو و [illegible] و درشت که پوست ناکاره و سخت
داشته باشد مثل [illegible] و غیره و چوب [illegible] و سیاه دانه و فلفل گرد و معدن سنگ سرمه و مردار سنگ
کان آهن و سرب و حیوان جاموش و میش و بز کوهی و شغال و طیور کویل مثل این مرض [illegible] درد شکم
خشکی اندام و افتادن از بلندی و ضرب و قوم کافر و غلام و سنگ تراش و گلکار و گورکن و حلیه کوتاه قد
فربه سیاه [illegible] با مزاج جنگجو و چشم [illegible] داشته باشد باریک ساق ازرق چشم [illegible]
و اصل [illegible] جنوبی و ستاره زحل برج جدی در خانه پنجم روز شنبه در خانه هشتم سی و شش روز عدد
دارد و در خانه دوم حرف س ص ماه رجب قد دراز و گفت طعم سخت رنگ سیاه غله ماش سیاه
[illegible] سیاه [illegible] هم گفته اند و میوه [illegible] میوه خشک آنچه بد مزه باشد پلپل [illegible]
[illegible] طیور و [illegible] گزنده مار سیاه و مثل این معدن نیلم و سلیمانی و مثل این [illegible]
[illegible] مرض [illegible] سوداوی و درد اعضای و آماس [illegible] و قوم جاه کن و کلال و جهود و مزروع
و موضع خانه تاریک و حمام و مقام ناخوش و گشت هنودان و گورستان و حلیه شخصی طویل قد [illegible]
لب [illegible] دندان [illegible] چشم سیاه چهره و موی سر کمتر بود و اگر زن باشد و در پای علتی داشته باشد
[illegible] شخص ثابت [illegible] شمالی و نزد بعضی غربی [illegible] ستاره مریخ برج حمل در خانه هفتم روز سه شنبه
[illegible] در عدد دارد و در خانه سوم حرف ج ق ماه شوال قد گرد [illegible] سخت طعم [illegible] لون
غله دال عدس مثل این میوه [illegible] و آنچه پوست او سرخ باشد و طعم سخت مثل [illegible] و بیاض معدن [illegible]
و سنگ سرخ و مقناطیس کانی مس و حیوان شیر و پلنگ و طیور زنبور و مگس عسل و بعضی خوک و
گرگ [illegible] هم گفته اند و مرض فساد خون و جراحت و پیچش و اسهال قوم سپاهی و جلاد و قصاب
ترک و رومی و فرنگی و ارمنی و قطاع الطریق و موضع قصاب بوده و سیاست خانه و مکان موش و

ومجوف است وحلیه شخصی میانه اندام کبود چشم فراخ کتف کشیده قد بر روی نشان زخم یا خال داشته باشد
جثه ... ویا جوان عمر ... سعد ثابت آبی غربی نزد بعضی شرقی مونث ستاره قمر برج سرطان در خانه
چهارم روز دوشنبه حرف د ر و عدد ده روز لون سفید اگر انسان باشد مایل بسرخی واشیا اگر باشد
سفید ... طعم شیرین شکل ... شیرین و بعضی شیرین هم گفته اند قد میانه مایل ...
برنج میوه ... و کبیر و میوه خشک مغز بادام ... ودرخت کیله ... مطلوب باشد
وسعد ... سنگ و بلور و صدف و مروارید ... الکن ... کاغذ ... چهره ...
و فالج ... و جراحت ... قوم گاذر کاغذی و باغبان ... حیوان ...
و کبوتر موضع جوی باغ و حویلی ... شخص سفید اندام که مایل ... قد کشاده ...
چشم سیاه ... نشان ... بعضی ... هم گفته اند کمل ... سعد خارج آتشی شرقی ...
آفتاب برج اسد در خانه اول روز یکشنبه در خانه نهم حمل ... عدد واو در خانه ششم حرف ...
ماه صفر لون زرد و سفید ... میانه خوش مزه شیرین و حب غله برنج ...
کبریت و کهربا ... میوه ...
... و شتر و طیور باز و شاهین ...
... و وزیر و حکام موضع حویلی و قلعه ... و حلیه شخص میانه قد ... سر فراخ پیشانی
بزرگ چشم ... عالی نسبت و جوان عمر ... سعد ... آبی غربی ستاره
مشتری برج حوت مونث ... در خانه ششم روز پنجشنبه ... حروف ه ش در خانه دوازدهم ...
و هشت روز عدد ... ماه ذیقعده لون سفید مایل بزردی ... خوش ... مزه شیرین ... غله
برنج و نخود و جو و ... و معدن الماس و صدف و کان نقره و قلعی میوه تر ... و انگور ...
میوه خشک ... آلو ... حیوان گاو و شتر و طیور طوطی و ... و مرض ...
بلغم و درد ... و درد جگر ... هم گفته اند قوم ملا و مشایخ و سادات و موضع خانقاه و ...
حلیه شخص کوتاه قد فربه سیاه چشم کشاده ابرو و بزرگ سر فراخ پیشانی سبز رنگ ... و نبات ...

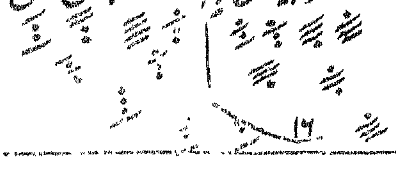
وشتاب نیز گفته اند عمر لعل شده محسن خارج آتشی شرقی ستاره ذنب برج دلو در خانه هشتم شب شنبه
و حرف ش ح و ع در خانه ششم بیست و یک روز عدد دارد و لون سیاه مایل بسرخی قد دراز سخت
درشت اندام گزنده مزه زمخت و ترش غله ماش سیاه و سرشت میوه تر و خشک آنچه بد مزه باشد و بد طعم با
عادت عجیب و درخت بی ثمر خشک که بکار سوختن آید حیوان فیل و گاو و میش و موش نیز گفته اند طیور زاغ
و زغن آنچه خوش آواز نباشد و بد صورت باشد معدنی سفال و سنگ کانی آهنی و سرب مرض تپ
محرقی و ضعف دماغ و بعضی سحر و چیچک گفته اند اگر صغیر باشد و اگر بزرگ باشد دنبل هم گفته اند قوم
مرده شو و … فروش موضع مکان خراب و سنگستان و جای سوخته و جای مزبله حلیه شخصی دراز قد
خشک اندام کبود لقا اگر بینه ظهور چشم یا احول یا در چشم عیب داشته باشد چیچک و سیاه چهره
او … استقلاب آبی غربی ستاره مریخ برج عقرب مونث مرده در خانه هفتم روز سه شنبه در خانه پنجم پانزده روز
عدد دارد و در خانه دهم حرف ی و ض لون سرخ و سیاه و دراز قد مزه تلخ و شور و بعضی بی مزه گفته اند
… غله … آنچه بد مزه باشد و بعضی عدس گفته اند معدنی سنگ … و قالب که در زیور
زنان بکار آید کانی مس و آهن میوه تر و خشک آنچه بد مزه باشد بی قیمت اما اکثر حکم ترش پیاز گفته اند
و آنچه که سیراب باشد حیوان بوزنه و لنگور و مثل این و بعضی خرگوش هم گفته اند و از طیور بوم و آنچه
… باشد و درخت آنچه خار دار باشد و بی بار قوم کوتوال و سرهنگان و حجام موضع حبوس و حمام
و … شخصی باشد که … رنگ ضعیف چشم کشاده دندان پیوسته ابرو و باریک ساق بی ریش …
… انگشتان … نشان زخم باشد و بعضی گندم رنگ نیز گفته اند دندان شکسته …
… دندان و گوش و خارش … سعد آفل بادی شمالی و بعضی غربی گفته اند
ستاره … در خانه دوم و در خانه هفتم حرف ز و ث و در خانه سوم … عدد
دارد … لون سفید که بزردی زند قد کوتاه … مایل … مزه شیرین خوش و بی غله آنچه
خوش … باشد … گفته اند معدن الماس عقیق … کهربا
کانی … میوه … انگور … انجیر و میوه خشک آنچه شیرین و خوش طعم … باشد

خرما

حیوان گوسپند و گاو هرچه حلال باشد طیور فاخته و قمری و مگس عسل ماه ربیع الاول مرض از غلبه خون
از فکر و اندیشه و استفراغ و بعضی نیابت هم گفته اند قوم از مردمان خوش مزاج اغلب که از سر دودمان آشنا
باشد و از خاندان عمده زاده و خادم درگاه باشد عجب نیست موضع جای عشرت و پخته و بزاز اشجار مثل
باغچه و چهار طاق حلیه شخص دراز قد باریک اندام سفید پوست خورد سر کشاده پیشانی باریک بینی اما چشم
نباشد جوان عمر [illegible] ممتزج بادی شمالی ستاره عطارد برج جوزا مذکر در خانه سوم روز چهارشنبه در خانه یازدهم
شصت و شش عدد دوازده و در خانه پانزدهم حرف س ماه ذی الحجه و چند رنگ اما ازرق اکثر و سبز هم گفته اند
قد کرده ابلق [illegible] راندی مجوف و در تحقیق و نرمی میانه و تمکین نیامثل لیچی هونگ معدنی زبرجد و نیلم و فیروزه
و سلیمانی و سنگ یشم کانی نقره و سیماب میوه تر انار و سیب خشک پسته حیوان شتر و اسپ ابلق
و [illegible] هم گفته اند طیور [illegible] و فاخته و کبوتر یا هوا منسوبات این شکل صوت و سقرلاب هم گفته اند
مرض بسبب جادو و آماس شکم قوم نقاش و منشی و نویسنده و دلال و منجم موضع حویلی منقش و کچهری
نویسنده حلیه شخص گندم گون پیوسته ابرو نیکوروی سیاه چشم دراز بینی دراز قد باریک ساق
فراخ دهان کمل عمر [illegible] منقلب آبی غربی ستاره قمر برج سرطان در خانه چهارم روز دوشنبه و در خانه
سیزدهم نود و یک روز عدد دوازده و در خانه شانزدهم حرف ع ماه محرم مونث سفید رنگ و بعضی کبود
هم گفته اند غله شالی [illegible] آلو و مثل این میوه تر [illegible] خیار و بادرنگ و خشک [illegible] شربت هم
ازین گفته اند معدنی الماس [illegible] گفته اند کانی نقره حیوان گوسفند و آهو طیور [illegible]
سفید رنگ کرده باشد [illegible] آبی [illegible] کرده میشود و ریسمان و کاغذ [illegible]
و پارچه و مرض از سردی [illegible] و جنون و فالج نیز گفته اند قوم قاصد و جلودار و ملاح و سقه [illegible]
و حویلی خام صحن کشاده اغلب که اشجار و آب جاری داشته باشد اما دیوار شکسته باشد حلیه [illegible] قد
لاغر گندم گون که به زردی زند باریک بینی دراز مو و جلد رو **ربع اول مشتمل بر چهار فصل** [illegible]
[illegible] انکه انتقاط از طالع تا پانزدهم شمرده اند و بیست کم نموده انچه باقی ماند دوازده دوازده
طرح دهد [illegible]

که شکل طالع و شکل منتهی اگر در فردیت و زوجیت موافق باشند ضمیر از شکل و الاد خانه بود و نزد بعضی اگر شکل منتهی در فردیت غیر موافق باشد آن شکل را با صاحب خانه ضرب کرده از نتیجه ضمیر گوید نوع دیگر عدد نقطهای بادی تمام گرفته در عدد ابجدی شکل ثبات ده هم ضرب کرده نطرح ده ده هر جا که منتهی شود ضمیر از آن گوید و آتش طالع و باد دوم و آب سوم و خاک چهارم گرفته با پنجم ضرب نماید دیگر از خاک ششم و باد پنجم و آب هفتم و آتش هشتم شکلی سازد و با چهاردهم ضرب نماید و از حاصل هر دو ضمیر گوید دیگر نظر کند شکل لحیان [symbol] را هر جا که نشسته باشد ضمیر از آنجا گوید و اگر [symbol] دو سه جا تکرار کرده باشد ضمیر دو سه جا بود و اگر در رمل نباشد از تکرار شکل طالع گوید دیگر از مراتب شکل اول گوید یعنی نظر کند که شکل اول چند نقطه دارد و نقطه آن چند مرتبه دارد از مراتب هشتگانه شمار نموده بجا نه قسمت نموده هر جا که رسد ضمیر بود در شکل باد در خانه مثلاً اگر [symbol] در اول بود آتش این مرتبه ششم و باد نیز ششم و خاک مرتبه چهارم دارد پس ضمیر آن از منسوبات شانزدهم گوید و بعضی از عدد نقطهای طالع ضمیر گفته موافق ابجد نظر کند در خانه اول چه شکل نشسته است و تسکین این شکل کجاست همین قسم سیر کند تا بشکل رسد که در شکل سکن خود باشد ضمیر از آن گوید دیگر شکل که در اول باشد هفتم آن شکل موافق بزوج هر جا که نشسته باشد ضمیر از و بود دیگر نقطه اول از میزان حرکت دهد هر جا که منتهی گردد ضمیر از آنجا گوید و بعضی هر دو میزان حرکت دهند اگر یکجا منتهی گردد ضمیر قطعی باشد و اگر دو جا منتهی شود هر دو شکل را با همدیگر ضرب نموده از حاصل آن ضمیر گوید دیگر بعضی نگاه میکنند که این نقطه منتها باز کجا آمده و با کجا میرود از آنخانه یا از شکل آنخانه گوید و بعضی از کیفیت نقطه منتها به چنانچه نوشته میشود ضمیر سریع حکم مجمل اگر نقطه ناری در خانه آتشی رسد سوال بعمده باشد مثل زیارت بزرگان و از روز بزرگ مثل نوروز و عید و حقیقت آسمان و کواکب و از بادشاه یا از قلعه و در خانه بادی رسد ضمیر از طلبیدن چیزی یا چیزی فرستادن جای آنچه تعلق بمال باشد و اگر در خانه آبی آید ضمیر از حرکت نزدیک ابتدای کار مثل نکاح و غیره و شرکت و اگر در خاک آید ضمیر از بیماری بود و خوف دارد و خطر و مال پدر و از ملک فائده یابد اگر سوال بیمار باشد زحمت سخت کشد و اگر نقطه باد در آتش آید ضمیر از دوستی مال باشد و اگر

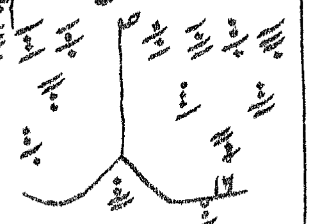
سوال از حصول انکار باشد از سعی تمام سرانجام یابد و اگر نقطهٔ باد درخانهٔ باد رسد ضمیر از طلب کردن
چیزی و مال بدست آوردن و از گم شده و تلف شده و از بیماری باشد آنچه سوال داشته باشد
بدست آید الا برای بیمار بد است و اگر نقطهٔ باد درخانهٔ آب رسد ضمیر از نقل و حرکت و از خویشان
و دوستان و از علوم غیر شرعی باشد اما لاحصول و فائده ندهد و اگر نقطهٔ باد درخانهٔ خاک رسد ضمیر
از دشمن که بسبب املاک و غیره دشمنی دارد و اگر پرسد که فلان را با من دوستی هست یا دشمنی ضمیر چنو
دشمنی زیاده شود و خوف زیاده شود و بزرگی دشمنی نماید و اگر نقطهٔ آب درخانهٔ آتش رسد
سوال از نقل و حرکت و سفر و ابتدا کردن امور باشد اما تحمل نماید و هر کاریکه شروع نماید
حاصل نشود و اگر نقطهٔ آب درخانهٔ باد رسد ضمیر از مال و از سحر و مرض و کنیزک گریخته
یا فرستادن چیزی بجای ابوا ما در صورت مرض سحر باشد و بیماری طول کشد و اگر نقطهٔ
آب در آب رسد ضمیر از محبوب یا نکاح و شرکت چیزی امانت دیگر و نهادن یا سوال
غالب و مغلوب باشد نکاح و غیره حاصل شود امانت نهادن نیک بود و در صورت غالب
و مغلوب از نقطهٔ بنشتی بود و هفتم منتهی که قوی باشد غالب او شود و اگر نقطهٔ آب درخانهٔ
خاک رسد ضمیر از املاک و سفر و غلام و شریک و دزد باشد اما حاصل شود و اگر نقطهٔ خاک
در آتش رسد اگرچه در ضمیر نقطهٔ خاک تعلق ندارد اما برای ضرورت نوشته اند تجارت
و سفر و ابتدا کار تامل اگر نقطهٔ خاک درخانهٔ باد رسد سوال از آوردن مال و خصومت
و دعوی بسبب میراث اما حاصل آید خصومت زیاده گردد و اگر نکاح باشد نشود و اگر شده
جدائی رود و سفر بسیار بد است و برای سوالهای دیگر نیز بد است اگر خاک در آب رسد سوال
از ملک و زراعت بود نیک است و سفر و نکاح و شرکت میانه و برای بیمار و غیره بد است اگر نقطهٔ خاک
درخانهٔ خاک آید برای حصول مال و غیره و خرید نیک است و سفر و بیماری بد است مثلاً برای شخص رمل
زدیم گفتیم سوال از آن شخص غائب ست رمل این ست



زیراکه چون عدد خطی در هفتم رسید اینجا [illegible] است واو هم ستاره لحیان ست بخانهٔ هفتم
که تعلق بغایب دارد باز گفتیم که سوال از جنگ دو شخص غایب ست چون که دو اول ست و تکرار
در سیزدهم نموده ازین معلوم شد که ضمیر از دو شخص غایب ست و چون نقطهٔ بادی [illegible] سانیم به [illegible] در ششم رسید
این دلالت میکند که سوال از دشمن ست و خانهٔ هشتم دلیل بر فساد دارد و [illegible] منسوب ست بعطارد تعلق بصلح دارد و
نقطهٔ دوم در پنجم که [illegible] ست رسیده [illegible] منسوب ست بمریخ دلالت بر جنگ میکند چون نقطهٔ منتهی اول که [illegible] است
با صاحب خانه ضرب نمودیم [illegible] موافق ابجد شد که منسوب بشخص عمده و اهل اسلام و شکل شمالی ست و شکل منتهی
نقطهٔ دوم که [illegible] ست با صاحب خانه ضرب نمودیم نیز موافق ابجد [illegible] برآمد شکل نحس و خسیس کافر و جنوبی ست
پس معلوم شد که از میان دو غایب یکی مسلمان و یکی کافر ست [illegible] صاحب خانهٔ ششم موافق ابجد
تعلق بلشکر دارد و هم ستارهٔ این [illegible] است و صورت جمعیت و انبوه دارد پس ازین دریافت شد
که سوال اینست که در میان لشکر شمالی و جنوبی جنگ در میان خواهد شد یا صلح والله اعلم

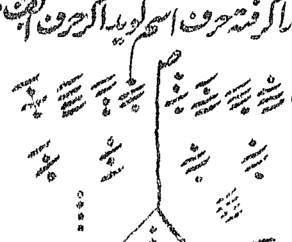
فصل دوم در مقدمهٔ جنی بدانکه اهل رمال را باید که معلوم کند که جنی هست یا نه برین نیت رمل کشد اگر در اول
[illegible] آید جنی در دست نگرفته و بعضی گفته اند که اگر [illegible] در رمل نباشد جنی نباشد و اگر [illegible] در طالع بود اول
گرفته باشد یا انداخته و اگر [illegible] در طالع بود اول نگرفته باشد و آخرش گرفته باشد و اگر باقی اشکال بود
[illegible] و اگر خواهد که بداند که در دست [illegible] است [illegible] یا چیز از سوم و سیزدهم و یازدهم و پانزدهم شکل نویسد و از نیز دو
یک شکل حاصل نماید اگر تکرار [illegible] آن بود در دست راست بود و اگر [illegible] ایها بود
[illegible] و اگر در پانزدهم [illegible] باشد اگر حاضر نباشد نگرفته و اگر خواهد که بداند
[illegible] طالع [illegible] پنجم و پانزدهم [illegible] شکل حاصل کند اگر آتشی بود و از صدبات و اگر
[illegible] بود حیوانی و اگر آبی بود نباتی و اگر خاکی [illegible] و بعضی گفته [illegible] از شکل چهارم و هشتم و از هفتم
و از دوازدهم شکل سازد و ازین هر دو شکل ساخته [illegible] از حاصل آن جوهر جنی گوید
بعضی گفته اند که اگر در اول [illegible] جنی قیمتی بود و اگر [illegible] بود و اگر [illegible] کم بها
و اگر [illegible] بی قیمت بود و محقق اگر این [illegible] شکل [illegible] خاص ست آخرش [illegible] قیمت بود چون انبوه را

دریافت نماید و خواهد یقین کند از شکل اول نرمی و سختی گوید یعنی اگر شکل اول سعد باشد نرم و اگر نحس باشد
سخت و ممتزج میانه یعنی نه نرم و نه سخت و از دوم رنگ و بوی جنس گوید و از سوم قد جنس و از چهارم جوهر
یعنی موضع آن اگر شکل آتشی باشد سعدنی و اگر بادی باشد حیوانی و اگر آبی باشد نباتی و اگر خاکی باشد
کانی و از پنجم استعمال در کجا آید و از ششم پرورش از چه چیز یافته و از هفتم ضد جنس یعنی از کدام چیز ضد دارد
و از هشتم بشرکت چهارم جوهر و از نهم بشرکت سوم قد جنس و از دهم طعم و از یازدهم تمامی و ناتمامی و از دوازدهم
ضد و فساد جنس یعنی از کدام چیز فاسد گردد برای جنس رمل زدیم زایچه این است

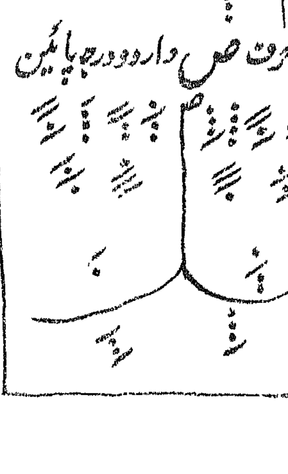


چون در اول انکیس ست لهذا گفته که جنس سخت ست و در دوم فرح ست و در
دوازدهم تکرار کرده ضعیف شد لهذا با صاحب خانه ضرب نمودیم
حاصل شد و رنگ اینست سیاه و در خانه سوم ست قد دراز ست
گفتیم که قد دراز دارد و در چهارم ست جوهر این مقارن نیفتاد و لهذا طالع را با پنجم زدیم و باز پنجم را از نهم
زدیم از نتیجه آن هر دو حاصل گردید فرح بادی ست گفتیم اصل این حیوانی ست چرا که در خانه هفتم
انکیس که ضد اینست شکل انکیس خاکی ست پس معلوم گردید که ضد این خاکیست لهذا از جوهر سنگ گفتیم
و از ماده مذکوره بر آوردیم و چون در پنجم شکل و آن سعد داخل ست و صاحب خانه دهم
موافق اوست که بشغل و عمل تعلق دارد و هم ستاره این شد در نهم نشسته که خانه علم و دین ست پس
معلوم شد که استعمال بجای نیک ست و بشغل و علم این تعلق بدین دارد و در خواندن یافت استعمال دارد
و در ششم ست این شکل بادیست پس معلوم گردید که پرورش از حیوان یافته و در دوازدهم شکل بادیست
پس معلوم شد که نیز فاسد این حیوان ست چون در خانه یازدهم ست معلوم شد که بالفعل تمام ست
و چون در دهم ست طعم ندارد لهذا این همه را جمع نمودیم گفتیم تسبیح عقیق البحر ست و العلم عند الله
فصل سیوم در بیان اسامی اگرچه اسم بر آوردن مشکل ست مطابق و تعین کرده ست اما برای رفع
نقصان کتاب نوشته میشود اول لازم ست که بداند اسم چند حرفی ست نظر کند را که کجاست اگر در سوم
تکرار کرده اسم سه حرفی باشد و اگر در چهارم تکرار کند چهار حرفی تا هفتم که هفت حرفی باشد و اگر در هشتم

تکرار کرده باشد شش حرفی بود و در نهم پنج حرفی و در دهم چهار حرفی و در یازدهم سه حرفی و اگر در خانهٔ دوازدهم
و دوم تکرار کرده باشد عدد و شکل اول گوید چرا که اسم دو حرفی و دوازده حرفی نمیباشد و اگر لحیان
تکرار نکرده باشد از تکرار شکل طالع گوید طریق برآوردن اسم چنانست که از اول و سیزدهم شکلی سازد
و نگاه کند که آن شکل مستخرج کجا نشسته و صاحب کدام خانه است هر جا که متفق در جدول باشد حرف اول
اسم ست و حرف دوم و سوم و چهارم همین قسم یعنی از نتایج چهارم و چهاردهم و هفتم و پانزدهم گوید و حرف
پنجم نقطهای خانهای طاق را جمع نموده شانزده شانزده طرح دهد آنچه باقی ماند بخانهای قسمت کند هر جا که
منتهی شود از ان شکل گوید همین قسم از عدد ازواج خانهای جفت حرف ششم گوید و حرف هفتم از نقطهای
سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم و شانزدهم گوید لیکن چون این طریق بسیار مشکل ست و مطابق کمتر می افتد لهذا
آنچه بعد تجربه معلوم شد که طریق خواجه نصیر الدین طوسی قدس الله سره قدرت مطابق می افتد و آن اینست
که نقطه حکم از میزان باشد بهر شکلی که منتهی گردد حرف آن شکل و آن خانه بگیرد و نظر کند که از کجا آمده یا کجا
میرود حرف آن شکل نیز بگیرد و اگر تکرار کرده باشد حرف آن خانه تکرار نیز بگیرد و جمع نموده اسم بگوید اگر
مطابق افتد فبها و الا ترفع و تناقص که قاعده جفرست نماید یعنی حرف مستخرج را نظر کند که از احادست یا عشرات
یا مئات یا الوف پس هر حرفی که در مرتبه احاد باشد حرف بالا و پائین او را گرفته حرف اسم گوید اگر حرف ا ب آید
ق غ گیرد و اگر ق برآید ای غ بگیرد تفصیلش مثلاً رمل زدیم اینست



چون در اول لحیان بود تکرار نداره و عدد نقطه هم یک و اسم یکحرفی
نمیباشد لهذا از شکل این گرفتیم که اسم هفت حرفی ست آمدیم بر سر تعیین اسم
چون در اول [illegible] آمد که حرف الف اول دارد و در دوم انکیس حرف ص دارد و در چهارم پائین
لحیان [illegible] گرفتیم در سوم حرف ج دارد و شکل باد می در خانه آب [illegible]
آمد لهذا حرف پائین این که ل ست نیز گرفتیم چهار حرف برآمد



اما چون اسم هفت حرفی ست آمدیم بر سر نقطه چون [illegible] در میزانست
انقلاب شد دیدیم تا کجا منقلب است نقطه آب از میزان

چهار حصه نماید و قرعه زند و نظر کند در خانهای دوم و چهارم و پنجم و دهم گر چه شکل آمده اگر غالب آتش بود
دفین در موضع شرق بود و اگر غالب باد بود دفین در موضع شمال بود و اگر غالب آب بود دفین در موضع
غرب بود و اگر خاک غالب بود دفین در موضع جنوب باشد همچنین یک جای تعیین کرده آنرا باز چهار حصه نماید
و بطریق مذکور تعیین نماید و همین قسم عمل نماید تا که قابل کندن برآید و اگر خواهد که بداند که دفینه
چه چیز است از اول و چهارم شکل سازد و از منسوبات آن شکل گوید نوع دیگر اگر خواهد که بداند
که دفین کجاست نظر کند در سوم اگر شکل آتشی بود نزد آتش یا در سقف و اگر شکل بادی بود جای بلند
مثل دیوار یا طاقچه بود و اگر شکل آبی بود متصل آب یا در آب یا در باغ بود و اگر شکل خاکی باشد
در زمین بود و بعضی گفته اند که دهم را شریک کرده حکم کنند و اگر پرسند که طول و عرض و عمق دفینه
چند گز یا چند وجب است از عدد خطی شکل چهارم طول گوید و از عدد عنصر عرض گوید و هر دو را جمع نموده
عمق گوید مثلاً [figure] طول هفت دارد و عرض یک و عمیق هشت بود و بعضی از ضرب طول و عرض
عمیق میگویند پس درین صورت عمیق هفت است اما اگر شکل چهارم و دوم سعد وجب باشد
و انگشت و الا گز و بعضی از دوم و چهارم و دهم میگویند یعنی اگر دوم سعد باشد عرض وجب اگر نحس باشد
گز و اگر چهارم سعد باشد طول وجب و اگر نحس باشد گز و اگر دهم سعد باشد عمق وجب والا گز والعلم
عند الله تعالی ربع دوم طریق احکام اهل سپهر اگر سوال از اتصال بود یا انفصال
اگر از اتصال باشد مثل آمدن غائب و طلب مال و غیره ذلک باید که در رمل اگر اشکال داخل
غالب باشد حصول آن مراد بآسانی میشود و اگر منحصر داخل بود بدشواری و از خارج عدم حصول
مراد و از سعد منقلب چیزی برآید و چیزی نه اگر سوال از انفصال باشد حکم برعکس کنند طریق
احکام اهل مصر نظر کنند بر سوال که از کدام خانه تعلق دارد و از آنخانه و شریک و نتیجه حکم نمایند
از داخل دخول و از خارج خروج و از ثابت ثبوت و از منقلب انقلاب طریق مغربیان
از تمام اشکال دوازده گانه حکم بر منسوبات خانها جدا جدا از داخل و خارج و ثابت و منقلب میگویند
مثلاً در خانه اول احوال طالع و تن و جان و ابتدای کارها و از دوم پیش آمده احوال مال و اعوان

حکم می کند باقی برین قیاس **طریق هندوستان** از انقلاب امهات و بنات حکم از میزان
میکنند یعنی [illegible] که از دو شکل بر می آید موافق آن شکل حکم میکند **طریق دیگر** از آتش امهات شکل سازند
و از باد ۱۶ و ۱۲ و ۱۴ و ۱۵ نیز شکلی سازد و آب بنات نیز شکل و از خاک ۱۱ و ۱۳ و ۹ و ۱۰ نیز شکلی و از آتش
این چهار شکل یک شکل و از خاک آن نیز یک شکل و ازین هر دو یک شکل حاصل کند و با شکل مقصود
ضرب نموده از داخل و خارج حکم نماید **طریق احکام دوازده گانه خانه اول** اگر سوال
از نفس و غیره آنچه تعلق بخانه اول داشته باشد نظر کند در خانه اول اگر اشکال سعد آیند و تکرار در
یازدهم کند دلیل سعادت بود و اگر در ۴ و ۱۵ و ۱۶ تکرار کند دلیل بر شادی کند و اگر اشکال
نحس آیند حکم بر نحوست کند و اگر در ۸ و ۶ و ۱۲ اشکال نحس تکرار کند بسیار نحوست دارد و اگر در
خانهای مذکور یعنی ۴ و ۱۵ و ۱۶ اشکال نحس تکرار کند قدری نحوست بر طرف شود و در هفتم نحوست
بهم رسد و اگر در طالع و ۱۱ و ۴ و ۱۵ و ۱ ازین دو شکل دو شکل تکرار کند ... شد دلیل بیماری
غم بود اما خلاصی یابد **احکام خانه دوم** اگر داخل سعد باشد و در ۱۳ و ۴ تکرار کند مال
حاصل شود و اگر در ۱۵ [illegible] بود از گفتگو حصول شود نوعی دیگر نقطهای زایچه شمرده دو دو
طرح کند اگر یکی ماند حاصل شود و الا نه و اگر در دوم [illegible] آید حصول مال شود اما زود و بعد تنگی
و اگر ۲ و ۱۵ و ۱۳ و ۴ و ۱ اشکال داخل سعد بود البته مال حصول شود و اگر سوال باشد که بکدام
سبب مال حاصل شود باید که تمام نقطه شمار کرده هفت هفت طرح نماید اگر یکی ماند از حکام و
سلاطین و اگر دو ماند از تجار و معاملان و اگر سه ماند از کتاب یا از سبب وتاویا از سفر و کسب
و اگر چهار ماند از املاک و آنچه تعلق بزمین داشته باشد و اگر پنج ماند از سبب فرزندان
و آشنایان و هدیه و تحفه و اگر شش ماند از غلامان یا سوداگری و اگر هفت ماند از شریکان و
زنان و نمائیان و دعوی حصول مال شود و بعضی گفته اند اگر تکرار شکل دوم گوید یعنی در هر خانه
که تکرار از آن سبب حصول مال شود و اگر تکرار نکرده باشد آن شکل صاحب هر خانه که باشد از آن حاصل آید
و اگر سوال باشد که فلان شخص سخی است یا بخیل نظر کند در دوم و اول اگر [illegible]

آید دلیل بر سخاوت کند و اگر [شکل] [شکل] آید دلیل بر بخل نماید و باقی اشکال میانه اگر سوال
از خرید و فروخت باشد نظر کند در طالع و ۲ و ۸ اگر منقلب سعد باشد خرید و فروخت هر دو بهتر باشد
اگر سعد داخل در ۲ و سعد خارج در ۸ آید خریدن آن بهتر و فروختن میانه و همچنین بالعکس بود و
در خرید و فروخت املاک ۳ و ۸ ضرب کند و از حاصل آن گوید و در خرید غلام و کنیز ۲ و ۶ ضرب کند
اگر حاصل [شکل] [شکل] [شکل] [شکل] [شکل] باشد مبارک و پایدار شود و اگر [شکل] [شکل] [شکل] بود میوه و فتنه
جانی و اگر [شکل] [شکل] بود گریزپا باشد و اگر [شکل] [شکل] بود مبارک باشد اما دزد و ... و اگر در [شکل] آید
مکار باشد و اگر [شکل] آید بگریزد اما خود باز آید و اگر در دوم [شکل] بود و در اول [شکل] پس دلالت کند
بر حصول مال بسعی و اگر بالعکس باشد حصول مال بی سعی و اگر از این دو شکل نباشد و شکل طالع
در ۲ آمده باشد دلالت بر حصول مال کند از سعی و اگر شکل دوم در اول آمده باشد دلالت کند که
بی سعی حصول شود یا بکه شخص خود برساند دیگر اگر کسی سوال کند از کسی مال طلبیده ام یابم (خواهد آمد)
یا نه نظر کند در دوم که طالب ست و در هشتم که مطلوب ست اگر داخل یا ثابت سعد باشد
در دوم و در هشتم خارج یا ثابت نحس بود حکم بر حصول مال کند سعد بآسانی و نحس بمشقت شود و اگر
بالعکس بود حکم بر عدم حصول کند و اگر هر دو طرف داخل باشد مسئول چیزی عوض بگیرد و مال بدهد
و اگر خارج باشد یعنی هر دو طرف سائل خود ترک نماید و مسئول هم نه دهد و اگر منقلب باشد چیزی بدهد
و چیزی نه اگر پرسند که چه قدر بدهد پس اگر [شکل] آمده باشد دو حصه بدهد و یک حصه ندهد و اگر [شکل] باشد
خلاف این حکم کند و اگر [شکل] یا [شکل] باشد نصف دهد **احکام خانه سوم** اگر سوال از منسوبات
اینخانه باشد نظر کند در خانه سوم اگر داخل سعد باشد دلیل بر قوت طالع و اقربا و برادر و خواهر
و تعبیر نیک باشد و سائل را فائده از اقربا رسد بشرطیکه شکل اول موافق مزاج این بود و نقل و
حرکت کمتر دهد اگر خارج سعد باشد دلیل میانگی طالع اقربا و غیره باشد اما نقل و حرکت رو دهد
و تعبیر نیک بود و اگر خارج نحس بود دلیل بر نحوست منسوبات این خانه کند اما حرکت بیفایده دهد
اندر داخل نحس حرکت هم نشود و ثابت سعد نیز بر قوت طالع اقربا دلیل کند و حرکت نه دهد و از ثابت

دلالت بر خوست طالع اقربا بود اما حرکت رونده باید اگر کند تصدیعه کشد یا یک حکم نماید که در راه ضرب سنگ در یا
رسد یا سگ بگزد و اگر منقلب سعد باشد نیز دلالت کند بر قوت طالع اقربا و اراده حرکت کند اما موقوف نماید
و اگر رود زود بازگردد و از منقلب نحس حکم برعکس نماید و اگر سوال کند که برادر با من دوستی هست یا نه نظر کند
طالع و سوم اگر سعد بر دوستی و از نحس بر عدم دوستی اگر یکطرف سعد بود و یکطرف نحس طرف موافقت و
طرف دیگر ناموافقت اگر کسی سوال کند که مرا برادر بسیار است یا خواهر نظر کند در رمل اگر [illegible] غالب بود
برادر بسیار است و اگر [illegible] بسیار است خواهر بسیار بود و اگر این هر دو شکل نباشد نظر کند در رمل اگر شکل
آتشی و بادی آید برادران بسیار اند و خواهر بعضی گفته اند که اشکال پر نقطه زیاده باشد دلیل بر کثرت
برادران و اگر اشکال کم نقطه غالب باشد خواهر بسیار **احکام خانه چهارم** اگر سوال از منسوبات اینخانه باشد
مثل ملک و غیره نظر کند در رمل بخانه چهارم از داخل و خارج و ثابت و منقلب حکم از ان کند اگر سوال
از ملک و زراعت بود یا از باغ بود نظر کند در چهارم از سعد و نحس بطریق سابق گوید اما اگر شکل چهارم
در هفتم تکرار کند کشتکاران خائن باشند و اگر در نهم تکرار کند امین و معتمد باشند اگر در طالع و سوم
و نهم شکل آبی آید از زیادتی آب ضائع شود و از آتشی بی آبی شود و اگر شکل زحل و قمر در پنجخانه
باشند برق و ژاله افتد و اگر در چهارم [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] آیند بر خیر و برکت کند و از [illegible]
[illegible] دلیل بر پیدا شدن موش در کشت باشد و از [illegible] دلیل بر ملخ و کرمهای پرنده که از زمین پیدا شود
و خراب کنند و [illegible] دلیل بر ملخ بود اگر سوال از عمارت بود که خوبست و پایدار گردد و اگر در طالع سوم و
دهم [illegible] و [illegible] و [illegible] بود آن عمارت ویران ماند یا فروخته شود و اگر [illegible] غلبه کند نیم کاره ماند
یا بافته و باز ساخته شود و اگر در بین جاها غلبه [illegible] و [illegible] بود دلیل کند بر که در بین عمارت ماند رنجور و مغموم
اگر پرسد که ملک جیلی و کدام طرف آباد است و از کدام طرف ویران از تکرار دهم گوید و بعضی از چهارم
روبروی از پنجم دست راست و سوم دست چپ از دهم مقابله و بر گو و اگر در سوم [illegible] بود جای سنگستان بود
و اگر [illegible] [illegible] [illegible] بود بی آب و ریگستان بود و ناخوش بود و اگر [illegible] و [illegible] و [illegible] بود پر از درختان و آباد و دلگشا باشد اگر سوال
از چگونگی مکان باشد نظر کند در سوم اگر [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] آید دلیل کند که مکان با دولت و سعادت باشد اگر [illegible] و [illegible] بود دلیل

کند وران حویلی فرزندان بوند و شوند اگر [illegible] و [illegible] آید اگر چه بمکان سعادت ده باشد و اگر [illegible] و [illegible] و [illegible]
و [illegible] و [illegible] و [illegible] آید دلیل کند که آن مکان منحوس و متنفر باشد اگر سوال از جاسوس باشد که درین شهر هست یا نه از همان جه
اگر سوال کند که در شهر عیال گذاشته آمده ایم آنجا هستند یا نه اگر شکل [illegible] سعد و داخل بود و در اوتاد تکرار کرده باشد
شهر هست و از خارج نه و اگر منقلب اراده رفتن دارد و احوال بهمین طریق سابق گوید اگر سوال از قلعه و شهر باشد [illegible]
یا نه اگر اوتاد سعد باشد بتوان گرفت و اگر نحس باشد گرفته نشود و اگر بعضی نحس باشد و بعضی سعد [illegible] اگر [illegible] شود
اگر عطارد بود بمکر گرفته شود و اگر سوال از کیفیت مکان باشد از سعادت و نحوست بطریق سابق حکم باید لیکن
اگر [illegible] بود حکم کند که در آنخانه میا شد اگر [illegible] بود غالب که در آن مکان کسی را کشته باشد و شاید [illegible] بر آن مکان
باشد و اگر [illegible] باشد آسیب بود در آن مکان و حویلی و بعض از [illegible] گفته اند که چیزی از قبیل سحر در آنخانه مدفون باشد
و اگر [illegible] بود قبر در آن حویلی بود و اگر [illegible] بود چیزی از قسم مال در آن حویلی مدفون باشد اگر احوال همسایه پرسند
همسایه دست راست از پنجم و دست چپ از سوم و عقب از دهم و روبروی از جانشین شکل [illegible] اگر خود
صاحب خانه از باطن این گوید هر جا که نشسته **احکام خانه پنجم** اگر کسی سوال کند که در نصیب فرزند هست
یا نه در ده نظر کند اگر ازین اشکال باشد [illegible] البته شود و الا نه اگر شود پسر
دیگر اول را با پنجم و ششم با هفتم ضرب کند از هر دو یکی حاصل کند اگر داخل حکم اصول مراد و از خارج نه اگر سوال کند
که چند فرزند در قسمت ست شکل اول را با هفتم ضرب کند اگر [illegible] آید همان فرزند شوند و از [illegible] و [illegible] شش فرزند
و از [illegible] و [illegible] دو فرزند و از [illegible] پنج و از [illegible] و [illegible] سه و از [illegible] و [illegible] و [illegible] چهار فرزند و از [illegible] و [illegible] هفت فرزند
بسیار شوند و اگر سوال کند زن آبستن شود یا نه نقطه از اول تا پانزدهم بشمارد و دو دو طرح کند اگر یکی ماند
شود و الا نه دیگر آنکه حمل دارد یا نه اگر در اول پنجم [illegible] آید [illegible] بود حمل دارد و از [illegible]
ندارد و از [illegible] [illegible] دارد اما پایان نبود و [illegible] دلیل کند که چشم پیدا شود و اگر تکرار در
اوتاد کرده باشد لنگ بود و اگر در پنجم [illegible] آید و تکرار کرده باشد حیز یا خنثی تولد شود و دیگر پنجم با هفتم ضرب کند
اگر نتیجه آتشی یا بادی باشد پسر زاید و الا دختر و بعضی گفته اند که اگر ازین اشکال در طالع و پنجم آید [illegible]
[illegible] پسر پیدا شود و اگر [illegible] غالب شد یا جفت دو پسر شوند و اگر [illegible] بود دو دختر و اگر [illegible]

غالب بود جیز یا خنثی یا نام دزاید و اگر [illegible] [illegible] در اول و پنجم و ششم و هفتم باشد دلیل کند که دو پشم زاید و اگر [illegible]
در این خانها باشد لنگ پیدا شود و اگر [illegible] کوز پشت و اگر [illegible] باشد لنگ پیدا شود و بعضی اول را با پنجم و ششم را با دهم
ضرب کرده یک شکل پیدا میکنند و آنرا حکم بر زیری و مادگی مینمایند و بعضی از پنجم و دوم و از پنجم و پانزدهم ضرب کرده از نتیجه
هر دو بطریق سابق حکم میکنند و بعضی از یازدهم حکم میکنند اگر سوال از درازی عمر فرزند باشد شکل طالع را با هشتم
و ده را با ضرب کرده از نتیجه آنها شکل سازند اگر یکی ازین شکلها [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] در اول و پنجم و پانزدهم و
یازدهم تکرار شود درازی عمر بود و اگر یکی ازین شکلها [illegible] [illegible] [illegible] در خانهای مذکور تکرار کند میانه عمر بود و اگر
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] در خانهای مذکور تکرار کند عمر چند روزه بود و اگر [illegible] بود یکساله بود و اگر [illegible] بود شش ماهه
عمر بود و بعضی از تکرار چهارم حکم میکنند اگر در او تا سال و در تا یکی ماه و در زائل هفته و روز موافق اعداد و تطبیقات
اگر سوال کند که حامله سهل زاید یا دشوار نظر کند و از خارج و منقلب سعد سهل زاید و از داخل و ثابت سعد اگر چه
دیر زاید اما بیم نباشد و از خارج و منقلب نحس و دزاید لیکن بود اما ثابت و داخل نحس از بیم مرگ باشد از اول
و ششم حکم کند اگر بپرسند که کدام روز زاید از طالع گوید و اگر پرسند که کدام ساعت پیدا شود تکرار شکل طالع
در خانهای دوازده موافق خانه حکم نماید اگر طالع تکرار ده باشد تکرار از تکرار پنجم گوید و اگر [illegible]
در پنجم آید نصف شب وزاید و اگر سوال از نیک بختی فرزند بود شکل پنجم و هفتم ضرب کرده
حاصل آنرا با میزان ضرب کند اگر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بود نیک بخت و دولتمند بود
و اگر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بود کم بخت و محتاج بود و اگر از سخاوت پرسند طالع را با پنجم و دوم را با دهم [illegible]
هر دو شکل سازد و اگر [illegible] [illegible] [illegible] بود و در اول و دوم و پنجم و یازدهم و پانزدهم و چهاردهم تکرار بود سخی باشد و اگر
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بود صاحب خزانه بجای نیک قدری خرج کند و اگر [illegible] [illegible] [illegible] بود مال دار اما بخیل بود و اگر
[illegible] [illegible] کم بخت و محتاج شود و اگر [illegible] بود و تکرار در خانهای مذکور کند بد خو و جنگجو باشد و اگر [illegible] بود مولود
لوطی و موطی بود و اگر [illegible] بود زانی و فاسق بود و اگر [illegible] بود دزد و دغاباز و قمارباز بود و اگر سوال
بدست آمدن معشوق بود طالع را با پنجم زند و حاصل را با چهارم و از نتیجه حکم کند از داخل و خارج و نحس
و سعد و ثابت و منقلب اما اگر خارج سعد باشد برغبت مفارقت کند و در نحس خارج بقضیه مفارقت شود

عاقبت بر سوائی کشد باید توبه کند اگر سوال کنند از کدام جانب دوستی بود نقطه آتشی او تاد و مائل او تاد جدا جدا
بشمارد اگر او تاد زیاده باشد دوستی از جانب سائل والا بالعکس اگر سوال از خبر بود از شکل پنجم گوید اگر ثابت سعد
باشد راست و اگر نحس دروغ و بعضی گفته اند که در خانه پنجم شکل صاحب خط باشد خبر راست والا دروغ
یعنی شکلی که در پنجم آید صاحب حرف بود یا عدد یا مزاج یا موافق شکلین بهکن یا ابج و اگر پیغام کسی رسد از پیغام
از شکل خانه پنجم گوید و اگر از بهر وصول یا شطالع را با پنجم و ششم یا با دهم ممتزج کند از شکل حاصل کند اگر داخل باشد
زود وصول برسد و اگر نحس بود وصول سیاسی بهره خارج و منقلب سعد چیزی آید و چیزی نه و از نحس خارج
هیچ نیاید و اگر سوال از خلعت باشد از خانه پنجم بطریق سابق گوید در دخل حکم حصول از خارج نه و اگر سوال از
کیفیت ملبوس نماید که چه قسم است و یا چه قسم خواهد داد نظر کنند در خانه پنجم اگر آتشی باشد مثل [illegible] باید گفت که
ملبوس مکلف باشد قیمتی که در عمل زر نموده باشند اما با قیمت و نو بود و اگر [illegible] بود چیزی کهنه
و خراب باشد و بی قیمت اگرچه عمل زر نموده باشند و اگر شکل بادی بود مثل [illegible] [illegible] دلالت کند که ملبوس
از قسم پشمی و ابریشمی بود با قیمت و نو بود و اگر [illegible] بود جنس ضعیف کهنه کم خورده و اگر شکل آبی بود مثل [illegible]
[illegible] ملبوسات از قسم پارچه سفید و نو قیمتی بود و اگر [illegible] بود نیز دلالت بر پارچه کهنه از قسم سرخ باشد
و اگر شکل خاکی باشد مثل [illegible] [illegible] پارچه پوسیده و کهنه یا پارچه پوشیده باشد و اگر [illegible] بود نیز دلالت
بر پارچه کهنه چند رنگ باشد و [illegible] دلالت بر پارچه که با قیمت و نو باشد و عمل زرکار باشد اما کهنه باشد
و رنگ ملبوسات از رنگ اشکال گوید لیکن باید که شرکت نتیجه را احتیاط نموده امتزاج دهد اگر سوال از خورد
باشد و در خانه پنجم [illegible] آمده باشد باید گفت که سائل از قسم عرقیات خورده باشد و اگر [illegible] [illegible] بود باید گفت
که از قسم شربت شیرین خورده باشد اگر در پنجم بود و ششم شکلی باشد که منسوبات شیرین بود باید گفت که سائل
[illegible] خورده باشد از ثمر هندی و غیره اگر [illegible] [illegible] در پنجم بود سائل نمک خورده باشد اگر [illegible] بود افیون
باشد و اگر سوال از مریض باشد و در خانه ششم [illegible] و در خانه پنجم تکرار کرده باشد باید گفت که سائل شوله
کچری خورده باشد و اگر [illegible] در پنجم بود شوله گوشتی یا نخود آب خورده باشد احکام خانه ششم
اگر سوال از منسوبات خانه ششم باشد نظر کند در خانه ششم که چه شکل نشسته از داخل و خارج و ثابت

ومنقلب حکم نماید و بعضی گفته اند که نظر کند در ششم و دوم و طالع از داخل و خارج حکم کند اگر پرسند که گریخته
در شهر هست یا نه اگر ۳ و ۱۰ داخل بود و ثابت در شهر هست و الا نه اگر پرسند که کسی همراه دارد اگر در پنجم و ششم
خارج و منقلب بود تنها باشد و از داخل یک کس همراه بود و از ثابت بسیار کس همراه باشند اما اگر سوال از آمدن
گریخته بود در ششم ... شد بود البته بیاید یا تلاش کند یا نکند اگر پرسند که شخصی برای تلاش رفته خواهد یافت نه
اگر شکل طالع در اوتاد تکرار کند خواهد یافت و اگر در مائل تکرار کند در راه ملاقات کند و اگر در زائل بود ملاقات
نشود و اگر سوال از اشیاء گم شده باشد از نتیجه هفتم و ششم حکم کند و بعضی گفته اند که جمیع افراد اگر فرد بود
دو طرح دهد اگر یکی ماند پیدا شود و الا نه اگر سوال از دزدیده بود نظر کند در اول و دوم اگر اول و دوم شکل داخل سعد
و ششم خارج یافته شود بعضی گفته اند اگر در دوم و ششم داخل یا ثابت سعد بود دفع میگویند و اگر منقلب
سعد باشد خود خرج کرده فراموش نموده بود اگر سوال از جنس دزدیده بود از منسوبات شکل ششم گوید
چنانچه سابق نوشته شد اگر سوال مریض بود از کیفیت مرض منسوبات شکل پنجم و ششم و یازدهم گوید
اگر سوال از شفاء مریض باشد نظر کند در ۶ و ۳ و ۸ - اگر در ششم خارج سعد باشد مرض دفع شود
و از نحس تصدیع کشد و از داخل مرض دفع شود اما لازم است که نظر کند اگر شکل ۳ بقوت باشد شفا یابد
و اگر قوی باشد دفع مرض از مرگ بود و احوال حکیم از دهم گوید و تجویز دوا از یازدهم کند گوید و نفع از
۳ و کیفیت غذا از ۲ و بعضی گفته اند که نظر کند در چهارم و شانزدهم و هشتم و ذات دهم و اول اگر عقله
بیاض جماعت حمره نقی طریق عتبه خارج قبض خارج انکیس در خانهای مذکور غالب آید مریض بمیرد
و اگر اجتماع در ۶ و بیاض در ۸ بود بیم مرگ بود و اگر انکیس در اول و عقله در ۳ بود مریض بمیرد و
اگر طریق در ۹ آید بمیرد و اگر اجتماع در ۱۲ آید بیمار شفا یابد دیگر شکل اول با ششم زند و حاصل را
با ۳ - اگر نتیجه آتشی و بادی بر آید شفا یابد و الا نه و بعضی گفته اند که اگر نقطه آتش و باد غالب باشند
شفا یابد و الا نه اگر سوال از غلام و کنیزک بود که بدست آید یا نه اگر شکل ششم داخل باشد بیاید و اگر
خارج نه سعد بآسانی و نحس بدشواری و از سعد مبارک و خوش قدم و خوش طالع و از نحس بالعکس
و بعضی گفته اند که طالع را با ۱۲ و ۳ را با ۶ ضرب کند و ازین هر دو یک شکل حاصل کند اگر سعد خارج و منقلب بود

مبارک باشد اما زود فروخته شود و اگر عقله نقی بر آب باشد بمیرد یا بگریزد و از طریق قبض الخارج بود گریزپا باشد و اگر حمره و انکیس برآید بنحو گرده و اگر عتبه خارج برآید فاسق و قمارباز و کاذب و دزد باشد و اگر جماعت برآید ثابت قدم باشد اما مکان اگر سوال کنند که این بنده چه نسل دارد ۱ و ۶ و ۱۳ شکلی سازد و از منسوبات آن حکم کند چنانچه ذکر بالا این فرسته اگر پرسند که از چارپایان چه نفع شود یا نه طالع را با ۶ و ۳ یا با ۱۲ ضرب کند و از این شکل حاصل کند و بطریق سابق حکم نماید اگر سوال از طیور باشد نظر کند در طالع و ۶ و ۳ از سعد نفع و از نحس نقصان گوید و اگر از جانوران شکاری سوال کنند شکار خوب نماید و طائر چه چیست یا نه طالع را در ۶ و ۳ یا ۱۰ ضرب نموده یک شکل حاصل کند و اگر از این شکل حاصل [illegible] [illegible] باشد شکار خوب طائران هم خوب نماید و اگر [illegible] [illegible] باشد چنان نپرد و شکار نیز کم کند و اگر [illegible] [illegible] آید بسبب ضعف طیران بازنیاید و اگر [illegible] [illegible] بود بمیرد و اگر [illegible] بود شکار خوب کند و بپرد اما بسبب طیران گاه گاه از نظر غائب شود و انقبض بدست آید اگر سوال از جانور گوینده باشد طالع را با هشتم و سوم یا ششم ضرب کرده یک شکل سازد و اگر [illegible] [illegible] آید بلند آواز و خوش الحان باشد و اگر [illegible] [illegible] باشد خوش الحان بود اما تنگ آواز و اگر [illegible] [illegible] آید بلند آواز باشد اما بد الحان باشد و اگر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بود گریه آواز و بدگلو بود اما از [illegible] [illegible] حکم کند که بنحو شود یا گریزد و از [illegible] [illegible] حکم کند که قفس شکسته بپرد و گم شود **احکام خانه هفتم** اگر سوال از منسوبات این خانه باشد نظر کند در این خانه از شکل خارج و داخل و ثابت و منقلب و سعد و نحس بطریق سابق حکم کند اما اگر سوال از دزد باشد که بدست آید یا نه اگر شکل هفتم داخل و ثابت باشد و در امهات تکرار کند بدست آید و الا نه دیگر تمام نقطه طالع شمرده دو دو طرح کند اگر یکی ماند بدست آید و اگر دو ماند نیاید اگر پرسند که دزد مذکر است یا مونث اگر در هفتم شکل آتشی یا بادی بود مذکر است و الا نه و بعضی موافق ستاره حکم میکنند اگر پرسند که جوان است یا پیر [illegible] موافق منسوبات حکم کند و بعض گفته اند که تمام نقطه شمرده تا سه سه طرح دهد اگر یکی ماند جوانست و اگر دو ماند کودک و اگر سه ماند پیر و بعضی لون دزد نیز همچنین هم گفته اند اگر یکی ماند سیاه چهره و اگر دو ماند [illegible] و اگر سه ماند گندم گون اگر پرسند که دزد شهریست یا نه طالع را با چهارم و هفتم را با دهم ضرب کند و از این هر دو یکی حاصل کند اگر داخل یا ثابت باشد دزد شهریست و اگر خارج باشد غیر شهریست و اگر منقلب باشد با اطراف اگر دیهیست

نیت فتح دارد و بعض گفته اند که از آتش هفتم و دوازدهم و چهاردهم و پانزدهم شکلی سازد و از داخل و خارج
و ثابت و منقلب حکم کند و اگر سوال کند که دزد چه کس است از شکل این همین مستخرج حکم کند اگر در طالع بود اهل خانه باشد
برین قیاس اگر پرسند که از خانه صاحب مال خانه دزد چند خانه درمیان دارد عدد نقاط شکل ۵ و ۶ و ۷ و ۹ گرفته
موافق عدد ۱۶ طرح دهد آنچه باقی ماند همان قدر خانه درمیان دارد اما اگر خانه ۵ داخل باشد و اگر خارج باشد طرح نباید
اگر پرسد که خانه دزد کدام طرف است از مزاج خانه دهم گوید و رخ دروازه دزد از نهم گوید و کیفیت حویلی دزد که خام
یا منقوش است یا نه اگر دهم و نهم گوید و حلیه دزد از شکل هفتم چنانچه سابق نوشته شد اگر پرسند دزد مال
کجا نهاده از دهم و ۸ و ۶ و ۱۲ شکلی حاصل نموده اگر ⁖ برآید بطرف جنوب در صندوقی یا ظرفی در زمین
گذاشته نهاده باشد و اگر ⁖ بود بطرف شمال جای سلاح خانه یا دیگدان نهاده بود و اگر ⁖ بود در زمین
دفن کرده باشد و اگر ⁖ برآید بشمال طاق یا جای بلند نهاده باشد و اگر ⁖ برآید متصل آب یا سبزه پنهان
کرده باشد و اگر ⁖ طرف غروب جای بلند و خوش نهاده باشد و بعض گفته اند که در جای سیاه منور نهاده باشد
و اگر ⁖ بود طرف شمال در باغ نهاده بود و اگر ⁖ برآید طرف غروب راه نهاده بود و بعضی از نشستن طریق در خانه
حکم کند یعنی در خانه آتش جانب شرق باقی برین قیاس اگر ⁖ برآید در حمام یا مسجد جای عبادت بطرف مشرق
اگر ⁖ برآید بجای خوش جای نشستن خود نهاده باشد بطرف شرق و اگر ⁖ بود جای خرابه یا طهارت خانه
بطرف شرق نهاده باشد اگر ⁖ برآید در مزبله یا در خاکستر یا در دیگدان یا در جای آتش طرف شرق نهاده باشد
اگر پرسند که دزد بدست کدام کس آید اگر در دهم ⁖ بود بدست صاحب مال آید و اگر ⁖ بود بدست نحویان یا برین
برین قیاس اگر سوال کند که دزد درین جماعت کدام است فرقه منتهم را چهار حصه کنند و رمل زنند و نظر کند که دزد
بکدام حصه است و همچنین هم حصه کنند و رمل زنند تا که دزد معین گردد و بعضی گفته اند که آتش اول و ۲ و ۹
و ۳ اگر فته شکلی سازد و از خاک ۳ و ۱۰ و ۱۱ و ۵ شکلی سازد و آب چهارم و ششم و پنجم و شانزدهم شکلی سازد و
از باد ۷ و ۸ و ۱۲ و ۱۴ شکلی سازد و زایچه تمام کند و در رمل این زایچه هر شکلی که گشته باشد از طبیعت آن دزد
آن طرف بود اگر سوال از نکاح بود اگر در اول و ۲ و ۷ و ۹ مس داخل بود نکاح مبارک بود و اگر در هفتم ⁖ ⁖ ⁖
⁖ ⁖ بود نکاح نشود باقی نباشد اگر شود تفریق افتد اگر از صلاحیت زن پرسد از طالع و هفتم شکلی سازد و اگر ⁖ ⁖ ۱۰۱

[illegible] بود آن زن مستور و صاحب حیا باشد اما از [illegible] گفته اند که دختران بسیار نزاید اگر [illegible] بود پسران آرد اگر [illegible]
مساوی دارد [illegible] دلیل کرده خود لیند بود اما مستوره باشد و [illegible] و [illegible] خنده و بازی باشد و بی [illegible] شوهر خواهد
مروم بود و مائل بعشق بود و اگر [illegible] و [illegible] بود جنگ جو و غالب شوهر باشد و اگر [illegible] بود چه صورت و بی هنر و گرفتار
و بی شعور باشد و از [illegible] فاسقه و دشمن شوهر باشد و از [illegible] دشمن بی شوهر باشد دشمنی در ظاهر بکند اگر پرسند
چه نسل است با هم ازان دو از حاصل موافق منسوبات گویند اگر پرسند که زن بکر است یا نه اگر در سعد و داخل باشد
و یا ثابت و تکرار دارد تا دو باشد بود بکر است و اگر از شرکت پرسند بر را با ۱۰ و ۸ را با ۲ ضرب کرده شکلی حاصل کند اگر سعد
داخل یا ثابت بود دلیل بر نیکی شرکت و فایده و دوستی همدیگر بود و اگر سعد خارج و منقلب سعد بود دوستی همدیگر بود
اما فایده کم بود ۱۲ و اگر نحس خارج و منقلب بود جدائی افتد و خیانت ظاهر گردد و [illegible] نیز دلالت بر جنگ و دارد
اگر سوال از دعوی باشد طالع را با ۹ و ۷ با ۱۰ ضرب کند حاصل بر کدام که سعد قوی و تکرار ضرب کرده باشد هموی غالب شود
اگر شکل طالع را با ۷ و میزان تکرار کند هر شکل که تکرار کرده باشد حاکم بطرف او شود و اگر میزان تکرار دو متولدات کند
بطرف او همین حکم کند اگر سوال از مباحثه شود طالع را با ۳ زند دلیل که سائل است و ۷ را با ۹ که دلیل مسئول است اگر
دلیل سائل [illegible] باشد سائل غالب باشد و اگر [illegible] بود حکم بالعکس بود و اگر هر دو طرف برابر شود
صلح بود **احکام غائب** اگر سوال کند که غائب زنده است یا مرده نقطه ها را تا ۵ البشمارد اگر از سی [illegible]
غائب مرده باشد و اگر در ۷ و [illegible] آید و در ۳ و ۱۰ نحس بود غائب مرده باشد و اگر بالعکس باشد
غائب زنده است و اگر در اول ۳ و ۷ و ۴ و ۹ [illegible] در این دلیل بر مرگ غائب باشد و اگر این
اشکال در اول آید و تکرار در ۸ کند غائب مرده باشد و اگر [illegible] بود غائب مرده باشد بعضی گفته اند
که نقطه تمام شمارد اگر آتش و باد غالب بود زنده باشد و الا نه اگر اشکال آتشی و بادی غالب باشد زنده بود و الا مرده
و اگر در ۳ و ۸ [illegible] آید و تکرار در ۷ و ۱۱ و ۱۲ و ۸ کند دلیل مرگ بود و اگر سوال کنند که غائب چگونه است
و کجا نشسته است اگر سعد داخل باشد بخوشی نشسته و قصد آمدن دارد و اگر [illegible] بود در تکلیف و تصدیع نشسته باشد [illegible]
همین حکم دارد و اگر ثابت سعد نیز بخوشی نشسته اراده آمدن ندارد و اگر سعد خارج بخوشی نشسته و اراده آمدن دارد
اگر منقلب سعد در راه است و اگر نحس منقلب در راه باشد اما بخود سرگردان باشد اگر پرسند که کدام طرف رفته است گویا اگر [illegible]

زود آید یا دیر نظر کند در دهم - اگر شکل سعد داخل و ثابت بود زود آید و بعض گفته اند اگر شکل هفتم در امهات تکرار کند
غائب بیاید و اگر متولدات تکرار کند بیشتر بود و بعض گفته اند اگر شکل در اول و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ داخل باشند و ۷ و ۸ و ۹ خارج بود
البته بیاید و اگر ۷ در امهات تکرار کند در سال برسد و در ثابتات ماه و در متولدات هفته و در زوایدات روز حکم کند
اگر [شکل] [شکل] [شکل] غائب بخوشی آید یا مال اگر [شکل] محتاج و خسته حال باشد و اگر [شکل] بود زود آید اما خوفناک
و از [شکل] مال و نعمت بسیار و از [شکل] سوار بر پالکی شود و [شکل] پیاده اگر [شکل] بر اسپ سوار باشد و اگر [شکل] بود بر شتر و اگر [شکل] بود
شتر یا گاو و اگر [شکل] [شکل] بود بر فیل سوار باشد و اگر [شکل] غائب پیاده بود و بعضی گفته اند اگر در هفتم شکل مریخ و زحل بود در رفته باشد
و اگر شکل قمر و زهره بود در راه باشد و اگر مشتری و آفتاب باشد زود آید و اگر شکل راس و ذنب بود در بخوبی بود و اگر در بیند تنها است
یا کسی همراه دارد اگر شکل [شکل] داخل بود همراه دارد و الا نه از آتشی و بادی مذکر و از آبی و خاکی مونث و در ۱۳ تکرار کند
زن کرده باشد و اگر در ۲ تکرار کند کنیز گرفته باشد و اگر در ۱۱ تکرار کند محبوب بود

احکام غالب و مغلوب

نظر کند در اول و ۴ و ۹ و ۱۱ که دلیل سائل است و ۲ و ۸ و ۱۰ و ۱۲ و ۱۴ که دلیل مسئول است و ۵ ایلچی و حاکم در هر جانب
که شکل سعد بود غالب بود و اگر در هر دو طرف مساوی باشند صلح شود و بعضی گفته اند که اگر [شکل] غالب باشد جنگ شود
و هر طرف که [شکل] آید سبقت در جنگ او کند و اگر بهر دو طرف باشد و در میزان [شکل] بود بعد از جنگ صلح شود و بعضی گفته اند
که امهات مع نتایج طرف سائل و بنات مع نتایج طرف مسئول بود و اگر در میزان [شکل] [شکل] آید صلح شود و بعضی گفته اند که در اشکال هر که نقاط زیاده باشد هم
غالب بود و بعض گفته اند اگر طالع در ۱۵ آید و یا بالعکس تکرار کند و یا هر دو بنظر تثلیث و یا تسدیس نشسته باشد صلح شود
و بعضی گفته اند اگر در طالع [شکل] [شکل] [شکل] بود سائل قتل آید و اگر [شکل] بود در هشتم تکرار شود مجروح گردد و اگر در هفتم آید
حکم بالعکس است و اگر این شکل مذکوره در دوم آید و تکرار در هشتم کند اکثر مردم از فوج سائل کشته شوند و اگر در هشتم آید
و تکرار در دوازدهم کند لشکر مسئول کشته شود و اگر در طالع شکل سعد بود و تکرار در دهم کند سائل غالب بود و اگر در هفتم
سعد آید و تکرار در چهارم کند مسئول فتح یابد بعض گفته اند که اگر در طالع [شکل] [شکل] [شکل] [شکل] بود و تکرار در دوازدهم
کند سائل قید گردد و اگر در هفتم آید تکرار کند مسئول قید گردد و اگر در دوم سعد آید و تکرار در اوتاد کند لشکر سائل
غالب باشد و اگر نحس بود و تکرار در زائل کند هزیمت خورد و از هشتم همین حکم بر لشکر غنیم کند و بعضی گفته اند که برای
جنگ جدا جدا رمل زند و هر طرف که اشکال سعد آیند و میزان سعد بود و آنکس غالب بود و باید که از مقدمه جنگ و لشکر

همه خانهای را ملاحظه کند از سعد و نحس و قوت و ضعف حکم کند اول دلیل سائل دوم باشکر بر علم و نقاره و اعوان
چهارم بر موضع جنگ پنجم بشجاعت لشکر ششم بر مرکبان یعنی اسپان و فیلان و احوال مسئول از هفتم و دوازدهم
همین حکم کند و بعض احوال از ششم شریک میگویند و نقاره از پنجم و علم از نهم اگر پرسند که لشکر غنیم خواهد آمد یا نه نظر کند
در اول و چهارم و پنجم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و سیزدهم و دوازدهم اگر درین خانها این اشکال بود [شکل] [شکل]
[شکل] [شکل] [شکل] [شکل] [شکل] لشکر آید و اگر او تاد نحس باشد دلیل کند که لشکر غنیم بسیار ظلم کند و ملک تاراج نماید اگر چهارم
و پنجم و اول [شکل] [شکل] [شکل] [شکل] [شکل] آید دلیل کند که لشکر غنیم غنیمت بسیار برد و اگر در چهارم و پنجم و یازدهم و دوازدهم
و شانزدهم شکل سعد باشد و میزان هم سعد بود و هفتم و هشتم و دهم و سیزدهم و چهاردهم نحس باشد لشکر غنیم از راه
برگردد و یا هزیمت خورد و اگر در سیزدهم و طالع نحس بود و در شانزدهم [شکل] [شکل] [شکل] [شکل] بود لشکر رفته باز آید

احکام خانه هشتم اگر سوال از مال مرده و غائب شریک و غیره باشد نظر کند در هشتم اگر داخل بود بدست نیاید
و از خارج بدست آید سعد باسانی و نحس بدشواری و از منقلب قدری بدست آید و بعضی گفته اند که شکل طالع
را با چهاردهم ضرب کند و حاصل را با هفتم اگر نتیجه سعد داخل بود بدست آید سعد باسانی و نحس بدشواری
باقی برین قیاس اگر سوال از خوف باشد حکم کند از داخل بر بودن خوف و از خارج بر عدم خوف اگر سوال
از مرگ بود که کدام قسم بود و از چه سبب مرد بدانند اگر [شکل] [شکل] بود مرگ ناگهانی بی سبب جان کند آن تا بیمار
شود و اگر [شکل] [شکل] مرگ در افلاس و سختی وقت آخر کشد و بعضی گفته اند که چشم تباه شود و بعضی از [شکل] حکم کرده اند
که از زهر مرگ شود و اگر [شکل] [شکل] بود دلیل که مرگ در خانه بود بر رنج بزرگ و در عین دولت شود و اگر [شکل] بود
دلالت بر رنج کند و سختی کند و یا در قید بمیرد [شکل] [شکل] دلیل که مرگ او در راه باشد از سبب فساد و زده و یا از مرض
شدید و [شکل] [شکل] دلیل بود بر مرگ در راه از غربت و یا از سبب رسیدن ضرب و دریدن جانور و بعضی
از [شکل] حکم زخم تیر و گولی کرده اند و [شکل] دلیل بود که مرگ از شمشیر یا از گزیدن مار یا زهر باشد [شکل] [شکل]
دلیل که مرگ این از مرض بود و باز نظر کند که این شکل حاصل کجا تکرار داد اگر در اول بود از سبب شخص
و از فکر ترقی طالع شود و اگر در دوم باشد از سبب مال و تجارت باقی برین قیاس **احکام خانه نهم**
اگر سوال از سفر بود نظر کند در ٩ از داخل و خارج حکم نماید اما باید که چند چیز را ملاحظه نماید خانه اول با

طالع است و خانه سوم که تعلق بحرکت دارد و از سیم مکان سائل یعنی از جایی که اراده رفتن دارد و از ۴
مکان سائل یعنی از جایی که اراده رفتن دارد و ۹ دلیل راه و ۵ امید انتقام ست و ۶ و ۲ اصل که تعلق بانتقام
انتقام دارد و ۲ اصل که تعلق بقدوم غائب دارد و ۷ که مقصد سائل ست از سعادت و نحوست و داخل و
خارج حکم نماید اگر در ۳ و ۴ و ۹ و اول ⁛ ⁛ ⁛ سفر شود و مبارک بود و اگر در خانه ۷ و ۸ و ۵ سعد داخل بود
انتقام مبارک ست و اگر در ۸ خارج آید دشمن کسی نباشد و اگر ⁛ ⁛ در ۹ آید در سفر منحوس شود یا مجروح گردد
اگر پرسند که سفر کدام جانب شود از ۵ و ۹ شکلی حاصل کند از آتش طرف شرقی گوید بدین قیاس اگر
سوال از چگونگی سفر بود از خانه نهم گوید مثلاً ⁛ آید منفعت و مرتبه حاصل کند و اگر ⁛ آید مال بسیار
بدست آید اگر ⁛ آید خصومتی پیدا شود و باقی بدین قیاس اگر سوال کند که سفر با چه کسان باشد نیز
از شکل خانه ۹ گوید موافق منسوبات اشکال با قوام اشخاص و بعضی از منسوبات گفته‌اند و اگر
سوال از سفر تجارت باشد نظر کند در اول و ۲ و ۱۱ - اگر در طالع و ۱۱ داخل سعد بود و در ۲ خارج سعد
اشیاء فروخته شود و منقلب بر سعد و اگر در ۲ نحس باشد فروخته شود و اگر در طالع و یازدهم نحس باشد نقصان
شود اگر سوال از سفر دریا باشد و در طالع ⁛ ⁛ ⁛ ⁛ آید و در ۹ و ۱۰ و ۳ تکرار کند کشتی زود رود
و اگر ⁛ ⁛ در طالع آید و تکرار در ۶ و ۸ و ۲ کند دلیل بود بسبب باد مخالف کشتی در اضطراب افتد اگر
درین حالت اوتاد چهارگانه نحس باشد کشتی غرق گردد اگر سعد باشد بعد تهلکه بسلامت آید و اگر در طالع ⁛
⁛ آید و تکرار در خانهای ساقط کند و اوتاد نحس باشند نیز دلیل شکستن و غرق شدن کند و اگر در
طالع ⁛ ⁛ آید و در ۹ و ۷ و ۱۱ و ۴ و ۳ تکرار کند بساحل باشد و سلامت آید اگر سوال از تحصیل
علم بود طالع را با ۹ و ۳ را با ۱۱ ضرب کند و از هر دو شکلی سازد و اگر ⁛ ⁛ ⁛ ⁛ بود علم کلی حاصل شود
و اگر ⁛ ⁛ ⁛ آید بعض از علم حاصل شود و بعض نه و اگر ⁛ ⁛ ⁛ ⁛ آید علم حاصل نشود
تصدیع کشد. و اگر از استجاب دعوات سوال باشد و در طالع و ۹ سعد داخل بود و تکرار در ۱۱ و ۵ کند البته مستجاب
شود اگر سوال از تعبیر خواب باشد از سعد و نحس شکل ۳ جواب گوید و اگر از کیفیت خواب پرسند از
منسوبات ۹ گوید اگر سوال کند که این شاهد راست گوست باقی مانده یا کاذب طالع را با ۷ زند و ۳ را

با ۱۰ وازین هر دو شکلی حاصل کند و آنرا با ۵ ضرب کند اگر یکی ازین اشکال آید صادق بود
واگر یکی ازین آید بعضی گواهی حق دهند و بعضی باطل واگر آیند کاذب باشند
اگر پرسند سائل راست گوست یا مسئول طالع را با ۹ نند و ۷ را با ۳ - انچه ازین اشکال موافق مذکو حکم کند.
احکام خانهٔ دهم اگر سوال از استقامت سلطنت باشد باید که چهار اوتاد گرفته امهات سازند واگر
هر چهار اوتاد این ایچه داخل و ثابت سعد باشند دلیل بر استقامت بود واگر سوال کنند که چند پشت پادشاهی کند
قرعه انداز دو نظر کند بچهار اوتاد واگر سعد داخل یا ثابت باشد خود سلطنت کند و بانا زین اوتاد اوتاد گرفته
رمل کشد وانا اوتاد وابن حکم بر قیام فرزندان آن بکند همچنین قسم اوتاد رمل را گرفته نا ایچه دیگر کند هر قدر که سعد
داخل یا ثابت باشد همانقدر سلطنت در پشت او ماند اگر سوال از ثبات مملکت باشد در ساعت آفتاب
قرعه زند واگر در اول و دهم آید دلیل بر استقامت و ثبات امور سلطنت کند واگر
در طالع آید ابتدا از حال ضعیف بود و آخر قوی گردد واگر آید آنگه مملکت فساد گیرد اما قائم ماند اگر
آید امور مملکت بر باد باشد واگر آید یکسال فرمان بی ماند واگر آید کار ها مختر گردد اما مملکت قائم
ماند اگر درانجا آید دشمن در ولایت ظاهر گردد اما عاقبت بخیر گردد واگر آید پادشاه دیگر غالب شود
و خراج ازین گیرد واگر آید اول در مملکت ضعیف بود و آخر دفع گردد واگر آید مملکت از او گیرد
گیرد واگر آید صاحب ملک سفر کند و ملک دیگری را در دست آرد واگر آید سلطان پریشان
باشد از ترس یکجا استقامت نتوانکرد واگر بود چند روز سلطنت کند و شخص دیگر بیاید پادشاه شود
واگر سوال از حال پادشاه باشد یعنی خود سوال کند بنفس خود نظر در خانهٔ اول کند که طالع پادشاه ست و ۴ عیشت
و ۱۰ ولایت و وزیر وغیره و ۱۲ دشمن و ۶ لشکر اگر درین خانها شکل سعد آیند و یا قوت دلیل استقامت
کند والا بالعکس باشد واز سعادت و نحوست هر خانه موافق منسوبات حکم کند اگر سوال از عامل باشد قرعه زند
اگر در اوتاد سعد داخل و ثابت باشند دران عمل نمایند و بر رعیت احسان کند واگر نحس داخل باشد بر رعایا
بر رعیت ظلم کند بسیار واگر در دهم آید منفعت بسیار یابد اگر آید در دهم و چهارم داخل بود ۱۰ [illegible]
و با جاه ماند اما نفع کمتر رسد اگر درانجا آید از آن عمل نفع رسد [illegible] اما [illegible]

سعد آید و در خانهای سعد تکرار کند نفع یابد و رعیت راضی باشد و اگر در خانهای بد تکرار کند در العمل سلامت ماند
اما خلق راضی نباشد اگر عکس شکل دهم در ۲ یا ۴ آید میان عامل و رعیت اختلاف آید و اگر تکرار بد کند بد باشد و اگر در طالع
و دهم آید و در خانهای ساقط تکرار کنند احوال عامل تباه شود و گرفتار گردد و اگر آید تکرار بد کند عامل در شهر
قید گردد و اگر در طالع و دهم آید عامل در شهر بلهو و لعب مشغول گردد اگر سوال از معزولی بود که باز عمل یابد
اگر شکل دهم در طالع و چهارم تکرار کند اما شکل سعد داخل بود یا ثابت دلالت کند که باز بحال شود و قائم ماند و از عمل
نشود و اگر سوال کند که بادشاه مرا چه خدمت دهد از منسوبات شکل دهم گوید یعنی اگر آید خدمت صدارت و تعلقه
مساجد وغیره انچه باعمل صلاح باشد و اگر آید دلیل بر خزانچی گری و تحویلداری دلیل بود بر کاری که تعلق
بسیاست باشد یا فراشی میر عمارت یا نظارت یا عطایی و داروغه دار الشفا داروغگی مطربان و شب باشی
و خدمتگاری زندانبانی و قلعه داری پاسبانی و وکالت و زمین کیتی و مثل این میر بخشی گری و کوتوالی
و داروغگی توپخانه داروغگی توشه خانه و کتب خانه انچه تعلق بدریا باشد صوبه داری و فوجداری وزارت
و قضا و معلم گری و مصاحبت فیلبانی و سائیسی و مثل این و داروغگی اینها داروغگی باورچیخانه و مثل این
متولی گری انچه تعلق بمسکان متعلق بود نقاشی و مصوری و قصه خوانی و منشی گری و دفتر بندی و جلوداری
و قاصدی و ایلچی گری و سرداری بنیاد ها اگر سوال کنند مرا چه کار باید کرد طالع را باز بیند اگر بود کار
عمارت و زراعت و زمین کیتی است آید اگر بود سپاه گری و زرگری و نان پزی و آهن گری و تیر سازی
و مثل این اگر آید سوداگری و عاملی و خیاطی و ملوک اگر آید نقاشی و رنگریزی و عطاری و رقاصی
و مطربی منجمی و رمالی و ساحری و نویسندگی و معماری بهتر بود ملاحی حلاجی و سقائی و پارچه فروشی
و قاصدی و مثل این مشایخی و درویشی و شاعری و دعوی خواندن دروغگوئی و دزدی و
رهزنی و قماربازی و مثل این اقبال غیر شرعی اگر سوال کند که کدام وقت مراد دولت شود طالع را
باز بیند اگر آید و در امهات تکرار کند ابتدای عمر دولت شود و اگر در بنات تکرار کند
در جوانی اگر در متولدات مکرر شود در کهالت و در زایلات در پیری اگر سوال از مادر کند نظر کند در طالع
و دهم اگر طالع سعد داخل بود و دهم سعد خارج سائل را از وی نفع رسد و اگر بالعکس بود مادر را از سائل

نفع بود و اگر نحس آید درمیان ایشان عداوت بود و اگر سوال از تجارت بود نظر کند در طالع و ۴ و ۱۰ و ۱۱ - اگر
شکل سعد بود و در خانهای سعد تکرار کند دلیل بر نفع از تجارت اگر نحس آید زیانی رسد و بعضی گفته اند که طالع را
با دهم زند و دوم را با یازدهم و از هر دو یکی حاصل نماید اگر [illegible] آید و تکرار در اوتاد کند یا مائل نفع
کلی شود و اگر [illegible] آید در اوتاد و مائل تکرار کند بعد از دیری فروخته شود و نفع قدری برسد و اگر [illegible] بود
تکرار بد کرده باشد و بعض فروخته شود و بعض نه اگر [illegible] آید و در زائل تکرار کرده باشد آن اشیا
تمام تاراج گردد یا سوخته شود **احکام خانهٔ یازدهم** اگر سوال کند از امید و یا دوست باشد نظر کند در طالع
و یازدهم اگر سعد داخل باشد و شکل یازدهم در طالع و یازدهم اگر سعد داخل باشد و شکل یازدهم در طالع
و ۳ و ۵ و ۹ تکرار کند به آسانی حصول مراد شود و دوستی زیاده گردد و الا بالعکس و بعضی گفته اند که
طالع را با ۱۰ و حاصل را با ۱۱ ضرب کرده از حاصل گوید اگر سوال از قیام دوستی باشد نظر کند بچهار اوتاد
اگر سعد داخل و ثابت بود و در خانهای سعد تکرار کرده باشد حکم بر قیام دوستی کند و اگر نحس باشد
و تکرار در خانهای سعد بود دوستی ظاهری بود و اگر سعد باشد و تکرار در نحس باشد دوستی در دل بود اما بسبب مانع
در ظاهر نیاید اگر نحس باشد و تکرار در نحس کرده باشد حکم بر عدم دوستی مطلق کند و بعضی گفته اند که در ۱۱ اگر
[illegible] بود و تکرار در طالع و ۳ و ۵ و ۹ کرده دلالت بر قیام دوستی جانی باشد و اگر [illegible] در ۱۱ آید
و تکرار در وتد یا مائل کند نیز دوستی قائم ماند لیکن در سخن نزاع هم رسانند و زود رفع شود و اگر [illegible] در ۱۱ بود
دوستی ایشان همیشه در ضد ماند و اگر [illegible] بود در میان ایشان اخلاق جنگ و جدل گشته [illegible] دوستی بمکر و حیله باشد
و بعضی دوستی را از تسکین [illegible] گفته اند یعنی نظر کند در طالع و ۱۱ - اگر اشکال موجود در ظاهر و باطن آید
دوستی ظاهر و باطن باشد و اگر در ظاهر موجود بود و در باطن معدوم باشد دوستی ظاهری باشد و اگر
در باطن موجود باشد دوستی باطنی باشد و اگر در ظاهر و باطن معدوم بود حکم بر عدم دوستی کند و اگر
سوال از وفای عهد بود شکل ۵ را با ۱۱ ضرب کند اگر [illegible] بود بعضی وفا کند و بعضی نه اگر [illegible]
[illegible] بود البته عهد وفا کند و اگر [illegible] بود عهد بشکند و اگر [illegible] بود بعد از دیر وفا کند اگر اجتماع
[illegible] بود بمکر و غدر در میان آرد و اگر [illegible] بود از تو بگریزد و عهد وفا نکند و اگر سوال از کیفیت فرزند باشد اگر در ۱۱ [illegible]

باشد و تکرار در طالع و چهارم و دهم و چهارم دهم کند آن وزیر عاقل بود و کار سلطنت سرانجام نماید و از باقی حکم
بالعکس کند **احکام خانهٔ دوازدهم** اگر سوال از دشمنی بود حکم از داخل و خارج کند اگر سوال از تعاقب دشمن بود که دشمنی
کند یا نه نظر کند در طالع که دلیل سائل است و هفتم که دلیل مسئول است و دوازدهم که تعلق به دشمنی دارد اگر طالع سعد و ۷ و ۱۲ نحس بود
البته دشمنی کند اما بر سائل غالب نبود و از عکس حکم بالعکس نماید و اگر در امهات شکل تکرار کند حاکم بطرف سائل و اگر در بنات تکرار کند
حکم بطرف خصم بود و اگر [شکل] در طالع آید و در دهم تکرار کند سائل از طرف حاکم تهمت کشد و اگر [شکل] در طالع آید و دوازدهم
تکرار کند و میزان از دو نحس متولد شود و در سهم و ۷ و ۱۲ نحس باشد سائل را گرفتار کنند و اگر [شکل] در طالع آید و تکرار
در میزان کند و ۳ و ۱۲ نحس باشد و تکرار در ... کرده باشد دست سائل ببرند و اگر ... تکرار کند گوش و بینی
یا انگشت او ببرند و اگر در ... تکرار کند پای ببرند اما بشرطی که نحس داخل یا ثابت باشد و اگر در طالع [شکل]
[شکل] بود و تکرار در ششم و دوازدهم کرده باشد و میزان و دوازدهم نحس باشد سائل را بکشند و یا چندان بزنند
که خون جاری گردد و اگر شکل طالع در ۱۲ تکرار کند و نحس باشد و با شکل ۱۲ از طالع شود و دیگر دلالت کند بر قید
سائل بطوق و زنجیر در گردن و پای سائل گردد و اگر در طالع [شکل] بود دلیل است که سائل را تازیانه زنند
و اگر [شکل] بود دلیل است که از طلب از آتش بسوزانند و یا داغ شوند و اگر [شکل] بود دلیل است که سائل را
برسن بیاویزند و یا در آب غرق کنند و اگر [شکل] در طالع بود و تکرار در ۱۲ کند و ۳ و ۵ نحس باشد سائل را صلیب کنند
و از باقی خوف نرسد و اگر سوال از خریدن چهارپایان باشد اگر در ۱۲ سعد و داخل و یا ثابت بود نفع رسد
و پایدار ماند خصوصاً که تکرار در طالع و ۵ و ۱۲ و ۱۰ کند و اگر طالع منقلب سعد بود و تکرار نیک کرده باشد
مبارک بود اما دیر نماند و اگر نحس خارج یا منقلب باشد و تکرار بد کند نفع نرسد بلکه تلف شود و اگر [شکل]
بود و اکثر بیمار ماند و یا لنگ گردد و اگر [شکل] در ۱۲ آید و در نحس تکرار کند اسب لگد زن باشد و اگر [شکل] بود
در خانهٔ نحس تکرار کند اسب دندان گیر باشد و اگر [شکل] و [شکل] در خانهٔ نحس تکرار کند اسب در آب نشیند
اگر [شکل] [شکل] آید و تکرار بد کند در دویدن کوتاهی کند و کم رفتار باشد و اگر [شکل] [شکل] آید و تکرار [illegible]
کرده باشد خوش رفتار و چالاک بود و اگر [شکل] آید و در ۳ و ۵ و ۹ و ۱۱ تکرار کند اسب در آب خوب شنا
کند اما باید که درین سوال چند خانه را نظر کند از سعد و نحس که به خانهٔ ۱۲ که طالع اسب است اگر شکل با نقص ... بی‌...

پریشانی و سیر عیب داشته باشد مثل [illegible] نشانه پیشانی گوید و از ۱۲ الم خوری و سیر خوری آن اگر خارج نحس و ثابت باشد
عیب کلم خوری گوید و الا [illegible] و از خانه ۱۲ و هشتم [illegible] عیب پای گوید اگر سعد خارج بود خوش نما و اگر خارج نحس
کلم نقشها اما بی اختیار و دو و ملکها دارد که نحس هشتم باشد استاده شود و تکرار [illegible] کند یا الف شود و دو شکل نحس و ثابت منقلب
نحس و حصین [illegible] استاده شود و از نحس اخلاق ثابت این نقشها [illegible] باشد و اگر [illegible] در ۱۲ آید و دو در اول
تکرار کند اسپ سائیس یا الکن [illegible] باشد و اگر [illegible] ۱۲ آید و تکرار در خانه‌های مذکور کند سائیس را بگزد و اگر
همین اشکال در اول آید و تکرار در [illegible] کند [illegible] بشرطی که نحس باشد و اگر نقطه در ۶ و اول تکرار باشد
و فوج این عیب ظاهر گردد و اگر [illegible] خصوصا که [illegible] آید و اگر [illegible] آید و تکرار در [illegible] کند
مادیان او دیده شود کند و اگر در پانزدهم نحس بود [illegible] نحس باشد و اگر خارج بود [illegible] و در ۵ اگر [illegible] بود یا باد
شود کند و اگر در اول [illegible] بود [illegible] پیدا شود و اگر [illegible] آید [illegible] داشته باشد و در [illegible]
اشکال حکم چهارم عیب کند [illegible] مشتمل بر چهار فصل **فصل اول** در سیر نقاط و منسوبات آن
موافق [illegible] طریق [illegible] موافق [illegible] است و آن تشکیل اینست [illegible]
[illegible] مراتب آتش و باد و آب و خاک اینست مراتب
آتشی [illegible] مراتب بادی [illegible] آبی [illegible] خاکی
[illegible] فائده در معرفت اوتاد و غیره بدانکه آتش در خانه اول و پنجم و نهم و سیزدهم حکم وتد
دارد و قویست و از حال متعلق است و در خانه باد مائل و مستقبل و میانه و در آب زائل و ماضی و ضعیف
و در خاک وتد الوتد یعنی قوت اسم الدار و نقطه باد و آب و خاک نیز همچنین یعنی در خانه خود وتد
و در دوم خود مائل و در سوم خود زائل و در چهارم خود وتد الوتد پس اگر کسی سوال کند که این کار از خود
بعمل آید یا نه اگر مطلب نقطه سوال [illegible] بود آن کار زود برآید و در زائل صورت اندیشه گیرد و در زائل
آن کار برنیاید و ترک کند و اگر در وتد الوتد آید به امانت کسی حاصل گردد و نیز بدانکه هر یک از این خانه‌های
طبیعت چهار اند چنانچه خانه اول وتد خانه‌های آتشی و پنجم مائل خانه‌های مذکور و نهم زائل آن و سیزدهم
وتد الوتد خانه‌های آتشی باقی برین قیاس در عدد گرفتن موافق تشکیل ابجد و آن اینست

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۱۰۰۰	۱۱۱	۱۱۰	۱۰۱	۱۰۰	۱۱	۱۰	۱
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۲۰۰۰۲۰۰۲۲	۱۰۰۰۱۰۰۱۱	۱۰۰۰۱۰۰۱۰	۱۰۰۰۱۰۱	۱۰۰۰۱۰۰	۱۰۰۰۱۱	۱۰۰۰۱۰	۱۰۰۰۱

دیگر نظر کند میزان را که کدام نقطه است از عناصر اربعه و کدام مراتب از مراتب بشگافند و در کدام شکل منتهی شود
مرتبه این میزان نیز نگاه دارد و بعده عدد شکل منتها به و عدد دو به و عدد و نقطه میزانی جمع کرده گوید که در مدت چندگاه عمل
کار شود و فیها و الا در مدت خواهد شد مثلاً نقطه آتش میزان که شش است در خانه اول حکم کند که در یک ماه یا در شش
حصول کار خواهد شد و الا در مدت شصت روز لیکن طالع در خانه را نیک ضبط نماید یعنی بداند که آتش آحاد و باد عشرات و آب مآت
و خاک الوف اما آتش اول فقط آحاد است یعنی یک و آتش دوم دو و آتش سیوم سه و آتش چهارم چهار و باد و آب
و خاک همچنین و نیز بداند که امهات ساعات و بنات هفته و روز و منقولات ماه و زوایات سال آن
که طریق عدد گفتن بسیار است شکل ست زیرا که متعلق به شش و یعنی بست بیش من طالب باید که بیابد
که مقصد یافته موافق آن حکم کند پس اگر تکرار در امهات حکم کند ساعت و روز نماید و در بنات هفته
و در منقولات ماه و در زوایات سالی گوید اما طریق عدد گفتن اینست که اگر آتش در آتش آید احاد و مطلق
موافق فردیت و اگر آتش در باد آید عدد مرتبه آتش را با باد جمع نموده گوید و اگر در مرتبه خاک آید
مراتب آتش بعدد خاک جمع نموده گوید مثلاً نقطه آتش در خانه باد آید ۱۱ روز گوید و در آب صد و یک
و در خاک یکهزار و یک روز اما اگر در میان در امهات تکرار کند روز و ساعت گوید لیکن اول حق که بسوال
نظر کند بعده موافق آن حکم کند اما اگر ساعت زیاده از دوازده بر آید باشد ۱۲-۱۲ طرح کند آنچه باقی ماند و عدد
و اگر در بنات تکرار کند ۷-۷ طرح دهد هرچه باقی ماند عدد و بدو اگر در منقولات آید ۱۲-۱۲ طرح کند آنچه ماند گوید اگر
در زوایات آید یکصد و بست طرح نموده باقی گوید فائده در شکل نقاط بدانکه آتش زرد و باد سرخ و آب سفید
خاک سیاه اگر آتش در باد آید نارنجی گردد و باقی مثل این مقدمه لون جنی بکار آید فائده در ایام نقاط آتش

وباد و آب وخاک اول تعلق بروز یکشنبه دارد علی الترتیب نقطهای آتش وباد و آب وخاک بهفتم بر شنبه دلالت کند و
ششم از الذو است لهذا در مقام دخل نمیکند **فائده** آتش از صباح تا چاشت و باد از چاشت تا ظهر و آب از ظهر تا عصر و خاک
از عصر تا شام اوقات معین است **فائده** در اعضای بدنی نقطه آتش اول سر و آتش دوم چشم است و آتش سوم چشم چپ و آتش چهارم
و آتش پنجم زبان و ششم دندان و آتش هفتم گوش چپ و آتش نهم گوش راست و آتش دهم گردن نقطه باد اول دوش چپ و باد دوم
دوش راست و باد سوم سر و باد چهارم دل و باد پنجم زیر بغل چپ و باد ششم زیر بغل راست و باد هفتم سینه و باد هشتم از شکم تا ناف نقطه
آب اول سر ناف و آب دوم کمرگاه و سرین و آب سوم زهار و آب چهارم آلت و آب پنجم مقعد و آب ششم ران است و آب هفتم ران چپ
و آب هشتم زانو راست و خاک اول زانو چپ و خاک دوم ساق راست و خاک سوم ساق چپ و خاک چهارم کعبین و خاک پنجم پشت پای راست
و خاک ششم پشت پای چپ و خاک هفتم انگشتان و خاک هشتم کف پای **در احکام نقطه** با انتقال از نقطه اول …
ضمیر گویند و از نقطه دوم حکم بحصول و عدم حصول میکنند و اگر در میزان … آید نزد جمهور انتقال تا الوتد لازم است
و اگر … آید نزد اکثر استادان همین انتقال لازم می آید لیکن نزد … جایز نیست بخلاف دیگران کنند …
منتهی بحکم جایز نیست درین صورت رجوع میکنند بمیزان و حکم طالع از میزان کنند و اگر نقطه غیر مرکز با غیر میزانی بود
انتقال بامهات اصلی احتیاج می افتد اگرچه نزد … انتقال باین … لازم نیست لیکن استادان دیگر می کنند
بهر صورت نقطه ضمیر میزان بالا برد اگر درست است آیا سعادت اجمالی بهم رسد و اگر درست نیست و بر خلاف این
یعنی نحوست باز نظر کنند که نقطه کدام است و در کدام خانه نزول کرده و قوت و ضعف آن تمام نمایند اگر بار دیگر … منتهی
و از ضعف و قوت منتهی بحکم سعادت و نحوست آن کار کنند بعد از آن رجوع کنند بچهار مطلوب منتهی مطلوب ماضی
که بالا می بین نقطه گذشته باشد و مطلوب حال نقطه دوم و مطلوب مستقبل عنصر دوم آن … مطلوب ثانیه
عنصر چهارم آن نقطه موافق مراتب آن مراتب شش گانه ترتیب مثال هر چهار مطلوب … تمثیلی …
بیان کردیم پیش هر نقطه این چهار مطلوب در رمل باشد بمرکز درست خود بود و نظرات تا بعد داشته باشد حکم بسعادت و
حصول مقصد آن کنند مثلاً مطلوب ماضی موجود در مرکز خود بود و نظر داشته باشد حکم بسعادت و ترقی زمانه ماضی کنند
و اگر مطلوب حال موجود در مرکز خود بود و نظر داشته باشد بالفعل حصول آن کار شود و اگر مطلوب مستقبل در مرکز خود بود و نظر داشته باشد
مستقبل از آنجا حاصل شود و اگر مطلوب غائبانه حاضر بمرکز خود بود و ناظر بود از غیب بی سعی حصول آن کار شود یا کسی

دیگر یاری کند اما اگر نقطه تثلیث بود بی محنت حاصل شود و انکار و قائم ماند و اگر نظر تسدیس که نیم دوستی ست دارد حاصل گردد
آن کار اما اول آسانی و سهولت در آن کار بود و آخر باقی نشود یعنی تمام قائم نماند و اگر تربیع که نیم دشمنی ست
باشد اول از سعی و تردد تمام حصول گردد و چندی در تشویش ماند و آخر سهل گردد و اگر نظر مقابله بود که تمام دشمنی ست
آن کار حصول شود اما از سعی و محنت لیکن در تشویش ماند و آخر قیام ندارد و نظر مقارنه را اعتبار نکرده اند و بعضی گفته اند
چیزی شود و چیزی نشود و یا حصول شده منع گردد و یا به این نقطه منتهی را با صاحب خانه ضرب نموده ببینند اگر این نقطه
در مرکز خود متفق گردد انرا حصول این مدعا شود و اگر در غیر مرکز خود متفق شود حاصل نشود و اگر نقطه مطلوب
حاضر نباشد در باطن چه بینند یعنی اشکال با صاحب خانه موافق ابجد ضرب نموده هر جا که برآید موافق مذکور حکم نمایند
اگر در هر کدام ناظر بود آن اشکال را برابر با لب باشد و برد اگر اجتماع در باطن هم پیدا نشود و نظر کنند در خانه آن مطلوب
چه شکل نشسته است اکنون حکم کند اما به محنت و لیکن [illegible] بسیار و اگر مطلوب چهار تنه هم حاضر نباشد حکم کند به
عدم حصول مقصود اما نقطه در مرکز خود یا دوست نموده دلیل حصول شود در بیان اقوال مفتاح المفاتیح باید که نظر
در نقطه منتهی بر کدام نقطه است بحسب انتساب اگر نقطه اول باشد دلالت بقوت طالع کند و اگر نقطه دوم باشد
دلالت بقوت مال کند و در این [illegible] کند باقی بر این قیاس باید نظر کند در خانه این شکل منتهی که اگر
میان این نقطه منتهی با نقطه دوست موجود و قوی بود [illegible] در این کار [illegible] سعی باید کند اما [illegible]
دوستان هم دوستی نمایند [illegible] شود و اگر در خانه آن شکل منتهی خود نقطه نباشد و نقطه دوست [illegible]
سائل سعی کمتر کند و از سعی دوست حاصل شود و اگر نقطه دوست [illegible] نموده خود نقطه حاضر بود از سعی [illegible] حاصل
بی [illegible] دوست و اگر دشمن باشد کسی دشمنی نماید [illegible] قوت و ضعف حکم کند و اگر هر دو نقطه
باشند دوست دوستی کند و دشمن دشمنی اما هر که قوی باشد حکم [illegible] اما باید دانست که دوستی
و دشمنی بر سه قسم است یکی عام یعنی هر آتش مطلق با باد مطلق دوست بود دوم دوستی خاص
یعنی در مراتب موافق نقطه آتش اول با باد اول و دوم با باد دوم و سوم با سوم و خاص الخاص آنرا
گویند که بی فاصله شکل دیگر در تشکیل [illegible] بود و نقطه دوست داشته باشد مثلا لحیان [illegible] با [illegible]
هر سه دوستی ست و باد و آب و خاک نیز بهمین قسم است و دشمنی را نیز بر این قیاس کند و اگر سوال کند

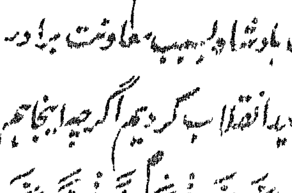
که هر کدام کس دوستی یا دشمنی نماید اگر شکل منتهی آتش بود و صاحب خانه آتشی بود این را آتش آتشی گویند دوستی
از مردم بزرگ و عمده بود و اگر آتش آبی بود از مردم دریا باشد و اگر آتش بادی از دوستان قدیم بود و اگر
خاکی بود از مردم ارذل کافر بود باد و آب و خاک بدین قیاس باید نظر کرد بحاکم این منتهی اگر موجود بود و قوی
باشد کار سائل بوجه احسن سرانجام شود و حاکم [illegible] از لفظ چهارم بحسب [illegible] مسکن هر لفظ ست اما نزد صاحب
انیس الرمل وغیره حاکم هر عنصر [illegible] حاکم باد [illegible] حاکم آب [illegible] ست و حاکم خاک [illegible]
و باید نظر کند بخانه شکل منتهی [illegible] اگر [illegible] کسی دوستی نماید و اگر دشمن باشد کسی
دشمنی نماید و اگر [illegible] شوند دوستی و دشمنی [illegible] شود بعد ازان از مطلوب حکم کند طریقه احکام موافق
شجره تمره یعنی نقطه نار در اول [illegible] دلالت کند بر گرمی مزاج و اندیشه های فاسد و گرسنگی اما مطلوب این
[illegible] از یکی نقطه باد که جزو بست [illegible] نقطه آب که کل ست پیش رجوع کند در خانه ۳ اگر نقطه باد که مطلوب
جزو بست موجود بود و شکل داخل باشد مقصود برآید و اگر این نقطه باد که در ۳ ست و ضعیف در ۳ نماید از واسطه
شخصی دیگر سرانجام شود و اگر از ۳ رجوع [illegible] کند عاقبت آن کار [illegible] باشد [illegible] باید کرد و اگر نقطه آتش
در ۳ باشد و باد در ۳ نباشد اما باد در ۳ باشد [illegible] مقصود برآید و اگر در خانه سوم آتش بود و در چهارم باد
مقصود برنیاید و دشمنی ظاهر گردد و اگر نقطه آتش در ۳ [illegible] و این ۳ [illegible] و در ۳ باد باشد
دلالت کند بر معاونت آن کار [illegible] خروج [illegible] نفع [illegible] حصول مطالب گردد و [illegible]
۳ و [illegible] فائده یابد و اگر در ۳ [illegible] قوی [illegible] مطلوب کلی رسد و اگر چه مطلوب
اما خود فائده نه بیند چنانچه اگر سوال [illegible] باشد اگر چه [illegible] بیمار [illegible] مرگ بود لیکن اگر در چهارم
رود البته بمیرد و اگر در دوم [illegible] نا امید [illegible] یابد اگر این نقطه در چهارم [illegible] وجود [illegible]
دلالت کند بر عدم مقصود و افتادن [illegible] و اگر نقطه باد درین باشد تخم قدری نفع گردد
و مقصود قدری حاصل شود و اگر این [illegible] آتش در پنجم [illegible] و در ششم باد بود البته تخم [illegible] گردد
این حکم چنین است که شخص در قید افتد و از دوستان خلاص شود و اگر نقطه نار در پنجم [illegible] دلالت کند بر شادی
و خرمی و دیدن دوستان [illegible] از ملوک [illegible] لیکن [illegible] نقطه [illegible] اگر

در چهارم بر گردد بد باشد و اگر در ششم منتهی گردد از دوستان فائده بیند و از نجوم و مرض شفا یابد خلاصی یابد و حکم این
بدستور کند و اگر در هفتم رسد و باد باشد مقصود حاصل کند و اگر در خانه ششم رسد برای کل امور بد است و مقصود نیابد
و اگر نقطه باد داشته باشد قدری مقصود حاصل شود اما بعد نا امید و رنجور شفا یابد بعد یاس کلی و محبوس نیز
خلاصی یابد و قس علی هذا باد و آتش خاک را عوض از قول کلام شجره شمره اینست که نقطه را یکی مطلوب کلی و یکی
جزئی چنانچه آتش را مطلوب کلی آب و جزئی باد و باد را مطلوب کلی خاک و جزئی آب پس اگر نقطه آتش در خانه
آتش رسد و در خانه مطلوب کلی نقطه مطلوب جزئی باشد دلالت بر حصول مدعا کند و اگر مطلوب جزئی نباشد
مراد بر نیاید چرا که اگرچه مطلوب رسد اما خودش منهدم گردد و فائده در صورتی میشود که هر دو طالب و مطلوب
قائم باشند و ایراد هر دو بیاید حاصل میشود چرا که آتش در آب آید باد همراه بود پس آتش را بسبب همراهی باد حرارت
دوچندان میشود یکی را خانه آب بسبب مطلوب خود جذب میکند و یک حصه حرارت باقی میماند پس هر دو
خود می مانند و در صورت عدم خلاف و شک تفهیم میشود یعنی طالب و مطلوب نشسته کمال طالب نیست
اگر چه این فائده نمی بیند لهذا گفته شد که مطلوب نقطه جزوی در خانه مطلوب کلی گردد بطریق دیگر
موافق هدایت الرمل و غیره یعنی نقطه میزان را نظر کند که کجا منتهی میشود اگر در قائلان ثلاثه انتها یابد
البته حصول مقصود شود و قائلان ثلاثه اینست ... اما اگر در این منتهی نشده باشد عدد نقاط
این شکل شمرده موافق آن بر خانهای طرح نماید اما شروع از اول کند اگر منتهی به قائلان شود بهتر و الا
شکل منتهی را با صاحب خانه ضرب نموده عدد این نیز تمام کند اگر به یکی از قائلان ثلاثه رسید بهتر و الا شکل
منتهی به حاصل و عقد کند یعنی نظر کند که کدام شکل است اگر آتشی بود بعد شکل آتش منتهی به نظر کند
اگر زوج باشد فرد گیرد و اگر فرد باشد زوج گرفته شکلی سازد و عدد این اعداد منتهی به نیز
شمار کند تا هم اگر به قائل رسید بهتر و الا همین تقسیم نیز شکلی که از باطن منتهی به حاصل گردیده شود حل نیز کند
و شمار آرد اگر به یکی از قائلان رسید حصول مقصود خواهد شد و الا فلا اما در اصطلاح صاحب هدایت الرمل و غیره
منتهی به باطن میگویند و چون آنرا با صاحب خانه ضرب کنند نتیجه آنرا شرح می نامند و شکلی که از حل
و عقد حاصل شود تاویل گویند و شکلی که از حل و عقد شرح پیدا شود آنرا تفسیر میگویند و اینچنین

چهار شکل الحکام و ضمیر و اسم و غیره میگویند و بعضی از مهیرا ان چهار شکل هیچ قسم حاصل کرده بیشتو سیابق
حکم میکنند چون قاعده و کلیات اشکال و تفصیل که اختصار انوار الرمل و تحفه الرمل و انیس الرمل و مختصر الرمل
و دقایق الحقایق و سر حجاب و مفتاح المفاتیح و شجره و ثمره و هدایه الرمل و غیره نوشته بمثال عملی
خود و استادان خود نوشته بجهت آسانی مبتدی خود نمی نوشتم بمحض برای تسکین
طالبان این علم برای اظهار علمیت خود زیرا که برای اهل علم افاده می آید حق تعالی عز و جل فرموده
انی اعلم ما لا تعلمون پیش فقیر آن مایه اعلاء ندارد و دیگر امام و پیر حبیب شریعت تحقیق وارد کرده
الخیل معقود و اشکال نداید چیز بلکه حق تعالی فرموده است چنانچه در قرآن شریف وارد کرده باک
لا علم لنا الا ما علمتنا پیش و بخصوصیات آن سوال منسوبات خانه اول نقطه منتهی مطلوبش



بطالع بود جواب بمثل این شخصی سوال کرده بودم چون نقطه از بیان بالا زدم بیرون دیدم
و از بیرون و باول در نشست چون آتش در ره از خود رفته گفتم که ترا ترس بسیار
در سوال از طالع داری یعنی در نصیب من چیست ۱۴ یا نه چرا اول ۱۴ رسیده بود
که تعلق بطالع دارد چون از بیان بخانه نهم پیوست که تعلق بسفر دارد گفتم که سوال سفر هم خواهد بود و از انجا
باول در نشست منتهی شد و نصرة الخارج آتش دوم دارد و در میزان هم چنین بود گفتم که سوال مال هم خواهد بود چون
نصرة الخارج صاحب خانه دوم است و در خانه خود تکرار کرده گفتم که سوال از پادشاه است و نصرة الخارج
صاحب خانه دهم است و تسکین ساکن و انجا هم است این شکل نشسته است گفتم از پادشاه نیز
سوال داری پس سوال تو اینست که در نصیب من از ملازمت پادشاه بسبب مخالفت بدی در
جمعیت است یا نه گفت بلی آمدیم بر سر حکم چون باد در خاک رسیده انقلاب کردیم اگرچه اینجا هم



غیر میزانی است اما در کسب صورت جایز داشتم نقطه باد بچهره رسید ۱۲
مطلوب این که پادشاه است در ده خانه نشسته بنظر تسدیس گفتم که طالع
تو قوت دارد و از این درجه بدرجه اعلی خواهی رسید
چون سوال از معاونت بود رجوع کردیم به ۱۴ و مطلوب پادشاه باد است و این باقی قطعست

ومطلوب باد است که در خاک لیکن ناکد خدا است زیرا که نقطه هفتم باد است که آب است میشود و حاضر نیست پس
شوهر نیست اما چون نقطه باد است که نقطه دوم بر اوست شست ناظر و غیر ناظر گفتیم که معاونت برادر نخواهد کرد
و برادر تو چندان اعتبار ندارد و با تو دشمنی دارد زیرا که در ۳ آتش را کرده دیگر گفتیم که تو خواهی هم داری
این هم دیگر است که آب است سوم است موجود است لهذا گفتیم که ناکدخدا است سر سپید است لیکن منسوب است شاید
زیرا که نقطه هشتم باد است حاضر در ۳ هست چون باد در خانه آتش است بجای همه منسوب شده مال کمتر
نخواهد شد زیرا که مستقبل آب است خاک است و این هم ظاهر و باطن نیست و ترا سفر نخواهد شد و در امکان فائده هم نیست
زیرا که مکان ضعیف باد است باد است اگر مطلوب اوست حاضر نیست و آب که نقطه سفر است یعنی ۹ نیز حاضر نیست
لهذا گفتیم که سفر نخواهد شد اما چون گفتیم که در طالع تو قدری جمعیت و ترقی و رنج است لهذا جمع کردیم
نقطه سوم که منسوب بشهر است باد است بود مطلوب این باب است اگر نه از تعانه تو ثلیث دارد گفتیم که
درین شهر چیزی میشود و جمع کردیم نقطه آنکه منسوب ترقی بود در ره و جاه مرتبط است آب است بود و شکست
و مطلوب این آب است شست و باطن بخانه سوم تعلق نیز دارد گفتیم البته جاه و مرتبه ای خواهد یافت
همین است و شکست تعلق بغایت هم دارد و مطلوب تماشا نیست اما در خانه ... افتد
پیش گفتیم از عجب تماشای بسیار دیده باشی و درین شهر ترقی شود چون مطلوب ماضی نیز باد است بود
گفتیم در ماضی بسیار سختی کشیده بودیم والله اعلم احکام نقطه دوم اگر سوال از خانه ۳ باشد از نقطه
گویند مثلا اگر رمل کشیدیم بنا بر آنچه اینست
سوال از فرزند داری سائل سوال آن بود که صاحب خانه بود ...
که در ره و پیدا شده چون خانه مکان ... غائب تعلق دارد و خانه ۸
نیز تعلق بمال دارد گفتیم که سوال تو اینست که از جای مالی بدست خواهد آمد یا نه
با نقطه حکم یارانی هم شد بر سه ... ریسید گفتیم خیال است فاسد دل تو
می آید زیرا که نقطه آب که ثابت است و آخر باد که منقلب است
بشکل شخص رفته گاهی خطره می آید که سر رجحان زیرا که باز هم بر شده آمده و شده

[illegible] بدشت [illegible] مال [illegible] فروختن چیزی مال [illegible] دست [illegible]

[illegible] آب [illegible] تعلق بمال [illegible] نکاح گاهی [illegible]

بلاکت های فرزندان اندیشه رفع [illegible] بلاکت وآتش [illegible]

[illegible] آب در خاک [illegible] لهذا گفتم [illegible] بلاکت فرزند خطره رفع شود وگاهی اراده نکاح میکنی

بسبب طمع مال [illegible] حرکت کرده [illegible]

رفته واین [illegible] دلیل [illegible]

[illegible]

مطلوب [illegible] حاصل [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

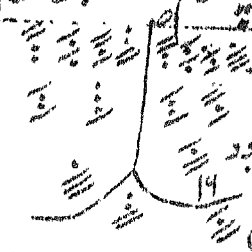
خانه [illegible]

که [illegible] است در ۶ و ۱۳ نشسته و نقطه [illegible] دارد که منسوب بمکان غائب است و خانه سوم که تعلق بحرکت دارد گفتم که بجای
رفته و طعام خورده پس رجوع بخانه ۳ نمودیم [illegible] که همستاره [illegible] است نشسته تعلق بگوشت دارد و شیر [illegible]
[illegible] است که تعلق بنان دارد و نتیجه [illegible] است که به پلاو دارد گفتم که قلیه نان و پلاو امروز خورده لیکن چون
۶ که تعلق بشکم دارد است و مطلوب او و ظاهر و باطن نیست گفتم که شکم سیر نخورده برادر تو هم بود زیرا که
همین نقطه [illegible] برادر [illegible] میشود گفتم تو و برادر تو یکجا خورده بودی زیرا که نقطه غذا که آب [illegible] است در خانه ۳
از ضرب [illegible] پیدا می آید و نقطه غذای برادر که آب [illegible] بود در ۳ است هر دو مقابل با همدیگر اند والله اعلم
بالصواب اگر سوال از منسوبات خانه سوم باشد از نقطه سوم منتهی حکم کند. از آنچه این است.



نقطه ضمیر را نیز پیش [illegible] گفتم سوال از برادر داری گفت بلی [illegible]
نقطه حال که خاک [illegible] است و در [illegible] پیش [illegible] چون خاک [illegible] نقطه حالت [illegible]
[illegible] در خانه بادی که ۳ است رفته بود و اگفتم که مال تو ضائع شده بود و این [illegible]
سبب بسیار غم و غصه خورده بود زیرا که نقطه خاک شده بود و در باد آمد و ضعیف گردیده چون در ۱۱
رفته قوت گرفته خانه دوست است گفتم که کسی دوست مراعات کرده و مال نقطه منتهی اول یعنی [illegible] نقطه
مرتبه دارد که تعلق بمال غائب است و خاک در آب قوت دارد لهذا گفته شده دیگر چون در خانه هفتم
با دوست رسیده و این تعلق بطالع و تن و جان دارد زیرا که منتهی اول است و خاک در باد ضعیف میشود
گفتم که ترا بیماری سخت شده بود که قریب بهلاکت رسیده بودی اما چون نقطه در خانه هشتم
که خاک است در [illegible] نشست بقوت تمام گفتم که با اصل طالع تو قوت دارد و سعادت اما چون
سوال از برادر بود رجوع کردم بنقطه سوم [illegible] که خاک [illegible] میشود در ۱۲ نشسته و مطلوب حال
این خاک [illegible] میشود و ظاهر و باطن نیست گفتم که طالع برادر تو [illegible] است [illegible] نظر کردیم در خانه
[illegible] و [illegible] بود [illegible] خاکی [illegible] طالب [illegible] است آن نیز ظاهر نیست گفتم که بسیار سخت [illegible] دارد
و هر کاری که شروع نماید سر انجام [illegible] و نیز اهل و حرکت فائده ندارد و مطلوب [illegible] قبل [illegible]
نظر [illegible] دارد [illegible] گفتم [illegible] بحرمت خواهد شد والله اعلم بالصواب

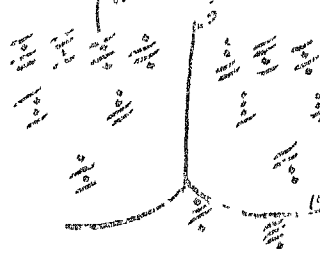
اگر سوال از خانه چهارم باشد از منسوبات خانه چهارم کنند مثلا برای شخصی



رمل زدیم اینست چون نقطه ضمیر از نهم بپنجم رسید گفتیم سوال از مال دارای مطابق شد
اما چون آتش دوم و باد دوم که تمامی چهارمند شد پس گفتیم که سوال از مکان خواهد بود
وجه دوم اینست که چون مراتب آتش و باد هم شدند و از اول تا دهم دوم رسید و این
نیز دلیل دارد چون نقطه باد که حکم ست از نهم در ۱۲ رسید گفتیم بسبب تشویش دارای زمین از هشت رفته و آنخانه بجا
حاکم تعلق دارد و نقطه منسوب بمال و در مال شده است گفتیم که چیزی از مال بتصرف حاکم آمده و چون شد تکرار در ۱۲
دارد و شد باد سوم ست گفتیم که منسوب برادر سائل ست و بخانه ۱۲ اتفاق بدشمن دارد گفتیم که بسبب دشمنی برادر حاکم تصرف
یافته و از این به پنج رسید در خانه سوم و پنج صاحب خانه نهم ست و تکرار در هفتم گرد این نیز دلالت بحاکم کور دارد و مطلوب
او که شده ست نیز حاضر ست این همه دلالت ضعیف طالع و تشویش دارد و نقطه چهارم باد که در چهارم همی آید
و مطلوب حال این باد پنج ست ساقط و ناظر اما و قتیکه از دهم ناظر ست لیکن ضعیف گفتیم که حویلی در دست او نخواهد ماند
اما چیزی در دست بر داشته خواهد داد زیرا که مطلوب مکان ساقط و ضعیف گشته اما چون باد ست که حصه
تعلق بمال دارد لهذا گفته شد که مال قدری خواهد رسید و مطلوب مستقبل باد آب ست و هر دو با یکدیگر
ساقط اند گفتیم که ایام استقبال مکان نخواهد ماند و مطلوب ماضی نیز ظاهر و باطن نیست و جانشین
این باد زوج ست و مطلوب زوج و باد زوج باد ست از نظر ساقط گفتیم در زمانه ماضی نیز حویلی
در قبضه نبود و مطلوب خانه آتش و آتش باد با یکدیگر نظر ندارد و در خانه سیزدهم که تعلق بعید
دارد بر آمده عتبه داخل و هفتم تعلق بمال غائب دارد دلالت میکند که ناگاه مرجع شخص بجاه خواهی از
از سبب او مکان فروخته خواهد شد و قدری مال بدست خواهد آمد چون نقطه باد متعلق
بحویلی است و آتش و باد بر آمده گفتیم که مکان نو حویلی کلان و پخته است اما چون مطلوب
کرد در زمانه هم ضعیف گشته گفتیم که قدری شکسته است والله اعلم بالصواب **احکام خانه پنجم**
اگر سوال از خانه منسوبات آنجا شود و از نقطه پنجم گویند مثلا برای شخصی رمل زدیم آنچه بر آورده
چون لفظ آب از نیران در ۱۲ رسید و این گفتیم که خانه منسوب تعلق از غلام و کنیز و غیره دارد

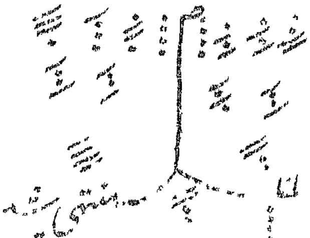
وادر اینجا الیست ... پس دانستم که سوال از منسوبات آنخانه خواهد بود و از آنجا
در و هم ... اول آب که تعلق بطالع دارد و دانستیم سوال
طالع هم ... و از آنجا ... که آتش ... دانستیم که سوال
فرزند هم ... و از خانه ... که صاحب ... دانستم که سوال از زوجه ... دارد و از آنجا ... که تعلق
بفرزندان دارد ... شود که تعلق بمال دارد ... چون از ... که
منتهی به است ... که ... و نکاح تعلق دارد ... گفتیم که سوال ...
که نکاح کنی و این خیال داری که ازین نکاح فرزند ... و طالع ...
چهار و هم ... آنجا ضعیف و چون ...
بر و از دهم ... گفتم که باز بسبب یا زن ... تو خیال کرده ... زیرا که لفظ خاک ... قوت دارد
خاک تعلق از ... دارد اما چون ... تعلق ... دارد گفتم که زن ...
و ... خاک ...
که اسمال ... خواهی که با زن ... کنی و ... داری که ... چون لفظ ...
خود آمده گفتم که طالع تو سعادت دارد و مطلوب ... خاک ...
و مطلوب این زوج ... گفتم ...
پنجم ... که خاک ... میشود نیز ... و مطلوب این خاک ...
... دارد گفتم که در طالع تو فرزند ... این خاک ...
این که ... بقوت ... و نظر ... دارد ...
گفتم که زن محبوبه تو در نکاح می آید و همین آتش ... که تعلق بفرزندان دارد ... گفتم که الیداایت
زن فرزند نخواهد شد باز گفتم که دختر خواهد شد اما ... زیرا که لفظ خاک فرزند سائل ...
رسیده دلیل ... و چون یاد که تعلق ... دارد و ظاهر و باطن ... زیرا که چون نقطه
... را با ... ضرب کنی ... این نیز ... و چون نقطه ... از خاک ... خاک ... میشود بقوت نشسته

گفتیم که ظفر در آن خواهید داد اما چون مطلوب شکل ... ست در خانهٔ ... گفتیم که تعلق بخوف دارد نشسته و تکرار در خانه
۵ که آن تعلق دارد ... گفتیم ... شما ... خواهد شد و چون اول ... گفتیم ضرور است نظر کردیم مطلوب
... ست حاضر نیست گفتیم ... خواهد شد که پاس نگاه خواهد شما مانند خواهد ماند چرا که جانشین ...
ست با مطلوب نظر ندارد اما چون ... گفته شد لهذا رجوع کردیم به ششم آتش ... و ... در ۱۲ نشسته و ...
... شکل و سوال تعلق دارد گفتیم که این ... مرض ... خواهد بود و چون نقطهٔ فنائی فرزند خاک ...
و مطلوب این خاک ... ست و در خانه ۱۲ که بادی ... نشسته لهذا گفته شد که اشتهای او نیز زائل خواهد بود
بعد از آن نظر کردیم ... مطلوب آتش ... که آتش ... ست در خانه ۱۲ نشسته اگر قویست اما نقطهٔ خوف
که آتش ... حاضر نیست لهذا گفتیم که آخرش مرض دفع خواهد شد. **احکام خانهٔ ششم** چون نقطهٔ ضمیر
که آتش ... ست از ... ... چون صاحب خانه ۶ در دایرهٔ ملکی ست
که ضمیر از مرض ست و وجه دوم دریافتن ضمیر چون ... آتش از ۵ به ۱۲ رسید خانهٔ خاکیست و چون آتش ... علو دارد پس از اینجا معلوم گردید که از تنزل ...



سوال دارد و خانهٔ ... که تعلق ... ست و همین شکل تکرار در خانه ۱۱ که آبی ست نموده و ا...
... که خانهٔ ... ست ... سوال ... سائل این است که شخص ... ... میهمانیاهی ... پیدا ... ایم
... حکم ... چون ... بخانه ... نشسته ... در ... و ... و حرارت سوداوی دارد ...
... ۵ ... ست پس ... ... بود در خانه ۱۱ ... ست گفتیم که گاه گاه ... لرزه
هم می آید سائل قبول کرد باز سوال کرد که مرض ... ست یا سحر و ... چه سبب روی داده چون ... در ۶ نشسته
گفتیم که مرض بادی ست سحر و آسیب نیست اما چون تکرار در ۳ دارد بسبب خوردن چیزی مضر شده است مرض
شده اما مضر بودن سبب گفته شد که شکل خاکی در خانهٔ بادی آمده و تکرار در خانه ... نموده سائل پرسید
که چه خورده است رجوع کردیم بخانه ۳ که منسوب ست بغذا چون ... نشسته است گفتیم که شیرینی ثقیل
که و ... ... نشده باشد لیکن از جای شادی آمده از خوردن او مرض پیدا شده و چون ... ...

گفتم که نان کنده خورده باشد و در ۹ پنج نشسته این نیز معلوم میشود که اول او را بیشتر خورده و در دوم
غم نشسته گفتم که کباب گوشت گاو نیز خورده و در ۱۳ گم ست و این نیز منسوب ست بشیرینی و در باطن
این نیز بر می آید شریک خداست از نجهت گفتم که از قبیل مائده و یا نان و یا شیرینی خورده باشد باز پرسید
که حقیقت طبیب را بگو که دوای این فایده خواهد داد یا نه نظر کردیم بخانه ۱۰ که تعلق بطبیب ا ... نشسته
گفتم که طبیب نان خود خوب نیست و علمیت ندارد و بحث مزاج و طامع ست رجوع کردیم بخانه ۱۱ این نیز ضعیف ست
گفتم که تجویز خوب ندارد اما شکل سعد خارجیت اگرچه ضعیف ست گفتم که طبیب تجویز مرض نکرده اما سبب
دوا موافق افتاده قدری فایده خواهد کرد چرا که خانه چهارم که تعلق بفایده دارد و در انجا شکل نصرة الخارج
نشسته آخرش سوال نموده که این مرض شفا خواهد یافت یا نه نظر کردیم بخانه ششم که خانه مرض است
بیاض نشسته اگرچه داخل ست اما ضعیف لهذا گفتم که مرض بدیر دفع خواهد شد باز نظر کردیم بخانه هشتم که تعلق
بعمر دارد شکل سعد بقوت نشسته گفتم که عمر این قوی ست و باز رجوع کردیم بخانه ۸ که خانه مرگ است
شکل بادی در خانه خاکی ضعف دارد اما چون ثابت ست گفتم که اول تهلکه سخت خواهد شد و آخرش بخیر
خواهد گذشت **احکام خانه هفتم** در باب دزد و دزدیده قرعه برای احوال دزد اینست چون نقطه
ضمیر در خانه سوم منتهی شد چون نقطه و خانه سوم هر دو تعلق بمال دارد
معلوم شد که سوال از مال ست اما چون آب داخل ست در خانه باد

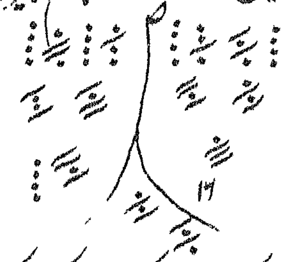


انقلاب یافته رسیده حرکت نموده و در خانه ۵ که آتش است و ... لیکن
و آتش ... خارج ست پس معلوم شد که سوال از مال ... شده باشد چون آب ... در خانه ...
بشریک دزد دارد رفته و منتهی تا بی که طریق ... ست ... تعلق بمال و دزد دارد و در باطن خانه ...
تعلق بمکان دارد بر می آید و از باطن ... ۲ ست ... که صاحب ... بر می آید گفتم که مال
از دست رفته در ... شده بشخصی که شریک سر او و مکان وا هم که ... باشد و این مال ... آید
یا نه اما چون نقطه منتهی ... شده و ... تعلق بمال که ... دارد یعنی ... و از باطن منتهی تا بی
اید ... در خانه ۱۰ که تعلق با عمل دارد نشسته پس گفتم که مال از قسم ... خواهد بود

اما آهنی که در سیم و زر مشکوک شده باشد آمده یعنی بر سر خلط که خاک ... ست از میزان بجا ... خانهٔ چهارم
بخاک ... که خانهٔ ... ست قوت تمام دارد و منتهی شده و ... که نایل سائل ست در خانهٔ ... که کیسه دزد دست
سو بود ست و ... قوتی دارد معلوم شد که سائل در تصرف دزد ست و مطلوب ... که ... ست در خانهٔ ... ست
از جهت گفته شد که مال ... آهن ست چرا که ... و ... منسوب ... و چون نقطه که نقطهٔ دزدیده ... ست
خاک ... ست در خانهٔ ۱۱ باطنا از ضرب ... و ... پیدا شده معلوم شد که اشیا دزدیده از جنس چیزی ... شد
که سائل برای حصول امید پوشیده مکر و عمل کرده باشد و نیز معلوم شد که چیزی باشد که با آلاین ...
سبب ... که ستاره ... ست و نقطه ... که منسوب بدزد ست خاک ... ست و نقطه ... در ... وجود ... ست
و از طالب خود که خاک ... ست در خانهٔ ... از نظر تثلیث دارد بقوت تمام و مطلوب ... خاک ... طریق ست
در خانهٔ سوم در ... بقوت تمام و در خانهٔ ۵ بموجب این که ... خانهٔ ... در دایره برجیست
اینجا یک قوت ست و نظر تربیع ... دارد و آخر در خانهٔ ۱۲ که خانهٔ دشمنان و ... ایشان بقوت تمام
نشسته که شاهد خانهٔ دهم تعلق ... دارد معلوم شد که کسی ... از غائب ... دزد و دزدیده
هر دو بدست آید و دیگر حلیهٔ دزد شخصی ... با ... اندام ... سبز رنگ خوب سر و کشاده پیشانی ...
اما ... نباشد و جواب ... **احکام خانهٔ هشتم** اگر سوال ... منسوبات اینخانه بود از نقطه ...
برای شخصی ... دهم ... اینست چون ضمیر از آتش میزان برخاست در خانهٔ هشتم باتش ...
چون خانه ... تعلق بمال غائب دارد گفتیم که سوال ... از مال غائب ...
با نظر کرده ... که آتش ... ست و خاک ... دوم ... مجموعه کرده ...
گفتیم از شخصی غائب خبر سوال داری چون نقطهٔ ... ۱۲ ... در ... رسید ... گفتیم
که با شخصی دعوی هم داری و از ... در ... ششم رسید که خانهٔ نایل ... دعوی ... ثابت شده ...
و چون خانهٔ ششم بشرکت دوازدهم که از ... تعلق دارد و این ... از ... خانه ... دوازدهم ...
منسوب ... ست آمده یک نقطه ... که خانه ... ست ... تعلق دارد
نشسته چون هر دو منتها را ضرب کردیم ... حاصل شد ... اما چون ... ست

اعتبار نکردم گفتم که سوال از محبوس هم اینست که چون [illegible] منقلب ست و در خانه ۴ آمکرا نموده گفتم
سوال از خلاصی محبوس دارای و چون [illegible] ست [illegible] را دو باشد حکم [illegible]
و معنوی دارد پس معلوم گردید سوال تو اینست که شخصی [illegible] شده تمامی [illegible] ساخته [illegible]
یا نه و مال بست خواهد آمد یا نه چون [illegible] از ضرب منتهای ضمیر با صاحب خانه یعنی [illegible] بر می آید و از ضرب [illegible]
نقطه حکم نیز بر می آید و همین [illegible] در باطن خانه ۱۱ [illegible] گفتم ضمیر دیگر اینست که هر دو [illegible] آشنای [illegible]
آخر با من چه سلوک خواهند کرد و آشنائی قائم خواهد ماند یا نه چون [illegible]
که تعلق بجده دارد نیز [illegible] رفته و از آنجا به ۱۱ که تعلق [illegible] دارد [illegible]
[illegible] ست و تعلق [illegible] دارد [illegible]
[illegible] زائل ست و تعلق بمال تلف شده و [illegible] دارد و نیز [illegible] خانه ۲ که تعلق [illegible]
[illegible] ست و یا نه [illegible] نقطه [illegible] آب ۲ است تعلق بمال دارد [illegible] آب ۱۲ [illegible]
[illegible] لهذا گفتم که وجه خصوصت اینست که [illegible]
[illegible] باشد بسبب [illegible] لهذا [illegible] خصومت [illegible]
[illegible]
فی الحقیقت همان [illegible] احوال [illegible] ایشان غائب ست و یکی حاضر ست [illegible]
و سائل [illegible] علم [illegible] الا [illegible] حال [illegible] حرکت کرده [illegible]
[illegible] باشد چون [illegible] خانه [illegible] لهذا گفتم یکی غائب ست
[illegible] چون [illegible] خانه زائل لهذا گفتم که یکی حاضر ست [illegible]
و بخانه [illegible] منتهی گردیده که طالع سائل چون آب در آتش علو گرفته ازین جهت
گفته شد که سائل اقتدار دارد اما ضعیف است لهذا [illegible] شد که صاحب
مال ست و دیگر گفته شد که آن شخص که غائب ست زن ست زیرا که نقطه آب
در خانه آب منتهی شده و طالع [illegible] نیز در آب ست و دیگر دو کس [illegible] دو دیگر گفتم که

که قدری مال بسبب حاکم بدست تو خواهد آمد لیکن چیزی حاکم خواهد گرفت زیرا که منتهی به ⁝ ست کیسه ⁝ ست
و ⁝ در خانهٔ سوم و دهم می آید و مطلوب ⁝ ست و با همدیگر ناظر و ساقط ست اما چون ⁝ در دهم که تعلق
بحاکم دارد گفتم که چیزی ازین مال در تصرف حاکم خواهد آمد و چیزی سائل خواهد ماند اما در دست سائل
نخواهد ماند زیرا که مستقبل ⁝ میشود و ⁝ حاضر نیست اما چون ⁝ کیسه و ⁝ بمال غائب تعلق دارد
و همین ⁝ مطلوب و هم ستاره ⁝ است پس معلوم گردید که مال همان وارث غائب خواهد رسید و چون
نقطهٔ منتهی به آب ⁝ ست در خانهٔ دهم نشسته و همین شکل تعلق بمال مسئول دارد گفتم که حاکم از مسئول
نیز خواهد گرفت چون نقطهٔ دوازدهم مسئول آتش ⁝ ست حاضر نیست و جانشین آن ⁝ ست مطلوب
⁝ نیز حاضر نیست گفتم اگرچه بالفعل محبوس ست لیکن آینده خلاص خواهد شد چون سوال دیگر این بود
شخصی که برای پرسش آمده بود نیز سوال داشت که هر دو آشنا من اند لهذا رجوع کردیم بخانهٔ پنجم منتها به تعلق
بواسطه و دوستی دارد ⁝ میشود و مطلوب و نیز حاضر نیست و پنجم مسئول خاک ⁝ میشود و نیز حاضر نیست
گفتم که مدعی و مدعا علیه از تو خواهد شد والله اعلم بالصواب **احکام خانهٔ هشتم** اگر کسی سوال از منسوبات
این خانه کند از نقطهٔ هشتم بطریق سابق حکم کند مثلاً برای شخصی رمل زدیم زائچه این ست

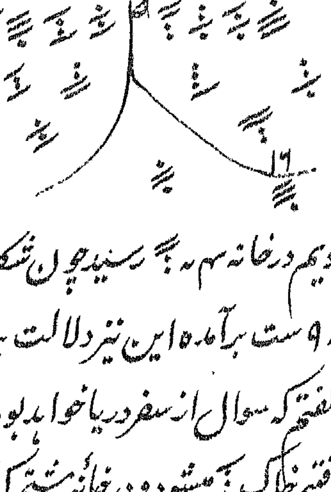


چون نقطهٔ ضمیر یافتیم که آتش ⁝ ست و در اول ⁝ رسید و
تکرار در چهارم و ششم و هشتم کرده ⁝ مرتبه هشتم دارد که سوال تو
اینست که از مرض خوف و خطر ست یا نه مریض زنده میماند یا نه
زیرا که چون ⁝ تکرار در سوم کرده که خانهٔ حیات ست و در ششم که خانهٔ مرض ست و هشتم که خانهٔ مرگ ست
تکرار نموده اما چون شکل ⁝ نبات خود منسوب براه ست و نقطهٔ ۸ از ⁝ آتش ⁝ ست در ۵
نشسته چون بصاحب خانه ضرب نمودیم انکیس ⁝ صاحب خانهٔ ۸ ست بر آمده و صاحب خانهٔ
۹ که تعلق دارد بسفر نشسته لهذا گفتم که ترا خوف ست و مرگ تو در راه خواهد بود رجوع کردیم
بنقطهٔ حکم بخانهٔ ۸ رسید باز بطریق رسید و نقطهٔ ۸ این که تعلق بخوف دارد آب ⁝ است
که در طالع و ۱۰ بیاید میشود و مطلوب حال امر آب ⁝ ست و ناظر نیز معلوم شد که خه عند ک

نیز خواهد شد و مطلوب بطریق منتها آب ست در خانه ۱۰ که تعلق بشغل و عمل دارد و در هم ۱ که منسوب
باشیار مطلوب ست تکرار نموده و از طریق منتها در سوم نشسته که خبر از حرکت می دهد و در هفتم
آن نیز نشسته که تعلق بمکان غائب دارد گفتم که تو نوکر شده که جائی خواهی رفت و در ینجا درمیان
عرصهٔ راه همین مرض شدت خواهد نمود و خوف هلاکت خواهد رسید زیرا که نقطهٔ مرض آب میشود
و در ۹ و در ۱۳ برمی آید و با مطلوب خود که آب ست نظر دارد و چون آب بر آتش ضعیف ست لهذا گفتم
که بیماری بالفعل کم خواهد شد و چون نظر دارد باز عود خواهد کرد اما چون نقطهٔ مرض در نهم و سیزدهم آمده
آن نیز دلالت بر سفر میکند و نقطهٔ حیات یعنی نقطهٔ سوم آب ست و مطلوب حال این آب ست در خانه
۸ که خانهٔ مرگ ست برمی آید نیز دلالت میکند بر مرگ اما چون نظر دارد لهذا گفتم که بالفعل مرگ نیست
و چون مطلوب مقبل آب ست خاک ست و خاک در باد ضعیف ست و خانه ۴ نیز تعلق بقدوم غائب
دارد لهذا گفتم که آینده مرگ تو در مسافرت خواهد شد. والله اعلم بالصواب

احکام خانهٔ نهم ۹

اگر کسی سوال از منسوبات این خانه کند از نقطهٔ نهم بطریق سابق جواب گوید مثلاً برای شخصی نقل دیدم
نا آنچه اینست چون ضمیر آتش در خانهٔ پنجم رسید آتش در
آتش تعلق بخروج دارد و این آتش سوم شریک با خانهٔ
۹ ست گفتم که سوال تو از سفر و حرکت خواهد بود و چون نقطه



خاک که ست حرکت دادیم در خانه سوم رسید چون شکل منتهای حکم را با منتهای ضمیر
ضرب کردیم که صاحب خانه ۹ ست بر آمده این نیز دلالت بر سفر میکند لیکن چون هر دو
منتهی به نقطهٔ آب موجود دارند گفتم که سوال از سفر دریا خواهد بود اما هم بر سر حکم چون از نقطه
پنجمی که خاک ست نقطهٔ حرکت گرفتیم خاک میشود و در خانهٔ هشتم که تعلق بخوف دارد نشسته
و مطلوب این خاک ست در باطن بخانهٔ هفتم که تعلق بغیبت دارد نیز نشسته از همدیگر نقطها
لغیتم ... حرکت خوف عظیم ترا پیدا خواهد شد و نقطهٔ مکان خاک میشود و مطلوب این
خاک ... ست در خانهٔ هفتم نشسته و طریق در باطن همین خانه پیدا شده نظر ندارد گفتم که ات

مکان خروج خواهی کرد و نقطهٔ نهم که آتش [illegible] ست در خانه دهم نشسته و مطلوب این که آتش [illegible] ضعیف
و ساقط است و نقطهٔ خوف خاک [illegible] در خانهٔ نهم که تعلق بسفر دارد نشسته تشکل سفر که [illegible] از خانهٔ خود
بپانزدهم در هفتم خود نشسته لهذا گفتم که حرکت از مکان خواهی کرد اما بسبب ضدیت خوف عظیم
پیدا خواهد شد از این سبب سفر موقوف خواهد شد والله اعلم بالصواب احکام خانهٔ دهم
اگر کسی سوال از منسوبات اینجا کند از نقطهٔ دهم منتسب بطریق سابق جواب گوید مثلا برای شخصی [illegible]



چون نقطهٔ ضمیر از میزان که نقطهٔ آتش [illegible] ست از خانه سیزدهم
به [illegible] که خانهٔ آتشی ست سپید چون آتش در آتش گفتم که شرار دو کار
عمده میباشد و خیال حرکت هم داری با این خانه در خانه نهم که
تعلق بسفر دارد در [illegible] سپید گفتم که سوال سفر هم خواهد بود و چون [illegible] آتش دوم ست و باد دوم دارد
نسبت بمال دارد گفتم که سوال مال هم هست و از انجا بخانهٔ دوم به آتش [illegible] سپید و خانهٔ دوم نسبت
بجمعیت دارد گفتم که سوال جمعیت داری اما چون [illegible] از خانهٔ خود که نهم ست موافق است و در خانهٔ دهم
که از نهم و دهم پیشو گشته گفتم که سوال خدمت هم داری اما چون [illegible] که آتش پنجم ست و [illegible]
نمود کرده که گشته هم اصل ست گفتم که سوال خلعت هم داری و چون آتش [illegible] سوم ست و [illegible] آتش پنجم
که [illegible] ست گردیده [illegible] گفتم که سوال [illegible] هم داری چون [illegible] آتش و خاک [illegible] هفت [illegible]
پس از منسوبات [illegible] نیز سوال داری [illegible] که [illegible] بسبب [illegible] شخصی از [illegible]
باز خلعت بجالی خواهم یافت جمعیت خواهد شد و مال بدست خواهد آمد [illegible] خواهد شد
و رفتن [illegible] از مکان [illegible] گفت بلی و چون [illegible] تکرار کرده [illegible] هم داری چون [illegible] که صاحب خانه
نهم ست تعلق بعلم دارد و در خانهٔ دهم که تعلق بمال دارد نشسته چون از خانهٔ خود [illegible]
و عمل [illegible] و صاحب دهم که [illegible] ست در طالع [illegible] نشسته و مطالب [illegible] ست در اول و دوم
بر می آید لهذا گفتم که سوال از [illegible] که علم کیمیا در نصیب [illegible] ست اما چون [illegible]
و در دهم نشسته چنانچه ذکر پیشتر رفت و ترکیب آتش و خاک این [illegible] می شود که تعلق [illegible]

و مطلوب آتش این که آتش پنج ست در یازدهم که تعلق بمبداء اصل ضعیف دارد و دوازدهم که خانهٔ ضد است
است نشسته و از طالب خود در دهم و یازدهم و ششم و هفتم میشود و چون پنج بذات خود بشکل اجتماع و قیمتی
و درین دو نقطه انه یکی آتشی اصلی ترین نقاط و تعلق باشیاء لطیف و باقیمت مثل طلا و غیره دارد و نقطه
دوم که خاکی ست اسفل ترین نقاط و تعلق باشیاء خفیف و بی قیمت مثل مس و سرب و غیره دارد و پنج
که تکرار در ششم کرده نیز خبر از بیع و شرح میدهد و خانهٔ ششم بسبب سهم منسوب است پس ضمیر دوم تو اینست
که در نصیب من علم کیمیاست یا نه و شخصی مرا جهت کیمیا طلا داده است این نسخه صحیح ست و از دست من بیرون
خواهد شد و مرا انتفاع خواهد رسید و در هیچ جا سعی خواهد شد و این هم ... و آخرش ازین عمل مرا خوف
نخواهد رسید و چون نقطهٔ الحکم از میزان که آب نحس ست در سیزدهم به پنج رسید و ازین دو دهم به پنج و ازین
در سوم به پنج پیوست گفتم که ترا در فرسال خوف عظیم از کسی رسیده بود و میان او و میان آتش گرفتار شده بود
و بعضی از برادران عمده ترا برآورده بود زیرا که نقطهٔ آب در خانهٔ آتش در سیزدهم رسیده بود و لیکن میان
آتش تهمانه عظیم دارد و خانهٔ سیزدهم تعلق باول دارد و چون نقطه در خانه دهم به پنج رسید و خانهٔ دهم
تعلق بعمده دارد و پنج آب سوم ست که تعلق به برادر دارد و از آنجا در مرکز خود قوت گرفت لهذا
گفته شد که چون آب در آب قوت عظیم دارد و سعادت تمام دارد گفتم که طالع تو سعادت دارد اما چون
پنج از خانهٔ خود در خانهٔ ... رسیده و خانهٔ ... منسوب بخوف ست و عمده ترینه خاک آب ده است لهذا گفتم
که از شخص عمده خوف داری و نقطهٔ دهم این خاک پنج بود اگرچه تکرار نداد اما در باطن دهم برآمده
و خاک در باد ضعیف ست و مطلوب این جا ضعیف نیست گفتم که بالفعل خدمت از دست تو رفته لیکن چون
مطلوب مستقبل این آتش پنج ست در دوم و ششم نشسته و از دوم خانهٔ ششم پنجم میشود که خبر از خلعت
میدهد و نقطهٔ پنجم منتهاست که تعلق بخلعت دارد آب پنج میشود و پنج در خانهٔ هفتم نشسته را مطلب خود
ناظر و بامنتها به که پنج ست نظر پنج دارد گفتم که در مستقبل خدمت خواهد شد و طبیعت بحالی خواهد
چون کیسه طالع و خدمت آب و خاک پنج ست و پنج در ظاهر و باطن نیست و جانشین این آب
پنج ست و مطلوب این آب سه در دهم نشسته ناظر بنظر تربیع گفتم از هرچیز محاصل خواهد شد اما چون قبض کیسه

که آب شکل است یعنی مطلوب شکل و شکل در باطن بخانهٔ هشتم و پنجم و دوازدهم بر می آید و خانهٔ هشتم تعلق به کیسهٔ قرضخواه
دارد و شکل از منقلبات هشتم میشود و با مطلوب خود ناظر و ساقط است گفتیم که چیزی یا مال تقرض خواهان خواهی داد و دوازدهم بیت
خوف عظیم نیز رفع خواهد شد اما چون شکل از مطلوب جانشین کیسه نظر دارد و از مطلوب خود ساقط است
گفتیم که با احتمال راه قرض داده خواهد داد و چون شکل در دوازدهم بر آمده و خانهٔ دوازدهم تعلق به حیوانات کلان
دارد گفتیم که چیزی مال بر خرید چهارپایه کلان نیز خرج خواهد شد و دیگر چون شکل حاصل خوب است حاضر نیست
و جانشین این شکل است و شکل نیز و منقلبات از آتش تعلق به نقد دارد و آب تعلق به جنس لهذا گفتیم که
از آن خدمت مال نقد و جنس یافت است تو خواهد آمد اما مطلوب این که آب شکل است نظر کردیم در خانهٔ نشسته باد
و بحسب مراتب آب سوم میشود گفتیم که جنس از قبیل مال و غیره یافت است تو خواهد آمد و چون آنرا عقد کردیم
شکل شد گفتیم از قبیل پارچه سفید یافت است تو خواهد آمد و چون مطلوب مستقبل آب شکل خاک شکل میشود و چون
با صاحب خانه ضرب کردیم شکل حاصل شد و در هشتم نشسته و خانهٔ هشتم منسوب بخوف است و مرگ و رنج و قتل
و چون شکل کیسه که تعلق به رنج دارد و جانشین شکل است نیز تعلق به رنج دارد گفتیم که جنس سوم اسلحه خواهد
و چون مطلوب شکل که آنرا قبض کیسه میگوییم شکل است در خانهٔ دوازدهم بر آمده و خانهٔ دوازدهم تعلق
بحیوان کلان دارد مثل اسپ و شتر و گاو و این شکل نیز موافق سکن دلالت بر حیوان دارد اما
چون شکل آتشی است و در خانهٔ پنجم که آتشی است بر می آید و آتش در آتش بسیار علو و شرافت دارد پس
دلالت کند بر حیوان اشرف و با قیمت و آن شکل اسپ که شکل است در آنچه نشسته و خانهٔ پنجم موافق بروج پانزدهم
عدد دارد لهذا گفتیم که پانزده راس اسپ یافت است تو خواهد آمد و باز چون شکل در خانهٔ هشتم که مایل الوتد است
بر آمده دلالت دارد که جنس دوم از حیوان اشرف و قیمت کمتر از جنس اول خواهد بود و خانهٔ هشتم
بسبب خاکیست تعلق بجبل دارد و نیز این خانه منسوب بمال است پس انسب است که حیوان بار بردار باشد
چون شکل که منسوب بشتر است در خانهٔ سوم که آبی است نشسته و چون خانهٔ هشتم ۲۳ عدد دارد گفتیم که
۲۳ راس شتر و مادیان شتر خواهد بود و باز چون همین شکل در خانه ۱۲ که خاکیست و زائل است و شکل نبات خود منسوب
بگاو است و خانهٔ دوازدهم ۲۷ عدد دارد لهذا گفتیم که ۲۷ گاو یافت است آید و دیگر گفتیم که رفتن تو در آن مکان ضرور خواهد شد و در مکان

منقش خواهی ماند زیرا که نقطهٔ مکان خاک ظاهر میشود و از باطن ستر در خانهٔ دهم پیدا میشود و خانهٔ دهم تعلق بمکان تمام
دارد و آب ظاهر نیز منقلب منتها میشود لهذا منقش گفته شد ولیکن اول ناخوش خواهی شد لعد از آن مستقبل خوش خواهی شد زیرا که
با مطلوب جدا و اول ساقط است و لیبا انان ناظر و نیز دوان حج بلی درخت انگور و کیله و انا بهست زیرا که نقطهٔ مکان که ظاهر است
در دهم نشسته است منسوب بانار و در باطن این ظاهر بر می آید این منسوب است بانگور و بسبب قابل عقده حل و عقده در باطن ظاهر
پیدا شد و ظاهر منسوب بکیله و نیز گفتم که در انمکان کبوتر و فاخته میباشد زیرا که اجتماع صاحب خانه ۶ است که منسوب
بطیور است و ظاهر منسوب بفاخته است و ظاهر که در باطن بر می آید منسوب بکبوتر است و چون ظاهر که صاحبخانه ۶ است
که تعلق بمرض دارد و مراتب نقطه باد و آب این نیز شش دارد و این هر دو دلیل مرض است اما چون ششم طالع است
از خانهٔ خود در خانهٔ پنجم نشسته و صاحبخانهٔ ششم است لهذا گفتم که در انمکان یک کنیز را بسبب تعشق در نکاح خود
خواهی آورد اما نقطهٔ ۸ که منسوب است بتنه نگاه و مباشرت ظاهر میشود و ظاهر در خانهٔ هشتم از ضرب ظاهر بر می آید بود و خانه
۱۲ اکه نیز دلالت بر رنج دارد پیدا میشود و از نقطهٔ ۶ که طالع کنیز است هشتم این خاک ظاهر بود و این تعلق بتنه نگاه
کنیز دارد و ظاهر در باطن خانهٔ هشتم نیز پیدا میشود و در باطن ۸ ظاهر و ظاهر منسوب است بمرض آتشک گفتم آن کنیز امرض
آتشک خواهد بود و ترا از سبب مباشرت او نیز مرض آتشک پیدا خواهد شد اما چون ظاهر بخانه ۸ که منسوب بطبیب است
نشسته گفتم بتو بطبیب رجوع خواهی کرد و نقطهٔ دهم خاکی ظاهر میشود و نقطهٔ تجویز طبیب خاک ظاهر میشود و ظاهر حاضر نیست
و نقطهٔ دوم منتها به آب ظاهر است آن نیز حاضر نیست و جانشین آن آب ظاهر است و ظاهر ضعیف در خانه ۱۲ و
مشکل نجح نبات خود قولیت که آتشی است و نقطهٔ چهارم منتها به که تعلق بنفع دوا دارد آب ظاهر در ظاهر میشود و ظاهر
خانه که خانهٔ خوف است نشسته و در ۶ که در خانهٔ مرض است بر آمده لهذا گفتم که اگرچه طبیب بذات خود عالم است لیکن
در تجویز نسخه غلطی خواهد کرد و ترا از تیغ غم کشته هم خواهد داد زیرا که ظاهر منسوب است بزرنیخ و در ظاهر نقطهٔ آتش
و آب است آتش قوی و آب ضعیف و از این سبب تکلیف زیاده تر خواهی کشید لیکن چون طالع
و نقطهٔ چهارم که ظاهر است بقوت نشسته گفتم که آخر شفا خواهی یافت و دیگر چون نقطهٔ آب در
ظاهر رسید که دهم خاک ظاهر این میشود و ظاهر سوای منتها جای دیگر نیست مگر در باطن دهم که خانهٔ
۱۰۰ صنعت است و شکل خانهٔ صنعت که ظاهر است در طالع نیز ایجا نشسته و نهم منتها به که تعلق بنسخه کیمیا دارد

شـ میشود و شـ در باطن اول که طالع سائل ست و در باطن دوم که کیسهٔ سائل ست بر می آید. و در پانزدهم
و دوازدهم ظاهر نشسته که نهم و دهم خانهٔ منتهاست میشود لهذا گفتم که در نصیب تو نسخهٔ کیمیاست و این نسخه درست
خواهد شد و نفع خواهد بخشید. رجوع کردم بخانهٔ دهم شـ نشسته و منسوب بسیماب ست و شریک این شـ ست در خانهٔ
نهم که تعلق بنسخه دارد و در باطن شـ شـ میشود که صاحب خانهٔ دهم ست و این هر دو منسوب بمریخ اند لیکن
در باطن شـ شـ بر می آید که دهم منتهاست و منسوب بقلعی ست و ظاهر بخانهٔ نهم نشسته و نقطه و شکل در خانهٔ
هر سه آبی اند و چون شـ متولدات اند گفتم که اول سیماب و هرتال را در عرق درختی می اندازند که برگ درخت
بهین و خورد باشد و در جای سراب پیدا میشود و خود هم آن درخت مرطوب باشد و ارتفاع چندان نداشته باشد
بلکه برگ آن درخت بر زمین بچسپید و گل آن زرد میشود و مائل بسیاهی باشد زیرا که شکل آبی ست و در آب
نشسته لهذا گفتم که بهین و خورد باشد. و چهارم این آب ست که در ... نشسته چون آب در خاک ست لهذا
گفتم که چندان ارتفاع ندارد و نظر کردیم به شکل دهم که خانه ۳ میشود ... نشسته و شـ و نقطه دارد
آتش و آب اما آتش قوی ست و شکل شـ رنگ سیاه دارد لهذا گفتم که مائل بسیاهی و چهارم رنگ گل
نقطه پنجم خاک میشود و ... در ... هم بر می آید این نیز دلالت بر ... رنگ میکند و چون شکل
شـ بادیست و در خانهٔ ... نشسته شریک و نتیجه آتشی ست لهذا گفتم که بعد از آن ادویه را آتش ...
لیکن چون ... شکل ... اند. لهذا گفتم که آتش نرم می باید لیکن چون شـ که ... سیماب را ...
و ... که در باطن این بر می آید ... اصل ست گفتم آن سیماب قائم النار میشود چون باطن ۱۲ که
نتیجه و دهم ست ... بر می آید گفتم که خاکستر خواهد شد. اما چون باطن شـ ... و عقد ... میشود
و ... تعلق بنقره دارد و ... بخانهٔ ... که منسوب بمشتری نشسته و در باطن این شـ پیدا میشود ...
برنگ طلا و خانهٔ ۹ که تعلق بنسخه دارد و نیز شـ نشسته که صاحب خانهٔ ۱۰ است موافق ...
لهذا گفتم از این ادویه نقره رنگ کرده طلا خواهد ساخت و چون نقطه ۲ که ... ست حاضر
و جانشین ... شـ ... منتهاست لهذا گفتم که بعد از دیر ... ها می خواهد شد ... مطلوب
خود ناظر ست گفتم ... نیز ... میماند و چون نقطه ۸ این آب ... باطالب خود ... ناظر ... گفتم

که ترا خوف نیست والعلم عند الله. **احکام خانهٔ یازدهم** اگر کسی سوال از منسوبات اینخانه کند از نقطهٔ یازدهم بطریق سابق جواب گوید مثلاً برای شخص رمل زدیم زایچه اینست چون [] را تکرار کرده گفتم که سوال تو



از دوست قدیم داری اما چون از نقطهٔ ضمیر که باد پنجم ست و خانهٔ پنجم منسوب بملاقات ست حرکت کرده در خانهٔ چهاردهم بیاد [] که صاحب خانه است که تعلق بدوست قدیم دارد انجا به ١٢ که خانهٔ دشمنی ست و از انجا در خانه ٨ که خانهٔ خوف و خطر ست رسید گفتم که سوال تو اینست که دوست قدیم دشمن شده از ین خوف نخواهد رسید و ملاقات خواهد شد باز گفت بلی رجوع کردیم بنقطهٔ حکم خاک [] در خانه ٧ به [] رسید و مطلوب این در ظاهر و باطن نیست گفتم بالفعل طالع تو با ست نحوست دارد نظر کردیم بنقطه ٥ [] میشود چون [] که مطلوب حال که خود را که خاک [] ست در باطن و ظاهر نیاید پس گفتم که بالفعل ملاقات نمیشود نظر کردیم مطلوب مستقبل [] [] میشود در خانه ١١ خود ضعیف و در خانه ١٢ قوی نشسته و مطلوب که [] در خانه ٩ نشسته نظر تثلیث دارد گفتم که بعد از دیر ملاقات خواهد شد و نقطه ١١ آتش [] میشود اگرچه [] قویست اما مطلوب حاضر نیست و جانشین مطلوب [] ست و [] با مطلوب خود نظر دارد گفتم که آینده دوستی خواهد شد و دشمنی رفع خواهد شد زیرا که نقطه ١٢ آتش [] میشود که تعلق بدشمنی ست حاضر نیست والعلم عند الله. **احکام خانهٔ دوازدهم** اگر سوال کسی از محبوس و غیره از منسوبات خانه ١٢ کند بطریق سابق جواب گوید مثلاً برای شخصی رمل زدیم زایچه این ست



چون شکل طالع تکرار در پنجم کرده گفتم سوال تو از فرزند ست اما چون نقطه باد ضمیر پنجم که تعلق بفرزند دارد و بباد سوم که [] ست رفته گفتم که آن پسر جائی رفته است و چون مجموعه مراتب نقطه میزان و منتها به [] ست می شود که تعلق بخوف خطر دارد گفتم که از رفتن پسر خوف داری چون حرکت عرضی کرده به [] رسید و [] باد چهارم دارد و خانهٔ چهارم منسوب بسرزمین [] ست و [] صاحب خانه ٦ ست که منسوب بظلم شده است [] و صاحب خانه هفتم ست که تعلق بغائب دارد

پس ضمیر تو اینست که پسری گم شده رفته است زنده است یا مرده آمده هم برسر حکم که آن پسر تو بطرف گنج نهان و مشرق رفته است در خانهٔ تجاری زیرا که خانهٔ ۳ تعلق بحرکت دارد و نشسته و نحس و خارجست و تکرار در خانه ۷ که غائبست نموده و این شکل آتشی ست و خانهٔ آب منسوب بشمال و دوم منسوبست بتجار لهذا گفتم چون شکل طالع که ست در خانهٔ پنجم تکرار کرده و خانهٔ پنجم منسوبست بپرسش او و در باطن خانه دوم که خانهٔ مالست نیز برمی آید و تعلق به نقره دارد لهذا گفتم که آن پسر تو زیور نقره پوشیده بود و دیگر گفتم که تجا ضرب نهان بر سر شده زیرا که در طالع ضعیف ست و تکرار بخم ضعیف کرده اند لهذا گفتم که بر سر نقصانی رسیده باشد چون شکل که تعلق بسم دارد در خانهٔ سوم که منسوبست بحیات نشسته و شکل حیات در خانهٔ خوف نشسته و در باطن این هم پیدا میشود و در باطن اول که ستاره ست برمی آید و این منسوبست بضرب خانهٔ سیزدهم که گواه طالع نشسته است و در ۱۲ و ۷ تکرار کرده و منسوبست و بآن گر سر ش بارِیک شده باشد و زیر پهن باشد و مخروج مجوف باشد لهذا گفتم که ضرب نهانی زده است و دیگر گفتم که در خاک زیر جای پائی خود دفن کرده زیرا که شکل حیات که ست در خانه نشسته است لهذا گفتم که در خاک دفن کرده اما چون غائب شده بود جمع کردهم بکان غائب نشسته و تکرار در باطن خانه ۱۵ کرده چون آتش و آب منهدم میگرد و لهذا دانسته شد که او را نیز دفن کرده در باطن این هم پیدا میشود و منسوبست بجهات اما پنجم ستاره ست در باطن موافق زوج برمی آید لهذا گفته شد که زیر جای پائی خود دفن کرده اما چون شکل در خانهٔ پنجم که تعلق بملاقات دارد تکرار نموده اگرچه ضعیف ست اما ثابت ست و چون در طالع نیز ست و در سوم اگرچه ضعیف ست اما ثابت ست و چون در طالع نیز ست و در سوم. اگرچه نحس و ضعیف ست اما بالفعل ثابت ست آب آتش و باد و خاک تمام وجود میخواهد که قدری هم یعنی نفس باقی ماند و ملاقات با تو خواهد شد اما بجهت ملاقات خواهد و دیگر چون خانهٔ سوم که تعلق بحرکت غائب دارد و شکل نشسته و باد و خانهٔ آتشی پس دو دلالت بر خروج دارد و این شکل صاحب خانه ست و در اگرچه هفتم ست نشسته و این شکل تعلق به قیمت دارد گفتم آن تجارت سبب پرسش خواهد گفت اما چون شکل نقل و حرکت ست و ثابت نحس تکرار در سوم که منسوب بشهرت ست و شکل طالع این که ست در ۱۲ نشسته که منسوب بقیدست و در خانه ۳ که منسوبست تکرار کرده و نیز شکل در باطن ۳ که تعلق بحرکت و فرحت غائب دارد برمی آید منسوبست بکوشت تکرار کرده نیز

وگرفتار خواهد شد و در قید خواهد ماند اما چون شکل ۱۲ خارج ست لهذا گفتم که مردم خواهند دانست که خلاص شود اما تغیر
[illegible] این [illegible] خواهد شد سبب کشته خواهد شد زیرا که همین تکرار شد در خانهٔ ۱۳ که هفتم ست و صاحب خانهٔ ۱۳ [illegible] است
[illegible] نشسته و هم [illegible] که نسبت بخوف و مرگ غائب دارد و [illegible] منسوبست بمریخ و تعلق [illegible] دارد و خانهٔ ۱۰
[illegible] بحیات غائب [illegible] که [illegible] خارج ست و خانهٔ ۱۰ غائب فوت دارد و این [illegible] خانه موافق [illegible]
[illegible] که [illegible] موافق [illegible] دارد [illegible] خانهٔ ۲ و ۸ غائب ست و انجا [illegible] نشسته این نیز قویست لهذا گفتم
که [illegible] سبب [illegible] شخصی کشته خواهد شد و دیگر گفتم که بعد از کشتن نماز جنازه خواهند و دفن خواهند نمود زیرا که
خانهٔ ۴ که تعلق بمرگ غائب دارد [illegible] نشسته و [illegible] منسوبست بجنازه و [illegible] اصل که شریک [illegible] ست [illegible] شکل
[illegible] نشسته [illegible] ست بانبوه مردم برای تعزیه و باطل [illegible] بر همی آید که منسوبست
[illegible] نیز تعلق [illegible] دارد [illegible] تکرار کرده که او هم غائب ست لهذا گفتم که بعد از کشتن نماز جنازه و دفن
[illegible] خواهد والله اعلم [illegible] اگر کسی سوال کند چیزی خورده است یا نه نظر کند در خانهٔ ۱ و ۲
اگر [illegible] داخل باشند البته چیزی خورده است و اگر خارج باشند حکم برخلاف کند و اگر ۱ داخل
و ۲ [illegible] خارج چیزی خورده است اما گرسنه مانده ست و اگر بالعکس بود چیزی نخورده است اما
[illegible] سبب طعام [illegible] گرسنه نشود و اگر منقلب نحس [illegible] باشد و شکل سعد داخل یا منقلب
[illegible] ۲ چیزی خورده استفراغ نموده باشد لیکن از اشکال سعد حکم بطعام لطیف و خوش ذائقه
و [illegible] بطعام [illegible] کند و اگر همه اشکال ضعیف نشسته باشند حکم بطعام [illegible] کند و اگر [illegible]
[illegible] خورده است از شکل ۲ و اول و ۹ و ۱۰ و ۱۳ موافق منسوبات هر شکل حکم کند منسوبات
اشکال از قسم غله اینست [illegible] گندم [illegible] برنج و دال نخود [illegible] باجره [illegible] دال مونگ و بعضی
چند غله آمیخته گفته اند [illegible] دال ارهر [illegible] دال ماش [illegible] لوبیه [illegible] دال عدس [illegible] برنج [illegible] و دال نخود [illegible]
و جو آرد و بعضی برنج هم گفته اند [illegible] ماش سیاه و دیگر غله که دهقانیان میخورند [illegible] گندم و برنج
و دال ارهر [illegible] دال مونگ و برنج مخلوط [illegible] دانه ها بیشتر کرده منسوبات شیرینی
[illegible] نبات و نباسته [illegible] شیرینی ثقیل که از قسم آرد آمیخته باشند [illegible] شیرینی که در و اشیای تلخ

آمیخته باشند یا شیرینی که بهم خورده و بوسیده ... شیرینی که در وی تخم غله باشد ثقیل هم بعضی گفته اند ... شیرینی لوزیات
... شیرینی که مخلوط با چیزی باشد ... شیرینی چیزی تلخ در وی آمیخته باشد ... شیرینی که مغز و مصالحات باشد ... کم شیرینی
اما چیزی شیرین و چغرات آمیخته باشد ... شیرینی که در وی میوه باشد ... شیرینی که در وی فواکه یا در عرق فواکه آمیخته باشد
و بعضی گفته اند آمیخته با هم میگویند ... شیرینی که بوسیده باشد ... شیرینی که قدری سخت باشد ... شیرینی فاتحه ... شیرینی
... ترنج اچار ... دانهای تلکه مخلوط با شیرینی باشد **منسوبات سحم** ... گوشت کله و شکم گوشت مرغ و کبوتر
میگویند ... گوشت چیزی آلوده و بعضی گوشت آهو نوشته اند ... گوشت لاغر تیار باشند ... گوشت فربه گاو
... میگویند ... گوشت چرب طیور مثل کبوتر و دراج ... فاخته پوری ... تخم مرغ و گوشت میش ... گفته اند
... گوشت گاو و میش وغیره ... گوشت گاو و غیره ... گوشت جانوران آبی مثل ماهی وغیره ... گوشت
... خرگوش ... گوشت اسپ نیز گفته اند ... بعضی حکم گوشت طیور که استخوان رسیده باشد که ... دواند
... گوشت فربه وحوش ... و کوسفند ... گفته اند ... گوشت گاو و ... گوشت لاغر تیار باشد
بیشتر هم گفته اند ... گوشت نرا و فربه ... گوشت طیور که استخوان زیاده و گوشت کم باشد ... گوشت
جانوران آبی و **منسوبات نباتات** ... کچالو ... تخم و تخم ... بادنجان ... باقلا
... لیمون ... انبه خام ... چقندر ... ساگ ... کیله ... سیب و انار ... ناسپاتی و کنار ...
... کریله ... لال ساگ ... ترمزی ... ککری ... لوبیه **مخصوصات اشکال** ... نان
مثل قورمی ... شیرینی پخته ... بادنجان ... حلیم ... حلوا و لوزیات ... اچار انبه ... ساگ
وغیره حکم نمک هم کرده اند ... گوشت ... فقط ... شیر و چغرات ... پلاو ... زرده و کباب
و شراب ... افیون ... شیرینی فاتحه ... کچری ... دانهای ... برشته **احکام غالب**
مغلوب از اول نار و از چهارم باد و از سیوم آب و از دوم خاک خواه ... و ...
... شکل سازد و این را محفوظ اول نام کند و باز برعکس این بگیرد آتش از دوم و باد از سیوم
و آب چهارم و خاک از اول و شکل سازد و این را محفوظ ثانی نام کند از اول حکم سائل
و از دوم حکم مسئول هرکدام با قوت بیش بود غالب آن بود **احوال سال** **بیان خاتمه**

مشتمل بر دو فصل **فصل اول** در احکام سال بدانکه ای طالب بوقت تحویل آفتاب عالمتاب
ببرج حمل قرعه برای دریافت احوال تمام سال باید وزایچه بنویسد بعد ازان ازین کلاه قاضی
گرفته امهات سازد یعنی شکل ۱۳ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۴ گرفته زایچه دیگر سازند تا که ثابت شود وثابت آنرا
گویند که شکل اول و ۱۳ و ۲ و ۱۰ و ۳ و ۱۱ و ۱۴ و ۱۴ یکی شود و میزان آن خانه نهم یعنی آنچه در خانه نهم
زایچه اول آمده باشد در همه زایچه ها همون بمی آید اگر در چهارم زایچه ثابت شود حکم بر سعادت جمالی
آن سال کند اگر در پنجم زایچه ثابت شود حکم بر اوسط احوال آن سال کند واگر در ششم زایچه ثابت شود
حکم بر نحوست سال کند واگر زیاده ازین شود دلالت بر نحوست کلی کند و احوال عجائب و غرائب
مشاهده کردن و در حوادث گرفتار شوند واگر در سوم زایچه ثابت شود باید که ثابت شده انقلاب
وند بوتد نمود زایچه چهارم درست کند و از زایچه اول حکم بر ظاهر سال و از ثابت حکم بر باطن
سال کند یعنی اشکال هر دو دو زایچه را باهمدیگر امتزاج داده احکام کند و از زایچه اول
حکم بر سه ماه بهار و از زایچه ثانی بر سه ماه تابستان و از زایچه ثالث حکم بر سه ماه پائیز
و از زایچه رابع سه ماه زمستان و از سعادت و نحوست و دخول و خروج اشکال حکم بران
فصل از فصول گذشته اربعه نماید **بعضی** احکام سال این قسم کردند یعنی اوتاد زایچه
اول را با اوتاد زایچه ثالث ضرب نموده زایچه دیگر استخراج نماید و شش ماه اول
ازین میکنند و اوتاد زایچه ثانی را با اوتاد زایچه رابع ضرب نموده حکم بر شش ماه ثانی
ازین میکنند و اوتاد این هر دو زایچه را باهمدیگر ضرب نموده احکام تمام سال را استخراج
میکنند از خانه اول تا خانه ۱۲ موافق منسوبات خانه از سعادت و نحوست اشکال حکم
جدا جدا نماید و اکثر اوتاد زایچه سال را باهمدیگر ضرب کرده یک شکل استخراج نموده
حکم تمام سال از وے کنند با این قسم دلالت کند بر فرحت تمام سال و سازگاری
با مردم اشرافت فراخی نعمت و بسیاری کشت و زراعت و رغبت مردم بکار های
صالح و میوه های خشک شوند و آفت بچهار پایان رسد و آبادی در امکنه بزرگان شود

خصوصاً در بلاد زمانه سان و روم و ختن و فارس [illegible] دلیل بود بر امنیت بسیار و آسودگی مردم
از آن و نفع تجار و بر سخاوت مردم و پادشاه عدل و رعیت را از احکام [illegible] و حلانیت
بهم رسد و میوه بسیار شود و از بیع و شرا نفع رسد و چهارپایان بسیار شوند لیکن [illegible]
هوا و غبار ماند و ملک ترکستان و خراسان و نیشاپور و بخارا و سمرقند بسیار آباد
و پر نعمت شود [illegible] دلیل بر آشفتگی و خرابی سال و گرانی بی وقت باد و گرما [illegible]
شود و تکلیف بر مردم اشراف بود و آسودگی مردم ارذل و اهل بازار و حرفه
پادشاه در آن سال ظلم بر رعیت کند و دزدی بسیار فعلی و امراض و مرگ مفاجا
و سپاهان زیانکار و فتنه و فساد در بلادها و سوختن اماکن و تاخت شدن
چهارپایان و حرکت مردم از وطن خود بسبب افلاس [illegible] اختیار واقع شود و گرانی
غله و خشکی زراعت و مرض دبیل و حرارت پیدا شود و میوه کم شود و یا کرم خورد
در زمین خوارزم و غیره باد آتش [illegible] و جنگ ظاهر شود [illegible] دلیل بود بر فراخی نعمت
و ارزانی لیکن اکثر مردم متحیر و متفکر باشند و بیماری زیاده شود و خشکی هوا و کمی بارش
شود و در زراعت کرم پیدا شود و کار و بار مردم اکثر بند ماند و در معامله دغل و مکر
با همدیگر کنند و اکثر از گرد آمدن افواج اطراف تحیر پیدا شود و تولد دختران بسیار
شود و حامله دشوار بسیار زاید خصوص در زمین شام و کابل و تبت و عراق [illegible]
دلیل بود که در آن سال میان خلق خوشی و نشاط بهم رسد و نرخ در یک حالت نماند
و بادهای خوش وزد و تولد پسران زیاده شود و مردم اکثر با بازی و لعب گرفتار شوند
و عشق با همدیگر پیدا کنند و خبرهای خوش بسیار رسد و ارزانی باشد و رغبت مردم [illegible]
و سرور و طعمه خوش باشد و اکثر را [illegible] باشد و چهارپایان بسیار شوند
و مقابله بر همه خود لیکن نقصان کمتر شود [illegible] و غیره رغبت مردم بعشق
و [illegible] شود لیکن در بلاد آسودگی باشد [illegible] دلیل بر گرانی و تنگی [illegible] ارزانی مردم و غلت

باران و شدت امراض مثل درد شکم وغیره و غیبت مردم بر آینکان و تسلط اهل بر شرفا و ظلم پادشاه
و حاکم بر رعیت و در میان حاکم و رعیت نفاق باشد و آفت چهارپایه بسیار رسد و مرگ بسیار بود خصوصاً
در حبش و روم و قلماق و میوه خراب شود و زراعت پایمال گردد ۞ دلیل بر تنگی سال و گرانی و تنگی
و آبهای بی فایده و کمی بارش و غلبهٔ بیماری سوداوی و تکالیف مرض و مرگ مردم و نقصانات
جانوران و نزاع و ضد مردم با همدیگر و اکثر آفتهای سماوی و ارضی پیدا شود و پادشاه بیجا
و ظالم پیدا شود و فساد در بلادها بسیار واقع شود و خشکی بود خصوصاً در اقلیم ... و اکثر آنکه
از ضدیت همدیگر خراب شود ۞ دلیل بر بادهای سخت مثل سموم و حبس و ظلم پادشاه
بر رعیت بسیار شود و جنگ و خونریزی اکثر شود و ... مسافر شوند و گرانی
تنگی بسیار شود و تهلکه باشد و نباتی چاق و میوه سوخته شود و قحط باشد ... از خورد ... آفات
امراض پیدا شود و جانوران بسیار تلف شوند خصوصاً در اقلیم ایران و خطا و ختن ۞
دلیل بر فراخی نعمت و ارزانی غله و کارها ... مسافران خوب گردد و میوه بسیار شود و
مردم را آسودگی بهم رسد و اکثر شوق مردم به تحصیل علوم غالب گردد و باران بسیار
بارد و جانوران بسیار شوند و مردم را نفع ... از بنای شهرها و بناهای عمارت
و رغبت مردم بسیر باغ وغیره بسیار شود خصوصاً در بلخ و خراسان لیکن شدت امراض
بلغمی شود ۞ دلالت کند بر فراخی نعمت و ارزانی و سرانجام کار مردم شرفا خوب شود
و پادشاهان قوی باشند و رعیت پروری کنند و مردم آسوده شوند و کار و بار مردم
خوب بود لیکن باران اندک بود و باره و ترنیات خوب بود اما بسبب ظلم حاکم گرما و سرما
معتدل شود و کشتیها در اضطراب بسبب باد مخالف افتد و میوه خوب بود و چارپایه
خوب شوند و نفع رسد لیکن معامله داد و ستد کمتر افتد خصوصاً در بلاد ترکستان
و نیشاپور و خراسان و سمرقند ۞ دلیل بر فراخی نعمت و ارزانی غله و بسیاری زراعت
و آسودگی رعیت با عمل نیک و مصالح و کثرت میوه ها و نفع از چهارپایه و باشتن جدا است

لیکن مردم سخت شوند و پادشاه عادل باشد و اکثر امراض بلغمی پیدا شود ولیکن زود صحت یابد و جمعیت
و آبادی هم اتفاق خصوصاً در گیلانات و قابض تنگ شود و دلیل بر کمی باران و گرانی غله و سوختن
زراعت و خرابی مردم و دوباره افتادن آن در وطن و جنگ و فساد و فتنه و رغبت بفسق و فجور و غارت شدن
تمام شدن میوه و نقص شده اگر تثلیث با سبب باد مخالف و سختی گرما و سرما و شدت امراض و ویرانی
بلاد و بسبب تسلط دشمنان و غمخان و پادشاه ظالم شود و جور با رعیت بسیار کند و مردم شرفا
خسته حال شوند و امثال غالب باشد و عیال مردم تمام گشته شود خصوصاً در ملک حبش و فرنگ و
بعضی از شهر خراب شوند و دلیل که احوال مردم یک حال قرار نگیرد و اکثر فساد و اختلاف
پیدا شود و باران اندک باشد ولیکن ابر بسیار و نرخ ها گران شوند و اکثر مخالفان در اطراف
سر برآرند و جنگ و جدال پیدا شود و بیشتر مردم بفسق و فجور باشند و از سبب آن مردم
گریزند و میوه بسیار شود و الم … شود و چهارپایان تلف شوند خصوصاً در ترکستان
و فرنگ و شام و روم و دلیل بر خوشی سال و فراخی نعمت و ارزانی غله و بسیاری زراعت
و آبادی بلاد و ناز و خوشی نشاط خلق و پادشاه عادل باشد و سرانجام کارها و نظام ملک
بوجه احسن شود و میوه بسیار بود و خوش ذایقه و لطیف و بادهای خوش و معتدل و باران
بر وقت و گرما و سرما باعتدال شود لیکن گاهی امراض بادی غلبه کند اما مضر نباشد و تولد
پسران بسیار شود و مایلان مردم بزیارت بزرگان و فقیران و اعمال صالح و رغبت
بعضی بر اهل طرب باشد و چهارپایان بسیار شوند و اکثر مال تجارت نیک صرف گشته و بامانت
بزرگان و مضرات زندان و بخار است و دلیل بود که خوشی مردمان در آن سال بسیار باشد و
رونق و انتظام بسیار بود و بادهای خوش و باران بر وقت و نرخ مساوی احوال باشد
و شهرت مرد … بشهر شود ولیکن آخر … کنند و امراض بادی بسیار شوند
و بعضی زود صحت یابند و … آن و میوه خوش ذایقه و خوب بود
و جانوران بسیار شوند و احوال بر یک حال بمانند و … گیلان و کابل آبادی بسیار شود

دلیل بود که دران سال باران بسیار بارد و دشمنان از هر طرف پیدا شوند و دروغ و بهتان
میان خلق بسیار بود و نرخ مختلف باشد و رغبت مردم بر سفر بسیار بود و امراض بلغمی غالب باشد
و سیلها بسیار آید و آبادی بر طرف دریاها شود و ملک خراسان وغیره خراب شوند. **نوع دیگر** نظر کند
بار باع رمل که کدام شکل غالب ست از سعادت و نحوست حکم بر نیکی و بدی آن جاری کند اگر سوال
باشد که درین سال کدام کار بهتر ست نظر کند باول که طالع سال ست تا دوازده خانه هر شکلی که
موافق این باشد بران حکم کند مثلاً اگر شکل نهم موافق باشد حکم کند که درین سال سفر نیک شود
وقس علی هذا **نوع دیگر در احکام باران** از شکل خانه نهم حکم بر کیفیت باران وغیره کند
برین سوال که اگر در نهم لحیان آید باران کمتر بارد و برف بسیار و زراعت نیک بود و مرضی در اسپان
پیدا شود دران سال قبض نیز باران کمتر شود و گاهی باد غالب ماند اما زراعت نیک بود
بیاض اول خشکی غالب ماند و آخر باران بارد اما زراعت کمتر شود و کرم خورد نصرة الخارج خشکی غالب ماند
و قحط و گرانی بسیار بود عتبه خارج گرمی غالب بود و بادها وزد و زراعت میانه بود جماعت باران نبارد و
گرانی غالب شود عتبه داخل خشکی غالب ماند لیکن بعد ازان امید قدری غله شود نصرة الداخل باران کمتر بارد و بادهای سموم وزد
که موجب اذیت مردم باشد عقله باران بسیار بارد و غله نیک بود لیکن بسبب زیادتی آب
زراعت ناقص شود فرح زراعت بود اما باران کمتر بارد نقی الخد باران بر وقت بارد و زراعت خوب
شود حمره باران نبارد و خشکی سال شود و زراعت سوخته گردد انکیس باران نبارد و لیکن ابرها بسیار آید
و اول گرانی و آخر قدری ارزانی شود طریق باران بسیار بارد و کشت خوب شود اجتماع باران بارد اما اکثر ابرها
پیدا شود و باد بیاید و رفع باران کند قبض داخل باران بسیار بارد و زراعت بسیار شود **و بعضی حکم**
هر یک عشره ازین زایچه میکنند یعنی اول وتد اول زایچه با وتد اول زایچه ثالث گرفته یک شکل
حاصل کنند و ازین شانزده حکم بر ماه اول کنند و شکل اول زایچه بر عشره ماه اول و شکل دوم
بر عشره دوم ماه اول و نتیجه بر عشره سوم ماه اول همین قسم ازین هر دو زایچه حکم بر عشره چهار ماه
کنند و دیگر از اوتاد رمل ثانی و رابع بر چهار ماه دیگر حکم کنند پس ازین هشت ماه شد و نتیجه

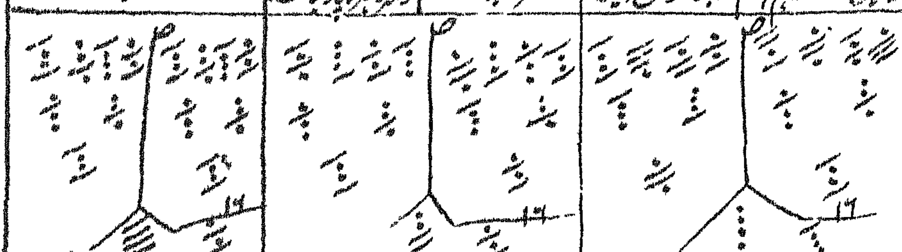
ماه اول و ماه هشتم گرفته یک شکل حاصل نماید و حکم تا ماه نهم از او کنند و از نتیجه ماه دوم و هفتم حکم بر ماه دهم کنند و از نتیجه ماه سوم و ششم بر ماه یازدهم کنند و از نتیجه چهارم و پنجم حکم بر ماه دوازدهم

و بعضی حکم بر روزه باین قسم کرده اند بست و چهار انقلاب از وقت [illegible] و از یک نتایج بر پانزده روز میکنند **و بعضی** بست و چهار قرعه میزنند و از هر قرعه حکم بر پانزده روز میکنند یعنی شکل اول نتایج طالع روز اول میگیرند و احوال حال از دوم این شکل اول نتایج موافق تسکین شکل گرفته حکم بر داخل و خارج از او میکنند و از سوم این شکل حکم حرکت تا دوازده و از دوم [illegible] طالع روز دوم حکم میکنند و داخل خارج از شکلی که دوم این موافق تسکین شکل باشد حکم میکنند تا پنجم تا دوازدهم پس از هر یک نتایج بر پانزده روز حکم کنند و قس علی هذا از داخل و خارج و ثابت و منقلب و سعد و نحس و حصول و عدم حصول و سعادت و نحوست تکلم کنند **قاعده دیگر در باد و باران** و ارزانی و گرانی غله نظر کنند در وتد السماء و وتد الارض و هر دو را با هم یک ضرب نموده از نتیجه حکم کنند از سعد ارزانی و از نحس گرانی در یک نظر کنند در اوتاد و میزان شانزدهم اگر اشکال آبی و خاکی آید ارزانی بود و باران باشد و اگر اشکال آتشی و بادی آید قلت باران شود و بعضی بر زوایدات حکم کرده اند یعنی سیزدهم اول سال و چهاردهم و پانزدهم میان سال و شانزدهم آخر سال **قاعده در تعیین جنسیات غله** نظر باید در اشکال که نسبت با اشیا دارد هر کدام که موجود و قوی بهم باشد آن جنس ارزان و با منفعت شود و اگر موجود باشد ضعیف بود آن جنس نقصان شود و اگر موجود هم بود گران و ناپیدا شود باین قسم [شکل] منسوب ست بگندم [شکل] نخود و [شکل] و [شکل] و باجره و مکئی غله دهقانیان [شکل] و [شکل] مونگ و [شکل] ماش و کنجد سیاه [شکل] جوار و [شکل] بشرکت [شکل] هم گندم [شکل] و [شکل] منسوب ست بعدس [شکل] و [شکل] بشالی [شکل] و [شکل] بشیرینی [شکل] و [شکل] بگوشت [شکل] و [شکل] و [شکل] و [شکل] منسوب ست بغله [شکل] و [شکل] و جواهر [شکل] و [شکل] فواکه [شکل] [شکل] با هیزم [شکل] [شکل] هیزم و بعضی از نقاط هم حکم بر جنسیات میکنند یعنی شمار نقطه تمام رمل را اگر آتشی و خاکی زیاده باشد غله ارزان شود و آتشی و خاک دلیل بر معدنیات ست و آتشی و آب بر حیوانات و باد

و آب بر فواکه و آتش نقط شیرینی و باد نقط گوشت **فایده در تحت اقالیم** موافق نقاط بدانکه
اول لفظ آتشی و باد و آب و خاک تعلق با قالیم اول دارد و دوم با قلیم دوم و قس علی هذا
ششم بر اقلیم هفتم و لفظ ؛ را در شمار نمی آرند **طریق احکام سال موافق نقطه** از نقطه انچه
ثابت شد حکم باین قسم میکنند یعنی از لفظ منتهی بحکم بر اول ماه بهار کنند و از دوم لفظ دوم ماه بهار
و از سوم نقطه بر ماه سوم بهار پس سه لفظ در بهار و سه لفظ در تابستان و سه لفظ به پائیز و
سه لفظ بر زمستان پس هر لفظ که قوی باشد یا به مطلوب نظر داشته باشد حکم بر خوشی آن ماه
اما اگر نقطه آتش و با آتش آید دلالت کند بر گرمی بسیار و اگر در باد آید دلالت کند بر بادهای
سموم و اگر در آب آید گاهی بارد و گاهی نبارد و اگر در خاک آید خشکی غالب شود و باقی بر قیاس
پس از نقطه منتهی به هر حکم بر طالع سال کند و از دوم بر دخل و خراج حکم کنند تا لفظ
دوازدهم اما احوال فصول اربع و حقیقت باران و باد از نقطه دهم که تعلق با سمان
دارد و از نقطه چهارم که تعلق بزمین دارد حکم کند یعنی اگر نقطه دهم آبی باشد و مطلوب
در خانه آبی نشسته باشد و ناظر بود و نقطه چهارم نیز آبی و خاکی باشد و با مطلوب ناظر بود
باران بسیار بارد خصوصاً که نقطه دهم و چهارم با مطلوب ایشان با همدیگر نظر داشته باشند
رعد و برق افتد و اگر نقطه آتش و باد در شکل دهم آمده باشد و در خانه آتش و باد هم آمده باشد
سرما سخت افتد و خشکی سال بسیار گردد و اگر نقطه باد بود در شکل دهم و در خانه باد آمده باشد
بادها بسیار وزند اما مضر نباشند و اگر در خاک و آتش آمده باشد باد گرم و مضر وزند و لیکن موجب
بلاکت (?) نگردد و امراضها پیدا شوند و اگر نقطه خاک بود در شکل دهم و در خانه آتش و خاک
آمده باشد قحط عظیم روی دهد و اگر در باد و آب آید گاهی بارش و گاهی خشکی باشد و اگر نقطه
چهارم آتش بود و در خانه باد و آتش آمده باشد و با مطلوب ناظر بود در ان سال غلبه آتش
بسیار شود و خرابی امکنه از آتش باشد و اگر آب بود و در خانه آب آمده باشد لیکن با مطلوب ناظر باشد از
زیادتی آب نقصان امکنه شود اما باید که در احکام باران و غیره از نقطه دهم و از نقطه چهارم و از شکلی که حاصل نقطه چهارم باشد حکم کنند

	جدول باد و باران اینست فقط	چهارم باشد حکم کنند

بدان ای طالب ... مبتدی مثال بیان ... احتیاط تمام و بدان ... برای احوال ... دیده شد زایچه اینست	گرد و خشکی هوا و سرمای خشک	اول خشکی و آفتاب بسیار گرم بود و آخر ... باران ... وقت	باد گرم بود اول و آخر به گرفتگی هوا شود	اول روز آفتاب گرم و آخر روز معتدل اما ... غالب بود
	بادها گرم ... آیند	گرفتگی هوا و خشکی بسیار و سرمای مضر	گرمی و خشکی و گرفتگی هوا	باد خوش اول ... گرم و آخر گرفتگی هوا
	آفتاب گرم و باد و باران بیوقت	باران و ابر بسیار شود	آفتاب گرم اما بادهای خوش آیند	باران بسیار شود و باد نیز زیاده گردد
	آفتاب باد و باران و سرما بسیار باشد	باران و باد و سرما بود	باران و باد خوش ... و باد با خوش آیند	گرفتگی هوا بود و ظلمت ... دیگاه ... هم رفت

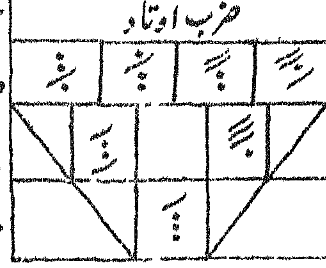


شش ماه ثانی	شش ماه اول	زایچه ثابت



چون اوتاد زایچه سال را با هم ضرب کردیم حاصل ... دلالت بر خوشی سال و فراخی نعمت ... غله و بسیار غله باشد و آبادی

ضرب اوتاد



زایچه تمام سال



بلاد و باد خوشی و انبساط خلق و پادشاه عادل باشد و سرانجام کارها و نظام ملک به احسن شود و میوه بسیار شود و خوش فراخ و لطیف بود و باد با خوشی و معتدل باران بی وقت و گرما و سرما نیز با اعتدال لیکن کاهی مرض ... اما عاقبت ... و قوله ... بسیار شود و غبت ... بزرگان فقرا و اعمال صالح شود ... بعضی ... بسیار شود و ... نیک صرف کنند ... بزرگان مصر ... ماننده ... آبادی زیاده شود و چون ...

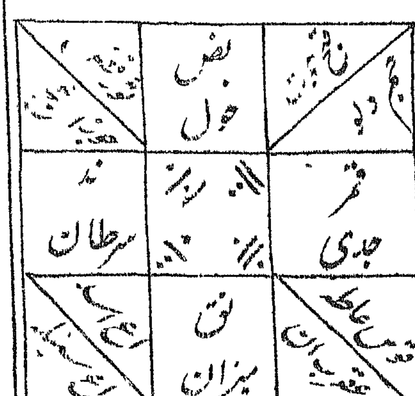
زایچه سال ... دو در سوم تکرار دارد معلوم میشود که در اول سال خشکی غالب شود و آخر بیارد و چون در وتد چهار
... نشسته معلوم شد که درین سال گرما معتدل بود و بادهای خوش وزد و چون در وتد الارض ... ست گفتم
باران آخر خواهد بارید و آخر ارزانی خواهد شد لیکن چون ... که تعلق بغله دارد و هر سه حاضر اند اما ...
در خانه هشتم که نحس ست و تعلق بخوف دارد نشسته و ... در خانه های سعد اند معلوم شد که غله ارزان
خواهد شد اما اول کم خواهد شد که مردم را خوف پیدا گردد لیکن آخر خوب خواهد شد و چون ... حاضر نیست در دوم
پیدا میشود بقوت انتم و ... که اول گندم قدری گران شود و آخر ارزان شود و چون ... حاضر نیست و در باطن
هم پیدا نمیشود پس حبس نخود البته گران خواهد شد و ... و ... حاضر ست و تکرار بسیار دارد معلوم کردم که غله
دهقانیان مثل باجره و مکی وغیره بسیار ارزان خواهد شد لیکن اکثر مردم از خوردن این غله مریض خواهند شد
و چون ... در یازدهم نشسته است که موافق تسکین بکل از خانه خود در هشتم خود ست و از تسکین ایچ در دوازدهم
خود ست پس مونگ اول قدری گران خواهد شد و آخر ارزان گردد اما اگر هم خورده و پوسیده و چون
... و ... هر دو حاضر اند اگرچه ... در خانه هشتم هست اما چندان نحوست ندارد که صاحب خانه او ست
... در خانه یازدهم که خانه رفعت اوست نشسته معلوم شد که نرخ کنجد و ماش ارزان خواهد شد و چون ...
حاضر ست اما ضعیف و قوی ... پس نرخ جو میانه خواهد بود و چون ... حاضر ست پس عدس ارزان خواهد گردید
و چون ... و ... تعلق بپارچه هم دارد و پس پارچه اول و آخر سال گران خواهد شد و میانه سال ارزان
زیرا که ... در اول و ... در سیزدهم ضعیف نشسته و ... در چهارم که مابین این خانها ست قوی نشسته و ...
در دوم بقوت نشسته پس شیرینی خوش ذایقه و ارزان خواهد شد و همین ... منسوب بفواکه است
... حاضر ست و ... در باطن ششم پیدا میشود پس معلوم گردید که فواکه ارزان خواهد شد و رغبت مردم نیز
بسیار خواهد بود اما آخر سال از خوردن بعضی فواکه مرطوب محض مثل کیله وغیره امراض پیدا خواهد شد
و چون ... حاضر ست و ... در دوم پیدا میشود پس جواهر نیز ارزان خواهد گردید اما کم خرید خواهد شد
و فروخت زیاده خواهد گردید و چون ... که منسوب بگوشت ست در خانه هفتم و در خانه ... هم بقوت
نشسته پس گوشت نیز ارزان خواهد شد اما خوش ذایقه و فربه ... و ... که منسوب بکباب ست هر دو حاضر اند

پس حسب نیز ازان خواهند العلم عندالله چون خواستم که احکام هر یک عشره جدا جدا بیان کنم استخراج
اینست ماه اول فروردی ... ماه دوم اردی بهشت ... ماه سوم خورداد ... ماه چهارم
تیر ... ماه پنجم امرداد ... ماه ششم شهریور ... ماه هفتم شهریور ... ماه هشتم آبان
... ماه نهم آذر ... ماه دهم دی ... ماه یازدهم بهمن ... ماه دوازدهم اسفندار
... چون اول عشره ماه اول ... ست معلوم میشود که از اول ... روز تا ده روز بسیار خوشی کنند
واخراجات بجای نیک کنند و حرکت برای زیارت بزرگان نمایند اما خرید کمتر شود و فروخت بسیار
و عشره دوم ... ست معلوم شد که این عشره به تنگی و ناخوشی گذرد و خسارت شود و حرکت بیجا خواهد کرد
و هر کاری که ابتدا نماید خسارت خواهد کشید و با آشنایان به یک ناخوشی پیدا شود و چون عشره سوم
... ست دلالت کند که درین عشره خوشی حاصل شود و تحصیل مال هم قدری گردد و از حرکت فائده بینند
و هیچ نشود و اکثر مشغول کتاب ... نمایند و میل طبع برای سیر باغ غالب شود و اول عشره ماه دوم
مثل عشره سوم ماه اول ست زیرا که همون ... ست و عشره دوم ماه دوم ... ست معلوم میشود
که این عشره نیز بسعادت گذرد و دخل و خرج برابر باشد و عشره سوم آن ... ست دلالت کند که
درین عشره نحوست گذرد و اکثر با کسی ... همنشین شوند و جدال رود و نقصان مالی نیز شود و باقی
برین قیاس حکم کنند و بعضی زایچه مثل منجم می‌نویسند و حکم برین قسم می‌نمایند هرجا که نقطه میزان منتفی
گردد آنرا طالع مقرر کرده اند پس نظر نمایند باشکل که تعلق کدام ستاره دارد و اینجا یک اعتبار
منسوب ست لیکن ازان نظر میکنند با اشکال دوازده خانه که هر یک کدام ستاره متعلق ست
و از خانه منتفی ... میشود موافق حکم راس منجمی احکام می‌نویسند چنانچه او ... میشود و آفتاب
و عطارد ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ نیک ست و ۲ و ... میانه و اول ۸ و ۱۲ بد مشتری و زهره
و راس و ذنب ۳ و ۵ و ۷ و ۹ و ۱۱ سعد ست و ۲ و ۱۰ میانه و باقی بدست زحل اول
و ۳ و ۴ و ۸ و ۱۲ بد است و ۱۰ و ۶ و ۷ میانه باقی خوب ست قمر اول و چهارم و ۸ و ۱۲ بد است و ۲
و ۶ و ... میانه و باقی خوب لیکن ازان نظر مطلوب کند که در کدام خانه نشسته لیکن ستاره تعلق چه دارد

و در ینجا که نشسته است در شرف خود است یا در فرح خود باشد و نظر بطالب خود داشته باشد حکم بحصول مراد با سانی کند و فایده یافتن بوجه احسن بود و اگر در هبوط و یا در وبال باشد و ناظر بود و اگرچه حصول مراد شود لیکن بعد مشقت تمام و فایده ندهد پس هر شکل که در خانه خود بود و مقیم آنرا وبال گویند و این خانه عبارت از برج ست بمقتضی نجوم و شرف کوکب اینست آفتاب حمل و زحل میزان و مشتری سرطان و مریخ جدی و زهره حوت و عطارد سنبله و مقیم آنرا بود گویند و فرح کواکب عطارد و زحل قمر جوزا شمس قوس زهره اسد مریخ سنبله مشتری دلو زحل حوت و مقابل فرح ترح ست اما از نظام دوازده خانه بطریق نقطه بر دو قسم ست بعضی از زایچه ثانیه حکم میکنند و بعضی از زایچه تمام سال اما چون در زایچه ثانیه میزان نبا ست لهذا از زایچه تمام سال حکم می کنم زایچه اینست



اما از تقویم سال زایچه شمسی می نویسند به بعضی ست طالع آمده هم بهر حکم چون نقطه حاکم که خاک ست در خانه چهارم بجای منتهی ست پس معلوم گردید که طالع سال میانه است



اکثر تکرار بسبب رفعت و عدم حصول آن بعضی را غالب باشد بعضی را تکرار بسبب خالفت محبوب بعضی را تکرار بسبب نقصان مال لیکن نقصان مال دو قسم باشد یکی از قبیل اخباش و دیگر از قبیل املاک لیکن آخر تکدر رفع شود زیرا که نقطه خاک اول در ۱۲ که آتشی ست به رسید چون خاک در آتش رفعت میکند و خاک بذاته تعلق بکاروبار دارد لهذا گفته شد که تکدر بسبب طلب رفعت باشد و عدم حصول رفعت بسبب نقطه رسیده است و چون خاک پنجم که تعلق بمحبوبه دارد و اخباش صاحب خانه ۱۲ است که منسوب بشمسی ست لهذا ناموافقت محبوبه گفته شده چون نقطه خاک دوم ست که تعلق بمال دارد و در خانه ۱۳ که آتشی ست رسید و آتش تعلق بخروج دارد لهذا حکم بنقصان مال کرده شد باز از انجا به رسید که تعلق باملاک دارد و خاک هم است با و آمده نفع گردید این نیز

دلالت بر نقصان املاک میکند و چون از بیت ثانی بخانهٔ نهم مرکز خود منتهی گردیده و مطلوب این که نحس است در وی بقوت
نشسته اما چون خانه که تعلق از بیت اول دارد یا بیکدیگر نظر تربیع که نظر دشمنی است دارند پس معلوم گردید که اول سال
تردد و ناخوشی غالب باشد و آخر رفع گردد اما چون خانهٔ اول تعلق با شباب و دارد خبر میدهد که بهاری ابتدا و
نماید اول دشوار شده و آخر بانجام یابد این نظر از نظر تربیع گفته شد لفظ دوم که تعلق بمال و معاش
و غیره او فقر و آخر خود دارد خبر میدهد که درین سال مرد را تکلیف معاش باشد و نقصان مال نیز شود و اکثر
در معامله اخذ و عطا جنگ و جدل پیدا شود و رجوع بحکام نماید و بعضی بسبب تنگی معاش سفر نماید و قرض که
تحصیل مال کند افتاده است و دیگر آنکه لفظ دوم خاک نحس است و در خانهٔ هفتم که بیت الاعدا است نشسته
و نقی منسوب به مریخ است لهذا حکم بر تنگی معاش و نقصان مال و جنگ و جدل نموده شد و چون مطلوب نحس بود
باطن نهم پیدا شود و عقبة الداخل نیز در مرتبهٔ هفتم دارد و از خانهٔ خود در خانهٔ دوازدهم برابر که تعلق با دشمنان دارد
این نیز دلالت بر حکم مذکور میکند اما چون در خانهٔ نهم که تعلق بسفر دارد پیدا شده و با مطلوب طالب خود نظر دارد
لهذا گفته شد که سفر نماید و چیزی تحصیل نماید اما چون نحس و در آنجا نحوست او کم میشود لهذا گفته که رجوع
بحکام خواهند کرد و چون نقی آخر از مطلوب خود ساقط شده لهذا گفته شد باقی که در سفر حاصل شود
آخر غارت و تلف شود و اکثر مرد در فسق و فجور صرف مال کند زیرا که نقی منسوب بفسق و فجور است
و در خانهٔ هفتم که تعلق با زواج دارد نشسته و خانهٔ لفظ سوم که تعلق به نقل و حرکت و برادران و خواهران
دارد معلوم میشود که درین سال مرد را حرکت کمتر شود و اکثر شود بیفایده زیرا که لفظ حرکت نحس است
که در باطن نهم پیدا میشود و مطلوب این که طریق است ظاهر و باطن نیست اما چون جا نشین این نحس
گردید مطلوب نیز در ظاهر نیست مگر در باطن و طالع برادران و خویشان نیز نحوست دارند و برادران
را با هم دیگر بسبب ازدواج نزاع و جدال هم رسد زیرا که لفظ سوم خاک نحس است در باطن نهم پیدا شده
و مطلوب حاضر نیست و عتبة الداخل با منتقی به که نحس نظر ندارد و در مرتبهٔ عتبة الداخل هفتم لهذا گفته است.
لفظ چهارم که تعلق و طالع پدران املاک و دفائن و غیره دارد خاک میشود و طریق ظاهر و باطن نیست
دلالت بر نحوست طالع پدران و خرابی املاک کند چون نظر کردیم جانشین طریق که نحس است و مطلوب

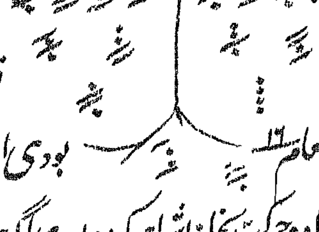
این شکل ست در باطن خانه پنجم پیدا میشود و نظر تثلیث دارد به شکل صاحب خانه نهم ست و با مطلوب نیز نظر نهم
دارد پس معلوم شد که اکثر مردم از سبب خرابی امکنه بی وطن شده در صحراها جولان نمایند **لفظ پنجم** که
تعلق بفرزندان و تحفه و معشوق و اختیار دارد شکل میشود در خانه پنجم نشسته و مطلوب که شکل است
ساقط نشسته خبر میدهد که درین سال اکثر تولد دختران شود اما هر گاه اطفال زیاده شود در میل مردم معشوق و ممالیک باشد
لیکن موافقت کمتر میشود و جدائی در میان آید و خبرهای ناخوش یابند و تحفه و هدیه کمتر نمایند و هر فرزند که درین سال
پیدا شود به صورت جنگجو و بطالع بخیل باشد اما پدران را با پسران محبت زیاده باشد و پسران را با پدران الفت
نباشد **لفظ ششم** که تعلق بغلامان و کنیزان و مرض دارد خبر میدهد که اکثر مردم را میل به کنیزان شود و بسبب تمنا
در خدمت نگاه دارند و بعضی بسبب تعصب و جدال زنان در تمایند زیرا که لفظ ششم خاک شکل میشود و عمل بسوی
بموضع ست و خانه آب نشسته و مطلوب این که شکل ست نیز در خانه هفتم که بزنان تعلق دارد و آنا ناظر و ساقط و اکثر
مرض سوداوی و درد شکم و غیره شدت و بعضی را مرض از سبب سحر زنان و ضد آن لاحق شود زیرا که شکل تعلق بمرض
و صاحب خانه نهم ست که تعلق بعلم دارد و چون شکل که شکل نحس خبیث ست و تعلق بخبرهای غیر شرعی دارد و از خانه خود
در خانه هفتم که پانزدهم اصل ست نشسته و مطلوب این نیز در هفتم که تعلق بزنان و ضد آن دارد آمده لهذا گفته شد
که از سحر زنان و غیره مرض شود و بعضی مردم برای خرید و فروخت اجناس سفر کنند **لفظ هفتم** که تعلق بزنان
و ضد آن و غائبان و دزدان دارد خاک شکل میشود که در باطن هفتم پیدا شده و مطلوب این جا که شکل ست
در خانه دهم که دوازدهم از خانه خود باشد ظاهر نشسته و در باطن یازدهم و چهاردهم پیدا میشود پس دلالت کند
که طالع زنان میانه باشد لیکن اکثر زنان رغبت بعشق فسق و فجور نمایند و با شوهران موافقت نکنند
زیرا که طالع زنان که شکل ست با مطلوب خود در دهم که ضعیف ست نظر تربیع دارد و با شکل که در چهارم پیدا
میشود نظر تثلیث دارد و شکل که در چهاردهم پیدا شده ساقط ست لهذا میانه نوشته شد و چون با منتهی نظر
تربیع و مقابله دارد لهذا معلوم شد که با شوهران جنگ و جدل خواهند کرد و موافقت نخواهند داشت
اما چون مطلوب این که شکل در باطن یازدهم که پنجم هفتم میشود و در چهاردهم که هشتم هفتم میشود بر آمده
و خانه نهم نشسته دارد و خانه که تعلق ... دارد از ... معلوم ... و از ...

فسق خواهند داشت و نزاع و ضد و جنگ میان مردم ظاهر شود و دزدی بسیار شود غایبان زود آیند
زیرا که قادوم غایب نیز نظر ضعیف دارد اما آمده استقامت کم کنند و از خوف و هراس ... زیرا که مطلوب نیز
که شد ظاهر ضعیف نشسته و باطن چهارم نیز ضعیف برآمده که ششم و نهم منتقل شود و نقطه چهارم نیز حاضر نیست پس
غایب نیز استقامت نکند لفظ ششم که تعلق بخوف و خطر و مرگ دارد خاک آتش میشود و در دوم نشسته اگرچه ضعیف است
اما مطلوب این قدر نشسته و خود از خانه خود دور دوازدهم نشسته پس مردم را از حکام و ملوک خوف رسد و درین
سال مرگ غالب بود لفظ نهم که تعلق بعلم و سفر و خواب دارد آتش شده است که در نهم به قوت نشسته و
مطلوب این که پنجم است در پانزدهم ضعیف نشسته اما نظر مقابله دارد و خبر میدهد که اکثر مردم را در بد حال
بسبب ضد همدیگر و بسبب دیگر انواع غایبه سفر شود لیکن در سفر اکثر نقصان و تکلیفات ... زیرا که در خانه
هفتم است که تعلق بضد و غایب دارد و در سوم تبدیل نموده و مطلوب این که پنجم است نظر مقابله دارد و شه
در تسکین ... صاحب خانه دوازدهم و در تسکین ... و صاحب خانه ششم که تعلق بلشکر دارد اکثر رغبت مردم به علم
غیر شرعی شود مثال علم هندی و اکثر علمهای شنیع به نظر آید. لفظ دهم که تعلق بجاه و خزینه بادشاه
و مادر دارد پس آتش پنج میشود و مطلوب این آتش پنجم است و ... در ... نشسته اما نظر ندارد و خبر میدهد
که اکثر مردم را نقصان جاه و مرتبه شود بد و از مرتبه خود بیفتند و روزگار مردم کم شود و طالع بادشاهان
نیز نحوست دارد و اکثر حکام و سلاطین با رعیت دشمنی و مخاصمت پیدا شود و طالع مادران نیز
نحوست دارد و در میان مادران و اطفال موافقت نماند زیرا که لفظ دهم که آتش پنجم است از ... که ششمی
به در خانه ۱۲ که تعلق بدشمنی دارد و از نظر ساقط نشسته. لفظ یازدهم که تعلق به دوستان و ... و مال
بادشاه و امید دارد و آتش ... میشود و مطلوب این آتش پنجم است که در ششم ضعیف نشسته ... ۱۶
اگرچه مساویست لیکن آتش را و خاک که ... بسیار باشد نظر تربیع و مقابله دارد معلوم میشود که اکثر
دوستان را با همدیگر ضدیت و مخالفت ظاهر شود و امید که داشته باشند از آنها عوض منفعت بسیار
قدری حاصل شود و میان وزرا و ملوک موافقت و مال بادشاه اختیار شود بسیار ...
و اگر قدری ... باخوشی ... لفظ دوازدهم که تعلق بدشمنی و چهارپایان دارد آتش پنج شود و مطلوب این

آتش ست در ظاهر و باطن نیست نظر کردیم باشکال آتش که و و با مطلوب ساقط است
پس معلوم شد که اگرچه مردم با همدیگر دشمنی ظاهر کنند لیکن از دشمنی خود ذلت کشند و آفت بچهارپایان
بسیار رسد و هر چهارپایه که درین سال بدست آید معیوب باشد و بیمار شود و ملک نقصان دهد والعلم عند الله تعالی

فصل دوم

در احکام روزمره بدان ایها الطالب که شکل اول طالع روز است و ۲ منسوب بحالات اکل و مال آن روز و ۳ حرکت تا ۱۲ ـ اگر سوال کند که از تمام روز در کدام ساعت خواهد شد از شکل اول حکم بر سعادت طالع اول ساعت کند
و از شکل ۲ طالع موافق تسکین سکن حکم بر حالت خوردن آن ساعت کند و از ۳ بر حرکت آن ساعت و از شکل ۴
زائچه حکم بر ساعت بدستور کند تا ۱۲ شکل بر ۱۲ ساعت همین قسم حکم کند لیکن اگر رمال خواهد که قرعه برای خود زند و
احوال کل سائل از وی دریافت نماید باید که باین نیت رمل زند و نظر کند در رمل اگر قرعه هم داخل باشد و شکل خارج
سعد باشد دلالت کند در آن روز البته سائل نزد این آید و اگر بالعکس بود نیاید و اگر قرعه هم غائب و ۷
هر دو خارج باشند یا هر دو داخل اما در چهار هم تکرار کند سائل بیاید اما نه نشیند و زود برود چون لیکن
از داخل قدری بنشیند و از خارج مطلق نه نشیند و زود برود و چون دانستی که سائل خواهد آمد و بدانی
که چند کس خواهد آمد از تکرار شکل ۷ و اگر تکرار نکرده باشد از عدد عنصری گوید و اگر باشد و تکرار هم
نکرده باشد اما در ۲ داخل و در ۹ و ۷ خارج مردم بسیار هجوم کنند پس اگر خواهی که ضمیر و حکم همه را از زائچه خود
گوئی باید که از شکل ۷ حکم بر شخص اول کند و از کیفیت شکل حکم و تکرار این که از خانه خود در چند هم آمده این هم
مرتبه را نظر کرده کیفیت ضمیر گوید و از شکل ۷ بر طالع آن شخص و از ۸ کیفیت مال وغیره همین قسم حکم بر ۹
و از ده خانه کند و از شکل ۹ بر طالع شخص دوم و از ۱۲ بر شخص سوم باقی بر قیاس اما چون طریق احکام
روزمره بسیار مشکل ست و از قاعده حل نموده لهذا امثل بیان مینمایم تا مبتدی را آسان شود مثلاً برای استفسار
احوال یک رمالی زدیم زائچه این ست معلوم میشود که درین روز طالع



شیرین و هر شادی خورده و بران فاتحه بزرگی خوانده باشد اما شب فاقه
قوت دارد و تمام روز شگفته و طعام بودی اما طعام که از خانه آمده باشد اما
شب نیامده باشد و با جرات خورده و اراده حرکت بخانه اشیای کرده بودی اگرچه در ظاهر خوش شده باشی لیکن در دل

کدورت وخفگی بسبب معاملات بهم رسیده لیکن چون حرکت کرده باشی دو زن روبرو آمده باشند که از دیدن
آنها تکدر بهم رسیده و آن هر دو زن بزرگی بودند یکی سیاه فام و دیگری سرخ وسفید رنگ لیکن آن هر دو همراه
بودند و سایل از میان آنها حرکت کرده آنها را عقب پشت گذاشته پیشتر رفته اما هر دو عقب عقب سایل می آمدند
و آن زن سرخ وسفید بود با تو حسد چسپید و دومی مانع گردید تو با شان منع غصه کردی زیرا که تو چیزی را شنیده اشیا را
میخواندی و او را عقب گذاشته جلد روانه شدی و در خانه آشنائی استاده شده بودی اما اراده حرکت داشتی
و تو شب در خواب دیده بودی که یک دریا است و تو در کشتی سوار شده سیر میکردی که گرداناگاه آن کشتی از میان
شکست و آن در میان کشتی آمده و تو از این وا همه خوف کشیده بیدار شدی و تو امروز در یک مسجد که کهنه
که گنبذ آن شکسته بود و در میان مسجد قبر بزرگیست که گاه گاه مردم برای زیارت جمع میشوند رفته بودی
و قدری مالیده تبرک تو داده بودند و تو آن را خوردی و تو را درد شکم پیدا شده بود و ترا خوف در دل آمده بود
لیکن آن درد بسبب ریح بود در یک آن رفع گردید دیگر گفته که شب چیزی زن داده برای فسق زنی را
طلبیده بودی و مباشرت نمودی لیکن اراده مباشرت دو مرتبه کرده بودی اما یک مرتبه آن زن
بر تو غالب شده مباشرت کردن نداد بار دوم اتفاق مباشرت افتاد لیکن بعد از این بسیار ناخوش
شده بودی و صبح غسل کرده و لباس سفید پوشیدی و چیزی درد راه خوانده میرفتی زیرا که تا سعد اکبر است
لهذا قوت طالع گفته شد و بیت درخانه دوم که تعلق با کل دارد نشسته و این شکل منسوبست بطعام چرب
و شیرین و چون شریک این بیت است که مخصوص بشیرینی فاتحه است و بیت موافق تسکین ابدج در ۳
و خود نشسته و موافق تسکین بسکن در ۱۱ خود تکرار کرده و موافق بدوج در ۳ و ۱۴ خود نشسته بود پس
معلوم شد که از خانه آشنائی طعام شادی که بروفاتحه بزرگی کرده باشند و درخانه این آمده باشد
و چون در ظاهر بخانه ۱۲ آمده موافق ابدج در ۳ که زائل نشسته معلوم شد که طعام شب مانده
اما چون [illegible] نتیجه است لهذا گفته شد که خیرات همراه خواهد بود اگر سوال کند که [illegible] که تعلق بشیر هم دارد
تخصیص خیرات چه وجه چون بیاض که شکل آبی است در خانه آتشی نشسته بس معلوم شد که چیزی باشد
که از حالت اصلی خود تبدیل کرده باشد اما چون سعد است این بود و آن تبدیل خوش ذائقه باشد مانند تخصیص خیرات

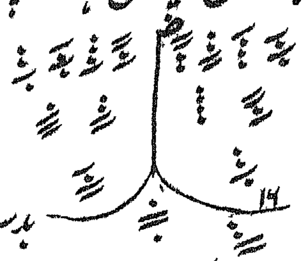
کرده شده ... درخانه سوم صاحبخانه موافق ابجح و تکرار درخانه ۱۱ که تعلق بآشنا دارد نموده و از تسکین ... سکن دید ۲ و ۶
خود نشسته لهذا گفته شد که اراده حرکت بخانه آشنائی کرده بودی و دو ظاهر خوش شده بودی لیکن در دل کدورت
بسبب معامله بهم رسیده دیگر چون ... در ۳ ضعیف بود و درا نیز ضعیف باشد و شکل خانه ۲ که ... ست و بهم آمده
که پیش آمده ۳ ست و تکرار در ۱۲ کرده از بخت معلوم شد که دو پیره زن روبرو آمده و چون ... و نامعلوم شد
پس صورت یکی از ... گفته شد و صورت دوم از ... و چون ... هر دو ناظر با همدیگر اند لهذا همراه گفته شد
و چون ... پیشتر رفته و شکل طالع در ۲ نشسته و ... نیز در باطن ۲ پیدا شده لهذا گفتم که هر دو در عقب
گذاشته پیشتر روانه شده و چون ... از ضرب ... باشد در ۱۰ پیدا شده و ... در ۹ نشسته که هر دو مقارن
ماشد که تعلق بحرکت دارد ... درا نشسته و شکل حرکت آنها ... ست موافق تسکین عدد در ۹ پیدا آمده
ناظر به ... است اما چون نظر اسیر دارد لهذا گفته شد که آنها هم عقب عقب تو می آمدند و چون ...
یکی ساقط از حرکت و یکجا از طالع و ... که دومی ست ناظر و نقطه انصال دارد و ... هم ساقط و نقطه
خاک که مانع است دارد لهذا گفته شد که آن زن سرخ و سفید با تو چسپید و دومی مانع گردید و
چون ... در باطن پیدا میشود ... گفته شد و صورت دوم ظاهر پیدا میشود و نظر دارد و آتش تعلق بغضب دارد
لهذا گفته شد که تو با شاره غصه کردی و چون همستاره ... که در خانه ۵ و ۹ ست ... بود در طالع پیدا میشود
لهذا گفته شد که چیزی از اشیاء الله میخواندی و چون نقره ... درا نشسته است و آتش و باد
هر دو خارج اند لهذا گفته شد که جلد روانه شدن و چون در هفتم موافق تسکین عدد ... بر می آید و درا هم
... ضعیف ست لهذا گفته شد که در خانه آشنائی استاده شدی و چون نقطه آتش ضعیف و نقطه ...
... که نیز تعلق بخروج دارد و ... اند لهذا گفته شد که اراده حرکت داشتی و چون ماضی
۱۲ است ... تعلق ... ۱۱ ... ست و ... از خانه خود درا آمده و شکل ...
موافق ابجح ... تعلق بفسق دارد و ... نیز موافق سکن پیدا میشود و ... که تعلق بغایت دارد
شکل ... ست در خانه ۹ آمده و در ۱۰ که قدوم غائب ست نیز می آید و شکل ...
... و شکل ... آمده لهذا معلوم میشود که در شب ... چیزی ... داده ... فسق

زنی را طلبیده بودی و چون … در هشتم ست و منقلب ست و ۱۲ … و شکل … و … که تعلق با زن کار با دارد
در باطن ۱۲ و ۱۳ اگر خانه ۲ انیز تعلق بعشق دارد و ۱۳ تعلق بسعی دارد پیدا شده از این دلیل معلوم گردید
که مباشرت در میان آنها البته شده باشد اما چون … و … تکرار دارند معلوم شد که دو مرتبه اراده مباشرت
کرده بود لیکن چون … در ۸ ضعیف و … در ۲ قوی بود و … در ۸ ضعیف لهذا گفتم که چون اول مرتبه
اراده مباشرت کردی آن زن بر تو غالب آمده ترا مباشرت کردن نداد و بار دوم اتفاق افتاد لیکن
چون از قرب … و … پیدا میشود و … در ۷ که خانه ضد ست نشسته و آتش در آب معلوم گردید که بعد آن کار
ناخوش شدی و چون … در طالع برآمده و … در ۵ و ۹ ست لهذا گفتم که صبحی غسل کرده لباس سفید
پوشیده و چیزی در ساعه خوانده میرفتی و چون … در ۹ ست گفتم که شب در خواب سیاهی دیده بودی و …
نیز تعلق بکشتی دارد وجه دوم اینست … که منسوب بچوب ست در باطن این موافق برج میباید و … نیز
در میان شکسته ست و نقطه در میان دارد لهذا گفته شد که در شب خواب دیدی که در دریا بر کشتی سوار
شده بودی و سیر میکردی و کشتی در میان شکسته و آب در آن کشتی طغیانی نموده و چون همین … موافق
ابرج از خانه خود در خانه ۶ آمده و ضعیف ست لهذا گفته شد که تو ترسیده بیدار شده بودی و چون شکل
حرکت که … ست و خانه ۷ که تعلق بمکان غائب دارد برآمده و در ۷ … نشسته که مبهم دارد لیکن
ضعیف ست و ناقص لهذا گفته شد که تو امروز در یک مسجد کهنه که گنبد آن شکسته بود رفته و چون
در باطن این … بر می آید که منسوب به ابیشت و در ۳ اگر تعلق بزرگ دارد نشسته لهذا گفته شد که
قبر کدام بزرگی در آنجا ست و چون موافق ابرج … بر می آید و … تعلق بجمع شدن مردم دارد لهذا
گفته شد که اکثر مردم گاه گاه برای زیارت جمع میشوند و چون … در ۸ که تعلق بچیزی چرب شیرینی دارد
و شر باین که … ست تعلق بیان دارد و نتیجه … و شکل ۸ منقلب ست ۲ و داخل و … نیز تعلق با
سائل دارد در ۸ نشسته لهذا گفتم که قدری مالیده تبرک از آنجا بتو داده بودند تو خوردی و چون
موافق مسکن … بر می آید لهذا گفتم که بعد خوردن در شکم پیدا شده و چون شکل خانه غذا در ۸
و ۱۱ نشسته لهذا گفته شد که در اول تو خوف آمده باشد لیکن چون سعد ست و بادی و ضعیف بعد

گفتم که آن درد بسبب رنج بوده و دفع گردید آمدیم بر سر احکام نقطه چون نقطه بادشاه در ۱۳ رسید
و از انجا در ۱ و از انجا در ۳ و از ان در ۲ به [illegible] و از این در اول به [illegible] رسید پس گفتم اراده حرکت
برای گرفتن مال قرض بخانه شخصی عمده داری که او معاونت نموده قرض بدهاند زیرا که بادشاه با ۱۳ است
و در [illegible] که باد هشتم و تعلق بمال قرض دارد و خانه ۱۳ تعلق بسعی دارد و از انجا در خانه ۳ تعلق بعشیره دارد
رفته و از انجا نیز حرکت کرده در خانه ۳ که تعلق به نقل و حرکت دارد و از انجا در خانه ۲ که تعلق بمال دارد
و معاون رفته در اول به [illegible] که نیز تعلق بشخص عمده دارد و باد [illegible] که تعلق بغایت دارد منتهی گردید
لهذا گفته شد و چون نقطه حکم که آب [illegible] ست در اول رسیده چون [illegible] آب ۳ است و در ۱۳ به [illegible] و از وی
[illegible] که خبر از مکان میدهد و آب در آتش ضعیف ست پس خروج از مکان البته خواهد شد و در اول به [illegible]
که مراتب ۷ ست و تعلق بشخص عمده دارد رسیده ضعیف گردید و مطلوب این [illegible] ضعیف ست گفتم که تو
امروز برای طلب زر قرض بخانه عمده خواهی رفت و ناخوش خواهی شد و [illegible] با [illegible] که مطلوب معاون است
از نظر توانی و بیرون نشسته و [illegible] که نقطه موافق سکن در ۶ برآمده نیز از [illegible] ساقط است و غیر توابی اگرچه
نظر دارد اما هر دو ضعیف اند [illegible] اگر نقطه معاون هست با مطلوب نیز ضعیف پس آن شخص معاونت نخواهد کرد
در ظاهر اگرچه با قرضدار هم قدری ناخوشی ظاهر خواهد گردید لیکن در باطن دوست ست طرفداری او خواهد کرد
زیرا که [illegible] نقطه ۷ که تعلق بقرضدار دارد در باطن هم پیدا میشود [illegible] با این نظر تربیع دارد لیکن آن
قرضدار در شب بخانه تو خواهد آمد اما یک آشنائی چو درا و واسطی قرار داده که تو او را دشمن خود میدانی
چیزی از متاع خواهد داد و چیزی نه زیرا که [illegible] که نقطه ۷ ست در [illegible] هم پیدا شده تعلق بمکان دارد
و نقطه خاک که درست اوست همراه دارد و همین [illegible] صاحب ۱۲ ست که تعلق بدشمنی دارد و نقطه
[illegible] ۵ است که تعلق بواسطه دارد و کیسه سائل که [illegible] ست ضعیف اما نظر دارد و کیسه قرضدار نیز
ضعیف ست اما ناظر و هر دو کیسه اگرچه بالذات ضعیف اند اما باهمدیگر ناظراند لهذا گفته شد
که چیزی خواهد داد و چیزی نه اگرچه رفتن را فایده نخواهد داد لیکن رفتن خواهد شد زیرا که نقطه
حرکت موجود و نقطه مکان معدوم دیگر معلوم میشود که ترا بسبب گرمی ضعف دماغ بهم رسیده

وبسبب ضعف درراه غش آمده باشد ودرعین حرکت همانجا نشستی وبعد ازین حرکت نموده زیراکه نقطه
در آتش نشسته بود ضعیف گردید ومطلوب این که است موجود نیست ازین سبب حرکت موقوف ماند
اما چون هستاره که است درطالع پیدا شده اینجا نیز آب در آتش رفته ضعیف گردید و منسوب بماه است
پس معلوم شد که سبب ضعف دماغ درراه غش خواهد آمد که باعث توقف حرکت خواهد شد وچون نقطه
مکان که ست موجود نیست وجانشین این نقطه حرکت که ست نشسته پس معلوم گردید
که همون جای حرکت مکان خواهد شد اما چون مطلوب جانشین که ست بازش میشود
واو حاضر نیست پس قیام معلوم نمیشود لهذا گفته شد که بسبب ضعف دماغ غش خواهد آمد ودرعین حرکت
همانجا خواهد نشست اما باز حرکت خواهد کرد

مثال ۳ درباب دریافت احوال مال مع احوال
چند سال که چند کس خواهد آمد وچه سوال خواهد کرد وچه جواب باید داد درین ملی زدیم زایچه اینست



چون در که صاحبخانه ۲ ست آمده معلوم شد که امروز
طالع رمال بسیار سعادت دارند وچیزی مال از غائب در خانه نشسته
بدست آید زیراکه درطالع آمده واین شکل سعد اکبر ست وچون
درخانه دوم که تعلق بمال دارد نشسته وشکل خانه درطالع وهفتم نشسته پس معلوم گردید که
از غائب درخانه نشسته چیزی مال رسد دیگر گفتیم که چند کس نزد تو می آید زیراکه قدوم غائب
شکل نشسته وشکل هفتم درطالع آمده چون نقطه حکم درخانه چهارم به رسید قوت تمام از دو جا
ناظر ویکجا ساقط با مطلوب خود حکم برا غلب نمودیم پس نیز دلالت بر قوت طالع دارد وخاک
که تعلق بقدوم غائب دارد با مطلوب خود اگرچه اول ساقط ست اما آخر ناظر بنظر دوستی ست
پس معلوم شد که امروز البته درخانه این بیاید نظر کردیم بنقطه هفتم خاک میشود که درهفتم واول
نشسته نیز دلالت برسیدن غائب میکند اما چون عدد مراتب هشت میشود لهذا معلوم شد
که هشت کس خواهند آمد اما چون تکرار درخانه آتش نموده ومطلوب اینکه ست نیز در آتش
وخاک نشسته پس ... باشند ... گفته ...

شب مانده میخوردی که یک سائل آمده سوال روزگار کرده و تو جواب دادی که بعد از ایام دیر و بیج
در مستقبل شخصی غائب می آید و غائبانه در کار تو سعی خواهد کرد و نوکر تو خواهد شد و ترا اسپ و سلاح خواهد داد
زیرا که تو آنرا با چیز خوردن شریک نموده لفظ دوم منتهی که تعلق بغذا دارد خاک پنج ست و پنج
در هفتم و نهم و دوازدهم پیدا میشود و نقی تعین بگوشت دارد و در خانه هفتم که تعلق بمکان غائب دارد
از باطن پنج که منسوب ببازار ست برآمده لهذا گفته شد که نهاری از بازار طلبیده بودی و پنج در نهم
پیدا شده نیز دلالت بر بازار دارد و چون پنج در دوازدهم که خانه زائل ست و ماضی و تعلق بشب دارد از [illegible]
که منسوب بنان ست برآمده لهذا معلوم شد که نان مانده خوردی و چون هفتم پنج میشود و پنج نیز از بن
در هفتم که تعلق بغائب دارد برآمده و نقطه غذای سائل که خاک پنج میشود در هفتم هشتم مقارن پنج
نشسته پس معلوم شد که سائل را در چیز خوردن شریک خود کرده و چون لفظ خاک پنج که صاحب بیت هم
لهذا گفته شد که سوال روزگار داشت اما چون لفظ روزگار آتش پنج بود در باطن نهم پیدا شده و مطلوب
اینکه [illegible] ست در خانه ششم نشسته نظر تثلیث دارد اگرچه قویست اما در خانه پنج و زائل ظاهر شده
پس از تعمق حصول شود و مستقبل این کم باد [illegible] ست در سیزدهم برآمده نظر تربیع دارد و مطلوب غائبانه
خاک پنج ست در هفتم که طالع سائل ست نشسته نیز نظر تربیع دارد پس معلوم شد که بعد از دیر
شخصی غائب غائبانه سعی نموده نوکری تو خواهد کنانید و چون حاصل نوکر [illegible] ست و لفظ سوار
سائل که سوم ست و لفظ دوازدهم که تعلق باسپ دارد و در ششم که شریک دوازدهم است
و نسبت بسلاح هم دارد و در زایچه نشسته لهذا گفته شد که اسپ و سلاح خواهد داد لیکن چون [illegible]
لفظ دوازدهم می شود و صاحب خانه هفتم ست موافق لکین ابج تعلق بضد دارد
و از طالع سائل ساقط نشسته پس معلوم شد که شخصی ضد نموده این اسپ و یراق
از تو خواهد گرفت دیگر گفتم که تو سائل را یک لوح مسی که بالایش دعا کنده باشد و
او نیز عوض این لوح انگشتری نقره که بالایش نگینی نزد او و تو داد زیرا که نقطه دوم که تعلق
[illegible]

دو جا ساقط و آخر ناظر لهذا او گفتیم که اول سال چیزی از سائل خواهد داد و چون کیسهٔ سائل که شش است
با مطلوب خود که پنج است اول ناظر و آخر بزوال ساقط و مطلوب که کیسهٔ سایل و طالع سال ششست
و شکل کیسه که شش ست و طالع ثانی پنج از ضرب پنج پیدا شده پس معلوم شد که سائل اول چیزی خواهد گرفت
و آخر چیزی بسال خواهد داد لیکن چون پنج انقضاء دوم سال پنج ست و نقی تعلق بمیس دارد و در سهم که خانهٔ
علم است بر آمده و خاک و آتش علو یافته و مریخ منسوب بقطع و کندن ست و از باطن هفتم که تعلق
بسر و گردن سایل دارد پیدا شده لهذا گفته که لوح مسی که بالایش نقش کنده باشند برای انداختن
در گلو سایل او و چون شش سفید و قدری زرد رنگ میباشد و خاک تعلق بکان دارد و آتش که
تعلق بمعدن دارد نشسته و نیز شش منسوب به پوست که مجوف باشد لهذا گفته که انگشتری نقره
که بالایش نگین [illegible] شده باشد سائل ترا داده و شخصی دومی سوال از ملاقات محبوب خواهد کرد و چون [illegible]
تعلق بنقطهٔ ششم دارد و شکل ششم خاک [illegible] میشود که در ششم نشسته و تکرار در ۱۲ و ۲ [illegible] میشود کرده
و خانه ۲ زائل ست و شش صاحب است که تعلق بآشنا دارد و صاحب ده [illegible] که تعلق
محبوب و ملاقات دارد و تکرار در ۲ خود کرده و دال بر بنج و زائل شدن ملاقات ست لهذا گفته
که شخصی دوم سوال از ملاقات محبوب جدا شده خواهد کرد و مثال دوم گفتنی که آن محبوب تو
جای دیگر رفته و با تو دشمنی پیدا کرده زیرا که پنج که نقطهٔ محبوب پنج ست و در ۲ که تعلق بمکان غائب
دارد پیدا شده و در ۹ نیز پیدا شده که [illegible] است این نیز دلالت بر حرکت دارد و در ۱۲ که خانهٔ دشمنی است
و در ۲ [illegible] نیز بر آمده لهذا گفته شد که محبوب جای دیگر رفته و با تو دشمنی دارد و با نظر
کرد و هم نقطهٔ محبوب [illegible] میشود و باطن آتش کار [illegible] غائب ست پیدا شده و چون [illegible]
[illegible] آتش [illegible] محبوب [illegible]
[illegible]
[illegible] سائل [illegible] محبوب [illegible]
و سائل ساقط است لهذا گفته شد که آن محبوب تو در خانهٔ آشنائی [illegible]

زائل نشسته با او دوستی بهم رسانیده از تو بیزار ست لیکن یک مرتبه با تو ملاقات خواهد کرد و باز جدا خواهد شد
و آخرش بعد از دیر از وجدا شده با تو ملاقات خواهد کرد زیرا که ... اول که در ۹ ست از ... ساقط ست
پس بالفعل ملاقات نخواهد شد لیکن در ۱۲ ناظر بنظر تثلیث ... که در ۸ ست و باز ... که در
۴ است ساقط و غیر توالی از ... که در ۴ است با ... که در ۸ ست نظر تسدیس دارد و از محبوب خود
که ... ست در خانهٔ او پیدا شده و غیر توالی که ... در ۹ ست ۱۰ ۱۲ میشود ساقط لهذا گفته شد که از و
جدا شده با تو ملاقات خواهد نمود و شخص سومی سوال از مرض کرده باشد تو در جواب گفتی سائل را
که تو برای کاری در خانهٔ محبوبی رفته بودی زن تو بهمانجا رسیده و در حالت مباشرت سنگی انداخته
بتو زد این مرض بسبب ضربت آن سنگ ست زیرا که شخص ۴ آتش ... ست در ۴ که تعلق بمرض دارد
نشسته لهذا گفته شد که سوال از مرض کرده باشد و چون سوال از مرض بود نظر کردیم بنقطهٔ ۴ ... ...
میشود و ... در باطن ۶ از ضرب ... که سائل ست بر آمده و توالی و غیر توالی در ۷ خود که ۶ اصل از ۱۲
اصل ست بر آمده و در باطن ... ... پیدا شده و همین ... در باطن ۷ که تعلق با زوج دارد بر آمده و ...
منسوب ست بضرب و ... نیز از خانهٔ خود که ۷ ست در ۱۲ آتش ... و چون شکل شخص خارج در طالع آمده
دلالت بر حرکت بی اختیار دارد رجوع کردیم بنقطهٔ حرکت ... آتش ... میشود و ... صاحبخانه ۱ است موافق
ابرج و صاحب ۵ موافق سکن و خود شکل زهره است پس دلالت بر محبوب میکند و چون در خانه که تعلق
بمباشرت دارد نشسته و تکرار در ۳ که خانهٔ سعی ست و ۶ میشود که تعلق بفسق دارد و مطلوب این
که ... ست نیز در خانهٔ ۹ که خبر از حرکت میدهد و همین نقطهٔ مکان میشود و ... در خانهٔ ۸ خود موافق برج آمده
و محبوب اینکه ... ست در مکان غائب که ۵ ۶ میشود نشسته و نیز لفظ مطلوب حرکت در ۴ که خانهٔ پنجم
از ششم میشود این نیز خبر از محبوب میدهد چون در خانهٔ ۷ و ۶ یعنی ۱۲ شکل مرض پیدا شده دانستم که
از سبب زن مریض شده و چون ... که در خانهٔ مرض از ... پیدا شده منسوب بضرب است و
جانشین ... باز همون ... ست که لفظا حرکت ست پس دلالت میکند که بسبب حرکت ضرب شده باشد
و همین لفظا ... تعلق بسر هم دارد و مطلوب اینکه ... ست ساقط ست پس سر مخفی نمانده باشد

اما چون شکل طالع زن بیت از سائل که شش ست ساقط نشسته و حرکت زن با وشش ست که در ۱۳-۱ از ضرب ش
و ش پیدا شده و چون مکان زن باد ش میشود از مطلوب خود که باد ست ساقط نشسته پس زن نیز از مکان خود
حرکت کرده و نقطه مکان سایل نیز ش میشود در ۷ که مکان غائب ست پیدا شده و نقطه ۷ که تعلق به مکان سایل دارد
ش ست و ناپیدا و نقطه شهر مکان مطلوب باد ش میشود در ۱۳ و ۸-۱ از مطلوب خود که باد ش ست ناظر اما ضعیف
و ش با مطلوب خود که ش ست ناظر و قوی و ش ش با هم ناظر اند و ش که تعلق به زن دارد و در خانه ۱۱ که تعلق
به دوست دارد نشسته و از ۱۲ که ۹ و ۱۱ ست خبر از اتصال سفر میدهد در خانه ۳ که تعلق به حرکت دارد نشسته
و از ۱۱ موافق دوره دوازده گانه خانه ۹ میشود که خبر از اتصال میدهد و در باطن ۴ که فی الحقیقت
خانه محبوب و مباشرت ست پیدا شده لهذا گفته شد که سائل برای کار بد در خانه زنی محبوبه رفته باشد
و در عین حالت مباشرت شوهر آن زن ظاهر شده زن شوهر را نمود او را و ش رفته از نفس تنگ دا این مرض از سبب
ضرب همان سنگ ست اما لفظ ۹ ش که ش ست با مطلوب که ش ست ناظر و ساقط گفتم که مرض تو بیک حالت
همی باشد گاهی کم گاهی زیاده و مطلوب مستقبل ش باد ش ست ناظر و قوی ست گفتم که پیشتر زیاده خواهد شد
دیگر گفتم که سایل هم زن خواهد بود زیرا که سائل ۴-آتش ش ست و در ۵ که آبی ست نشسته لهذا گفتم
که زن خواهد بود دیگر گفتم که سوال حمل داشت زیرا که ش صاحب ۱ ست موافق شکل تو در جواب گفتی
که این حمل نخواهد ماند و ساقط خواهد شد زیرا که لفظ حمل آتش ش میشود ضعیف نشسته و در خانه مطلوب خود
که ش ست ساقط ولی اگرچه ناظر ست اما مقابله دارد و این نیز چنان اعتبار ندارد لهذا گفتم که حمل ساقط
خواهد شد دیگر گفتم شوهر تو بجای دیگر میباشد از تو جدا است و نزد زن دوم خود ست زیرا که لفظ شوهر
ش آتش ش میشود در خانه ۱۰ که تعلق به مکان غائب دارد اما چون لفظ حرکت ش باد ش ست
این از نقطه مطلوب خود که ش ست ساقط لهذا گفته شد که در این شهر جای دیگر می باشد
و چون ش از ش ساقط است لهذا گفتم که شوهر تو جدا میباشد و لفظ ۷-آتش ش باد ش میشود
و ش چون مرتبه ۸ دارد خبر از زن ۲ میدهد لهذا گفتم که نزد زن ۲ می باشد و آن زن یک فرزند
نرینه از شوهر دیگر داشت لیکن آن فرزند نیز بوده فوت کرد زیرا که دوم که ش ست فرزند نیز آتش

است و باطن ۱۳ که خانهٔ آتشی ست پیدا شده و مطلوب این که شش ست در ۸ نشسته از نظر ساقط و نه
خود هم از خانه ۷ در خانه ۸ بر آمده که خبر از مرگ میدهد و شش که مطلوب ششم ست در ۶ که تعلق شوهر گذشته دارد
نشسته و در ۱۵ ششم نیز پیدا شده و کرات ششم ساقط است لهذا گفته شد و تو نیز یک دختر کلان داری زیرا که
پنج نقطه ۵ پنج میشود و اما در خانهٔ ک نشسته لهذا دختر گفته شد و این دختر یک پسر دارد و درین روز ها
مریض ست زیرا که ده پنج باد ششم میشود در ۱۲ که خانهٔ مرض ست نشسته و سائل پنجم که نیز مذکر ست اگر
پنج میشود در خانه ۱۱ نشسته و در خانهٔ اول بر آمده اگرچه در ششم هم هست لیکن این هر دو قوت
حکم را غلبه کردیم و این سائل سوال خوف نکرده باشد زیرا که ششم در ۱۰ که تعلق بخوف دارد نشسته
و تکرار در ۱۱ شود که ده لازم از پنج میدهد و این سائل در جائی نوکر بود و آنجا دزدی شده به تهمت
دزدی گرفتار شده لهذا خوف دارد و سوال دارد که ازین خوف خلاص خواهد شد یا نه زیرا که ششم صاحب
۱۱ است که تعلق بمال خویش دارد و در ۱۲ و ۸ نشسته که ۸ دزدیده و در مال غائب تعلق دارد و همین باد
ششم نقطه ۱۰ آتش پنج میشود و نقطه ۱۰ پنج که تعلق بتوبیخ ۱۰ ششم میشود که در ۸ نشسته نقطه ۶ و ۱۰
که تعلق بمال دزدی دارد و آتش زاد دارد و آب ششم میشود نیز در ۸ پیدا شده و ششم که طالع سائل است
سوا قوت ۸ در ۸ عنصر دارد که نسبت پیوند ندارد لهذا گفته شد که جائی نوکر بودی در آنجا دزدی شده
بتو تهمت گرفتار شدی لهذا خوف داری که خلاص خواهم شد یا نه تو در جواب گفتی که بعد از پنج از خوف
خلاص خواهی یافت زیرا که نقطهٔ خوف باد ششم میشود که در ۸ نقطهٔ ۸ نشسته الا از مطلوب خود که باد پنج ست ساقط
نشسته لهذا گفته شد که خلاص خواهد شد سائل ششم ششم نفی خواهد بود که سوال از مراد دیگر شده کرده باشد
زیرا که سائل ۲ ششم میشود در ۹ و ۱۲ پیدا میشود چون ششم آبی هست و در خانهٔ آب نشسته لهذا از گفته
اما چون ۹ و ۱۲ آتشی ست در ۳ و ۵ میشود و در ۱۳ که ۷ و ۹ میشود و تکرار شده لهذا گفته شد
که سوال از مراد دیگر شده تو در جواب گفتی که حالا پیشتر خواهد رفت اما بعد از دیر خواهد آمد
زیرا که نقطهٔ کم شده از پنج باد ششم میشود و در باطن ۱۱ بر آمده و از مطلوب خود که باد ششم
است اول ساقط و آخر ناظر لا انقلاب او که ششم ست حرکت ششم ست و از مطلوب ناظر لیکن نقطهٔ قدوم

غائب که آتش خانه ۵ است نیز با مطلوب خود ناظر است گفته شد که بالفعل پیش تو خواهد رفت اما زود نیز خواهد آمد
سائل هشتم خانه که خواهد بود زیرا که آتش خانه ۵ میشود و در باد نشسته است اما سوال از مال قرض کرده باشد زیرا که خانه ۵ مرتبه داد
که تعلق بمال قرض دارد تو در جواب گفتی که از سبب مال قرض قضیه طول خواهد کشید و آن قضیه با شخصی تو خواهد شد
و آتش ظاهر و رجوع بحاکم خواهند کرد و حاکم هر دو را قید کرده از هر دو مال خواهد گرفت و تو چیزی خواهد یافت زیرا که این شخص
خانه ۵ بوده در آنکه خانه حاکم است نشسته و خانه ۵ صاحب ۵ است که تعلق بقضیه دارد و قرضدار باد [illegible] میشود و نیز دیده که
تعلق بقید دارد و نشسته و [illegible] که صاحب ۱ است و انخانه خود موافق [illegible] ۱۳ [illegible] ۱۲ آتش [illegible] ۱۶ [illegible] ۱
خود نشسته و موافق دوره ۱۲ آتش [illegible]
و چون کیسه سائل خانه ۲ و [illegible] صاحب [illegible] ناظر و ساقط و مطلوب [illegible] نیز [illegible] است ناظر
دو جا و کیسه قرضدار که خانه [illegible] است نیز ناظر و ساقط و [illegible] نیز با کیسه حاکم که [illegible] است ناظر و ساقط و مطلوب [illegible] نیز با مطلوب
خانه ۲ ناظر است لهذا گفته شد که هر دو را قید کرده حاکم مال خواهد گرفت و بعد از قضیه بسیار چیزی بتو خواهد داد و
سائل [illegible] نیز زن خواهد بود و سوال از قید کرده باشد زیرا که نقطه ۵ آتش خانه ۵ میشود که در خانه دوازدهم نشسته
لهذا گفته شد که تو در جواب گفتی که [illegible] گفته باشی از این سبب ترا قید کرده اند یعنی
تهمت فسق بر یک شخص کرده باشی و آن دروغ ثابت شده لهذا ترا قید کرده اند زیرا که نقطه ۱۲ که
تعلق بقید دارد و آب [illegible] است در خانه دهم که تعلق [illegible] دارد پیدا شده و در خانه پنجم است [illegible] نیز در [illegible]
پیدا میشود که تعلق بطالع سائل دارد [illegible] ۱۲ آتش [illegible] است و [illegible] نیز [illegible] کاذب [illegible] تعلق
بفسق هم دارد و چون صاحب خانه پنجم است که تعلق [illegible] دارد و [illegible] خود نشسته که نیز از فسق [illegible]
نطق ندارد و جانشین این [illegible] است اگرچه تعلق دارد لیکن [illegible] خانه [illegible] که تعلق [illegible] دارد نشسته و با مطلوب
خود که [illegible] است در [illegible] ساقط و [illegible] تعلق [illegible] دارد و خانه ۸ تعلق بفسق دارد اما ضعیف نشسته
دلالت بر دروغ گفتن خبر فسق [illegible] لهذا گفته شد که ترا بسبب دروغ گفتن قید [illegible]
اما چون مطلوب خانه [illegible] است ناظر شده ساقط [illegible] لهذا گفته شد که [illegible] خلاص خواهد شد والعلم عند الله

تمام شد کتاب سراج الرمل

رساله هفتم تکسیر الرمل مؤلفه میر عباس دهلوی

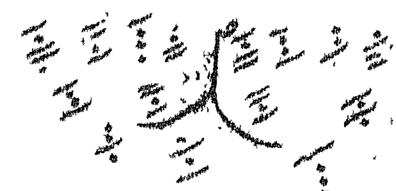
بحر مجتث مثمن مخبون مقطوع | بسم الله الرحمن الرحیم | مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن

اگر سوال ز تکسیر کس بتو آید +
بکشش رمل تو بشد تمام شد کوه
حروف طالع و برج کوکبش برگیر
بگیر حرف تو هفتم و برج و کوکب نیز
تو امتزاج بده حرف هر دو سطر بهم
ولیک حرف ز طالب بحرف مطلوب شد
با بشمنی تو سکان طرف از اخیر سطور
حروف هر سه سوم هفته بنویس
بکش مربع اعداد و ثبت کن تو وداد
بده بطالب کامش را شوی بشتاب
بدشمنی تو بکن نقش را بپوست حمار
خلاف دوستی آید با متزاج حروف
بطالع آمد گهیان بیاض در هفتم
حروف طالع است برج قوس هر نقش نقش
بیاض راست حروف بده برج هر طالعش
دو سطر کردم حاصل ز حرف شکل و بروج
چو امتزاج بدادم سر حروف دو سطر
از آن دو سطر یکی سطر گشت حاصل با
او فلک شروع ز حرف طلسم شد
عفنه آمد عددش مربعه کردم
حواله طالع کردم اکام خویش شوند

که بر محبت تعویذ از رمل چیر کن +
تو شکل طالع و هفتم بجو پیش انپر کن
که طالب آمد مطلوب هفتمی چیر کن
نویس دو سطر و حرف طلسم سر بسر کن
بگیر حروف ز سطر بسطر دیگر کن +
بنه برای محبت چنین ست باور کن
همان طریق به ترتیب نیک باور کن
عدد حروف بنا این سطر کرده بیر کن
بچار ضلعه بجا طلسم هم ور کن +
ولی لکا غذ این نقش را تو استر کن
به نزد آب دفن ساز جا لیش اطهر کن
چنانچه گویم با خویش عمل همسر کن
برای دوستی انداختیم قرعه بگو
ستاره مشتری و حرف در فلک و شب بگو
حروف شکل قمر ست حرف محطون گو
ز پنجم هر دو شکل زبیر و بر بیی یک زو
ولی بمقدم سر حرف طالب ست در و
چو متصل بنوشتیم چنین شده است ازو
برای دوستی الیست حرف متصل او
بچار ضلع طلسمی نمودمش هر سو
بهفته آمده پس شکر گفت آن خوشخو

سنہ ۱۱۶۲

بعکس وقرط جع شرفکس داد	پتمنی ست چنین حکم انفصال بدو



طالب آف	مطلوب ود
برج قوس ح فش	برج سرطان س ک ز
ستاره مشتری و ذ د	ستاره قمر ع ح ط ق

حروف طالب مع حروف برج وستاره طالب	حروف مطلوب مع حروف برج وستاره مطلوب
ا ف ح ف ت س و ذ د	د ر س ک ز ع ز ح د ا ق

امتزاج حروف طالب ومطلوب

ا و ف ا ز ر ح س ف ک ش ز و ع ذ ح ۔ ط و ق

الیاس ... ۱۱۶۴ ...

اتصال حروفات طالب ومطلوب

او فر حفک شروع زحر ط ز ق

اعداد حروف طالب ومطلوب در تعویذ مربع پر کنند تعویذ این است

۲۱ ۱۱۶

۸	۵۰۰۷۶	۵۰۰۷۹	۱
۵۰۰۷۸	۲	۷	۵۰۰۷۷
۳	۵۰۰۸۱	۵۰۰۷۴	۶
۵۰۰۷۵	۵	۴	۵۰۰۸۰

ز ۹۶ ز

۱۱۶۴ ۲۴ منازل ۱۱۴۰ ربع ۵۰۴

قطعہ بجہت ابجد طلسم وترتیب آن

اگر سوال کنی پیش من ز خط طلسم ٭ ببین کہ ابجد او در ابتوا او اساز م

نگاہدار کہ ہر وقت با تو کار آید ٭ سبو شند دل وجان خود فدا سازم

ابجد بخط طلسم

ا ب ج د ہ و ز ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ

۱۱ ۹۸۱۱ باطا ا ھ ۱۱۳۱ ۱۱ ۹۳۱۱ ۹۲۱ ۱ن ۱۱ ۱۱ ۱۱ ز ۸ ط ۸

اشکال معه حروف آن و حروف ستاره و حروف بروج و بخور ستاره و خطوط در جدول نموده است

اشکال با حروف	ستاره مشتری	حروف ستاره و درجه	بروج ثور	[illegible]	بخور ستاره عود زعفران	خطوط اسپند و زعفران
کفا	شمس	لس شطا	اسد	[illegible]	دارچینی عود کلنا	عوده
لع	زحل	اهب	دلو	طاطین	دارچینی عود سیاه	افیون
م	عطارد	لقص	سنبله	رج	عنبر و سنبل شنگرف	سنبل زعفران
ط و	زهره	[illegible] ع	میزان	صفا	لادن صندل سفید	×
ن	زحل	[illegible]	دلو	طاطین	ه	صندل عنبر
لص	زحل	[illegible]	جدی	[illegible]	ه	ه
حق	مریخ	[illegible]	حمل	اجخه	صندل سرخ و غیره	ه
د	قمر	[illegible]	سرطان	سکنه	عود کافور مصری	صندل سرخ
دت	شمس	مس سطا	اسد	[illegible]	ه	کافور مصری
کفش	مشتری		حوت	لود		
ح	ذنب		حمل	اجخه		
بض	مریخ	سک صح	عقرب	رش		
زث	زهره	لقشه ع	ثور	لبص		
س	عطارد	قصص	جوزا	قیص		
ع	قمر	تحطن	سرطان			

خاتمة الطبع

حمد که بنور قبول افروز و بضیای خورشید تابان از ذره کمتر نثار بارگاه قدس الله نور السموات والارض نیاست که درین زمان اشرف آوان رساله شریفه و مجاله انیقه نیاز خاص و عام سراج الرمل نام مصنفه عالم اجل فاضل اکمل مقبول بارگاه ملک جلیل مولانا سید روشن علی مرحوم است در مطبع فیض مجمع مشهور نزدیک و دور صاحب لیاقت و شعور جناب منشی نولکشور صاحب ادام الله اقباله باهتمام تمام و کوشش مالا کلام منشی سید امجد حسین صاحب رضوی مدظله العالی در ماه فروری سنه ۱۸۷۶ع مطابق شهر محرم الحرام سنه ۱۲۹۳ هجری طبع گردیده خریداران شیدا منش کیمیا حکم نقد کیسه باز کرده بخریداری این نسخه فرخ جلد [illegible] زبر چینین مشغول شوند و الا دست تلسف بدندان حسرت خواهند گزید

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

ای کارساز قبلۂ حاجات کارہا آغاز کردہ ام تو رسانی بانتہا

جسکا جنم کرشن پکش میں ہو

	میکھ	برکھ	متھن	کرک	سنگھ	کنیا	تلا	برچھک	دھن	مکر	کنبھ	مین
لابھ	۱۴	۸	۱۱	۵	۸	۱۱	۸	۱۴	۳	۵	۵	۳
خرچ	۱۴	۸	۵	۵	۱۴	۵	۸	۱۴	۹	۲	۲	۹

نام راس یعنی ۱۲ برج

حرف نام متعلق راس

جنتری سنہ ۱۸۸۰ع

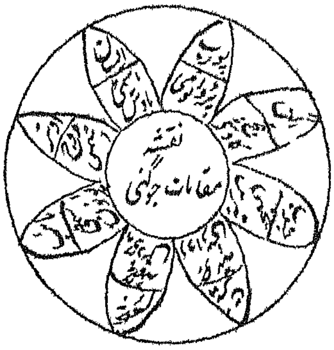
جس کا جنم شکل پکش میں ہو

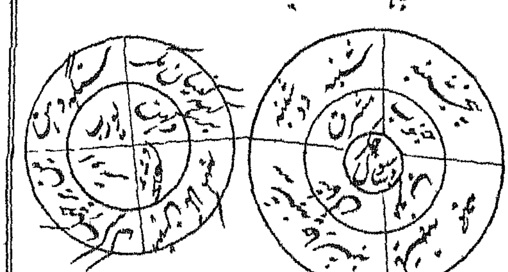
	میکھ	برکھ	متھن	کرک	سنگھ	کنیا	تلا	برچھک	دھن	مکر	کنبھ	مین
لابھ	۸	۲	۸	۲	۵	۸	۱	۱۸	۵	۱۴	۱۴	۵
خرچ	۵	۱۴	۱۱	۸	۵	۱۱	۱۴	۵	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱

در مطبع [illegible] باہتمام منشی [illegible] پرشاد طبع شد

عازم سفر کو دساسول اور جوگنی کے مقابلہ میں جانا زبون ہے جب یہہ دونو پیٹھ پیچھے یا بائیں طرف ہوں اور چندرمان
سنمکھ ہو اُسوقت جانا سب مقاصد کو حسب دلخواہ بنا دیتا ہے اسلئے نقشہ جات مفصلہ ذیل لکھے جاتے ہیں
جنکے دیکھنے سے مقامات دساسول و جوگنی و چندرمان معلوم ہوسکتے ہیں ۰

شرق در شنبہ دوشنبہ جمعہ یکشنبہ غروب
سہ چہار و در شمال پنجشنبہ در جنوب ۰





جاننا چاہیے کہ ہر انسان کو وقت درپیش آنے سفر کے ضرورت دیکھنے ساعت کی ہوتی ہے اسلئے چوگھڑیا
صورت لکھا جاتا ہے اسکے دیکھنے سے معلوم ہوگا کہ دن رات جو ساٹھ گھڑی کا ہوتا ہے وہ سولہ حصوں پر منقسم
ہے اس حساب سے ہر ایک حصہ ڈیڑھ گھنٹہ یعنی پونے چار گھڑی کا ہوئی اور ہر ایک کی تاثیر جداگانہ ہے
اوسکے موافق فائدہ یا نقصان پہونچتا ہے اور الفاظ حصص کے معنی نقشہ ذیل میں مندرج ہیں ۰

دنکا چوگھڑیا صورت — راتکا چوگھڑیہ صورت

دن	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	رات	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یکشنبہ	ادبیگا	چر	لابہ	امرت	کال	شبہ	روگ	ادبیگا	[illegible]	شبہ	امرت	چر	روگ	کال	لابہ	ادبیگا	[illegible]
دوشنبہ	امرت	کال	شبہ	روگ	ادبیگا	چر	لابہ	امرت	[illegible]	چر	روگ	کال	لابہ	ادبیگا	شبہ	امرت	[illegible]
سہ شنبہ	روگ	ادبیگ	چر	لابہ	امرت	کال	شبہ	روگ	[illegible]	کال	لابہ	ادبیگا	شبہ	امرتا	چر	روگ	[illegible]
چہارشنبہ	لابہ	امرتا	کال	شبہ	روگ	ادبیگا	چر	لابہ	[illegible]	ادبیگا	شبہ	امرتا	چر	روگ	کال	لابہ	[illegible]
پنجشنبہ	شبہ	روگ	ادبیگا	چر	لابہ	امرتا	کال	شبہ	[illegible]	امرتا	چر	روگ	کال	لابہ	ادبیگا	شبہ	[illegible]
جمعہ	چر	لابہ	امرتا	کال	شبہ	روگ	ادبیگا	چر	[illegible]	روگ	کال	لابہ	ادبیگا	شبہ	امرتا	چر	[illegible]
شنبہ	کال	شبہ	روگ	ادبیگا	چر	لابہ	امرت	کال	[illegible]	لابہ	ادبیگا	شبہ	امرتا	چر	روگ	کال	[illegible]

کال	شبہ	روگ	ادبیگ	چر	لابہ	امرت
بمعنی	یعنی	یعنی	یعنی	یعنی	یعنی	یعنی
موت	بہتر	بیماری	اودہینگ	ڈاواں ڈول	فائدہ	آبحیات

نقشہ اسٹامپ جو بابت ایکٹ نمبر ۱۸ بابت ۱۸۶۹ء جس کا عملدرآمد یکم اپریل سے ہوا مجریہ گورنمنٹ

نمبر	پٹہ وسرخط وغیرہ — خلاصہ	پٹہ وسرخط وغیرہ — رسم اسٹامپ	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	(الف) جب ایسے پٹہ وغیرہ کی رو سے زرلگان مستقل ہو اور کوئی نذرانہ ادا یا حوالہ نہ ہوا ہو اور پٹہ میں کسی معاد لکھی ہو ایک برس سے کم ہیجائیں تو اگر ایک برس سے نہ کم اور نہ ۳ برس سے زیادہ ہو	وہی رسوم لیجاویگی جو تمسک دفعہ ۱۳ کے لئے مقرر ہے بابت اوس کل تعداد کے جو اوسی پٹہ کی رو سے ادا یا لائق ہو اوسکی کے ہو۔ وہی رسوم جو تمسک دفعہ ۱۳ کے لئے مقرر ہے بابت اوس تعداد کے جو اوسط زرلگان سالانہ مندرجہ پٹہ کے برابر ہو	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	تین برس سے زیادہ ہو	وہی رسوم جو بیعنامہ دفعہ ۱۰ کے لئے مقرر ہے بابت اوس معاوضہ کے جو اوسط لگان سالانہ مندرجہ دستاویز کی تعداد یا مالیت کی برابر ہو	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	(ب) جب پٹہ کی رو سے لگان مستقل اور کوئی نذرانہ ادا یا حوالہ نکیا گیا ہو اور پٹہ کے مضمون سے کوئی میعاد معین ہونا پایا نہ جاوے	وہی رسوم جو بیعنامہ دفعہ ۱۰ کے لئے مقرر ہے جسکا زر معاوضہ اوسط لگان سالانہ کی اوس تعداد یا مالیت کی برابر ہو جو اول دس برس میں اگر پٹہ اوس قدر عرصہ تک قائم رہتا ادا یا حوالہ کیجاتی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	(ج) جب پٹہ بعوض کسی نذرانہ یا پیشکش کے دیا جاوے اور لگان معین مندرج نہ ہو	وہی رسوم جو بیعنامہ دفعہ ۱۰ کے لئے مقرر ہے بابت اوس قدر معاوضہ کے جو نذرانہ یا پیشکش مندرجہ پٹہ کی تعداد یا مالیت کے برابر ہو	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	(د) جب پٹہ علاوہ زرلگان مقرر کے بعوض کسی نذرانہ یا پیشکش کے دیا جاوے	وہی رسوم جو بیعنامہ دفعہ ۱۰ کے لئے مقرر ہے بابت اوس قدر معاوضہ کے جو نذرانہ یا پیشکش مندرجہ پٹہ کی تعداد یا مالیت کی برابر ہو علاوہ اوس رسوم کے جو ایسے پٹہ کی بابت لیجاتی جبکہ کوئی پیشکش ادا یا حوالہ نہ کیا جاتا	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]

تت کال مہورت

اگر کسیکو کسی موقع پر سفر پیش آوے کہ فرصت بچارنے مہورت کی نہ ملی تو عمل مندرجہ ذیل کرے ٭
برای دفع نقص جوگنی اشیاء مندرجہ ذیل کو کھا کر روانہ ہو برای دفع نقص دساسول چیزہاے مندرجہ ذیل کو کھا کر روانہ ہو

سمت روانگی	نام شے	یوم روانگی	نام شے جو کھانا چاہیے ٭
مشرق	قند	یکشنبہ	پان کھاوے
مغرب	خرما	دوشنبہ	آئینہ دیکھے
جنوب	جیرات	سہ شنبہ	گشنیز کھاوے
شمال	شیر	چہارشنبہ	گڑ کھاوے
		پنجشنبہ	دہی کھاوے
		جمعہ	رائی کھاوے
		شنبہ	دال بڑی کھاوے

بیان نحس نچھتروں کا

جو نچھتر اور بہت بڑے ہیں یہانتک کہ اونمین کوئی پیدا ہو تو زندہ نرہیگا تو آباد ہو بہت جلد ویران ہو بیاہ ہو تو دلہن بیوہ ہو بیمار ہو تو شفا نہ پاوے سفر کرے تو مُردیوہی نہ ہو اسلئے انکا جاننا بھی واجبات سے ہے
مول پڑوا بین + بہرنی بچھین میں + کریتکا اسمی میں + روہنی نومی میں + اشلیکہا اشٹمی میں

بچار نو گرہ

نام گرہ	اُدتم یعنی بہتر	مدہم یعنی درجہ اوسط	نکشٹ یعنی ناقص
سورج	۳ ۶ ۱۰ ۱۱	۱ ۲ ۵ ۷ ۹	۴ ۸ ۱۲
چندرماں	۱ ۲ ۳ ۷ ۹ ۱۱	۵ ۶ ۱۰	۴ ۸ ۱۲
منگل	۳ ۶ ۱۰ ۱۱	۱ ۲ ۵ ۷ ۹	۴ ۸ ۱۲
بدھ	۱ ۲ ۳ ۷ ۹ ۱۱	۵ ۶ ۱۰	۴ ۸ ۱۲
برہسپت	۲ ۵ ۷ ۹ ۱۱	۱ ۲ ۶ ۱۰	۴ ۸ ۱۲
شکر	۱ ۲ ۳ ۷ ۹ ۱۱	۵ ۶ ۱۰	۴ ۸ ۱۲
سنیچر	۳ ۶ ۱۰ ۱۱	۱ ۲ ۵ ۷ ۹	۴ ۸ ۱۲
راہ	۳ ۶ ۱۰ ۱۱	۱ ۲ ۵ ۷ ۹	۴ ۸ ۱۲
کیت	۳ ۶ ۱۰ ۱۱	۱ ۲ ۵ ۷ ۹	۴ ۸ ۱۲

[illegible]	[illegible]	۱۸	۴	۴	۴۳	۱۱	[illegible]	۱۱	۴۳	[illegible]	۴۷	۵۳	[illegible]	۱۱/۲۲	۰	۰	۳۵	۵۵	۰
[illegible]	۳	۱۹	۵	۵	۳۰	۵۱	[illegible]	۱۲	۱۳	[illegible]	۴۳	۴۱	۰	۰	۰	۰	۳۵	۵۶	۰
[illegible]	۳	۲۰	۶	۶	۳۸	۲۱	[illegible]	۱۲	۳۱	[illegible]	۳۸	۳۶	[illegible]	۲۶/۲۰	۲۸/۳۰	۰	۳۵	۵۶	۰
[illegible]	۴	۲۱	۷	۷	۲۲	۵۲	[illegible]	۹	۳۵	[illegible]	۴۳	۴۱	۰	۰	۰	۷/۲	۱۵	۵۶	۰
[illegible]	۵	۲۲	۸	۸	۳۰	۲۳	[illegible]	۷	۵۱	[illegible]	۳۶	۸	[illegible]	۳۲/۱۴	۰	۰	۳۶	۰	۰
[illegible]	۶	۲۳	۹	۹	۲۵	۳۹	[illegible]	۴	۲۲	[illegible]	۱۸	۵۸	۰	۰	۵۳/۴۳	۰	۳۶	۱	۰
[illegible]	۷	۲۴	۱۰	۱۰	۱۹	۵۸	[illegible]	۱۲	۳۱	[illegible]	۱۱	۲۶	[illegible]	۴۳/۱۰	۰	۱۹/۵۸	۳۶	۳	۰
[illegible]	۸	۲۵	۱۱	۱۱	۱۳	۱۳	[illegible]	۵۳	۱۵	[illegible]	۳	۴۹	۰	۰	۰	۰	۳۶	۴	[illegible]
[illegible]	۹	۲۶	۱۱	۱۱	۸	۱۹	[illegible]	۳۸	۳۸	[illegible]	۴۷	۵۰	[illegible]	[illegible]	۰	۰	۱۶	۵	۰
[illegible]	۱۰	۲۷	۱۳	۱۳	۳/۴۶	۲۹/۴	[illegible]	۴۳	۴۰	[illegible]	۳۰	۱۱	۰	۰	۱/۱۹	۱۹/۶	۱۶	۶	۰
[illegible]	۱۱	۲۸	۱۲	[illegible]	۵۲	۷	[illegible]	۴۱	۴۹	[illegible]	۳۳	۵۳	—	۵۵/۴۳	۰	۰	۲۶	۸	[illegible]
[illegible]	۱۱	۲۹	۱۵	[illegible]	۴۶	۵۳	[illegible]	۳۸	۴۹	[illegible]	۳۴	۷	۰	۰	۰	۰	۳۶	۹	[illegible]
[illegible]	۱۲	۳۰	۱۳	۲	۴۳	۲۲	[illegible]	۳۷	۱	[illegible]	۳۰	۱	۰	۰	۰	۰	۳۶	۱۱	
[illegible]	۱۳	[illegible]	۱۶	۲	۴۲	۱۱	[illegible]	۳۶	۱۲	[illegible]	۱۲	۲۹	[illegible]	۳۶/۴	۰	۰	۱۶	۱۲	
[illegible]	۱۵	۱	۱۸	۳	۴۰	۱	[illegible]	۳۴	۳۱	[illegible]	۱۰	۹	۰	۰	۱۱/۶	۵/۴	۱۶	۱۳	[illegible]
[illegible]	۱۶	۳	۱۹	۵	۲۱	۸	[illegible]	۳۸	۵	[illegible]	۴	۳۸	[illegible]	۲۲/۲۱	۰	۰	۱۶	۱۵	
[illegible]	۱۷	۴	۲۰	۶	۴۱	۳۳	[illegible]	۴۰	۵۷	[illegible]	۳	۶	۰	۰	۰	۰	۳۶	۱۶	
[illegible]	۱۸	۵	۲۱	۷	۴۵	۱۳	[illegible]	۴۳	۵۶	[illegible]	۳	۴۰	[illegible]	۴۳/۵۶	۴۵/۱۲	۰	۳۴	۱۷	
[illegible]	۱۹	۶	۲۲	۸	۴۹	۱	[illegible]	۵۰	۶	[illegible]	۱	۵۲	۰	۰	۰	۱۲/۶	۶	۱۹	
[illegible]	۲۰	۷	۲۳	۹	۵۲	۴۲	[illegible]	۵۵	۵۷	[illegible]	۳	۳۱	۰	۰	۰	۰	۳۶	۲۰	
[illegible]	۲۱	۸	۲۴	۱۰	۵۸	۵۹	[illegible]	۶۰	۰	[illegible]	۳	۱۲	[illegible]	۱۲/۳۳	۰	۰	۳۶	۲۱	
[illegible]	۲۲	۹	۲۵	۱۱	۶۰	۰	[illegible]	۲	[illegible]	[illegible]	۴	۲۹	۰	۰	۳۱/۴۲	۰	۳۶	۲۳	
[illegible]	۲۳	۱۰	۲۶	۱۱	۴	۳۶	[illegible]	۷	۵۹	[illegible]	۵	۵۳	[illegible]	۳۳/۳۸	۰	۲۴/۲۶	۳۶	۲۴	[illegible]
[illegible]	۲۴	۱۱	۲۷	۱۲	۹	۳۷	[illegible]	۱۵	۰	[illegible]	۷	۴۳	۰	۰	۰	۰	۱۶	۲۵	[illegible]
[illegible]	۲۵	۱۲	۲۸	۱۳	۱۳	۷	[illegible]	۲۰	۴۷	[illegible]	۷	۴۳	۰	۰	۰	۰	۳۶	۲۹	
[illegible]	۲۶	۱۳	۲۹	۱۴	۱۶	۳۹	[illegible]	۲۵	۲۳	[illegible]	۷	۴۳	[illegible]	۹/۱۴	۱۶/۳۹	۴۸/۵۱	۳۶	۱۳	
[illegible]	۲۷	۱۴	۳۰	[illegible]	۲۰	۵	[illegible]	۲۸	۵۳	[illegible]	۶	۴۸	۰	۰	۰	۰	۳۶	۳۷	[illegible]
[illegible]	۲۸	۱۵	۱	[illegible]	۱۱	۳۳	[illegible]	۳۴	۳	[illegible]	۴	۵۶	[illegible]	۳۱/۲	۰	۰	۳۶	۴۰	
[illegible]	۲۹	۱۶	۱	۳	۲۰	۵۹	[illegible]	۱۶	۴۳	[illegible]	۳	۷	۰	۰	۱۲/۲۷	۰	۳۶	۴۳	
[illegible]	۳۰	۱۶	۳	۳	۱۹	۴۳	[illegible]	۳۱	۴۵	[illegible]	۵۳	۲۴	[illegible]	۳۴/۱۶	۰	۱۹/۱۳	۳۶	۱/۴۶	[illegible]
[illegible]	۳۱	۱۸	۴	۴	۱۶	۵۵	[illegible]	۲۹	۴۹	[illegible]	۳۸	۲	۰	۰	۰	۰	۱۶	۵۰	

یوم				[illegible] ۱۹۳۷			نچھتر			جوگ			چندرما		بیدا		دن مان		کیفیت
یکشنبہ	یکم	۱۹	۵	۵	۱۳	۴۳	ہست	۲۸	۱۱	دھرت	۴۱	۴۲	تلا	۵۶/۱۰	۰	۰	۲۶	۵۳	
دوشنبہ	۲	۲۰	۶	۶	۸	۵۵	چترا	۲۷	۱۰	شول	۳۴	۴۰	۰	۰	۹/۵۲	۳۶/۲۳	۲۶	۵۶	لگا سواتی لگن
سہ شنبہ	۳	۲۱	۷	۷/۸	۳	۵۲	سواتی	۲۳	۳۷	گنڈ	۲۷	۲۹	۰	۰	۰	۰	۲۶	۵۹	
چہارشنبہ	۴	۲۲	۸	۹	۵۲	۲۳	بساکھا	۱۹	۴۷	بردھ	۲۹	۳۴	برچھک	۵/۵۴	۰	۰	۲۷	۲	لگا انرادھا لگن
پنجشنبہ	۵	۲۳	۹	۱۰	۴۲	۳۶	انرادھا	۱۴	۳۷	دھرو	۱۱	۴۵	۰	۰	۱۹/۲۰	۴۲/۴۶	۲۶	۵	
جمعہ	۶	۲۴	۱۰	۱۱	۴۰	۴۲	جیشٹا	۹	۲۰	بیاگھات	۳	۵۳	دھن	۹/۲۰	۰	۰	۲۶	۹	برت [illegible]
شنبہ	۷	۲۵	۱۱	۱۲	۳۵	۱۶	مول	۵	۲۶	بجر	۴۱	۴۴	۰	۰	۰	۰	۲۶	۱۳	
یکشنبہ	۸	۲۶	۱۲	۱۳	۳۱	۲۱	پوربا کھاڑا	۷	۰	سدھی	۴۱	۴۲	مکر	۱۶/۳۶	۳۰/۲۱	۵۸/۱۶	۲۶	۱۵	برت پردوش
دوشنبہ	۹	۲۷	۱۳	۱۳	۲۲	۱۷	شرون	۵۴	۱۳	بیتی پات	۳۵	۳۴	۰	۰	۰	۰	۲۶	۱۹	[illegible]
سہ شنبہ	۱۰	۲۸	۱۴	اماوس	۲۲	۵۴	دھنشٹا	۵۶	۹	بریان	۲۹	۴۹	کمبھ	۲۶/۲۱	۰	۰	۲۶	۲۱	[illegible]
چہارشنبہ	۱۱	۲۹	۱۵	[illegible]	۴۰	۳۶	شتبھکا	۵۹	۴۲	پرگھ	۲۵	۱۲	۰	۰	۰	۰	۲۶	۲۵	[illegible]
پنجشنبہ	۱۲	[illegible]	۱۶	۲	۱۹	۳۲	پوربا بھادرپد	۵۵	۵۵	شیو	۲۱	۱۶	مین	۴۲/۹	۰	۰	۲۶	۲۹	کمبھ [illegible] ۳۵
جمعہ	۱۳	۲	۱۷	۳	۱۹	۴	اترا بھادرپد	۶۰	۰	سدھ	۱۸	۴۲	۰	۰	۵۰/۳۰	۰	۲۶	۳۲	
شنبہ	۱۴	۳	۱۸	۴	۲۱	۱۶	[illegible]	۱	۹	سادھ	۱۹	۵۵	۰	۰	۰	۲۱/۱۷	۲۶	۳۴	لگا ریوتی لگن ۱
یکشنبہ	۱۵	۴	۱۹	۵	۲۳	۵۹	ریوتی	۳	۳۵	شبھ	۱۶	۵	میکھ	۳/۵۴	۰	۰	۲۶	۳۷	بسنت پنچمی تعطیل عام
دوشنبہ	۱۶	۵	۲۰	۶	۳۶	۵۰	اسونی	۸	۳۸	شکل	۱۶	۱۴	۰	۰	۰	۰	۲۶	۴۰	
سہ شنبہ	۱۷	۶	۲۱	۷	۳۳	۲۳	بھرنی	۱۴	۳۵	برہم	۱۶	۵۸	برکھ	۳۱/۸	۳۲/۳۳	۰	۲۶	۴۳	لگا کرتکا لگن ۳۰ گہ
چہارشنبہ	۱۸	۷	۲۲	۸	۳۵	۳۸	کرتکا	۳۰	۴۷	اندر	۱۸	۱۳	۰	۰	۰	۵/۱۰	۲۶	۴۶	
پنجشنبہ	۱۹	۸	۲۳	۹	۴۴	۱۳	روہنی	۲۵	۲۳	بیدھرت	۱۹	۴۱	متھن	۵۵/۴۳	۰	۰	۲۶	۵۰	
جمعہ	۲۰	۹	۲۴	۱۰	۴۸	۱۹	مرگسر	۳۲	۵۴	بشکمبھ	۲۱	۰	۰	۰	۰	۰	۲۶	۵۴	
شنبہ	۲۱	۱۰	۲۵	۱۱	۵۲	۴۲	آردرا	۳۹	۳۹	پریت	۲۱	۵۵	۰	۰	۲۰/۳۰	۵۲/۴۲	۲۶	۵۷	برت جیا ایکادشی ۱۱
یکشنبہ	۲۲	۱۱	۲۶	۱۲	۵۶	۶	پونرباس	۴۴	۱۱	آیشمان	۲۲	۱۲	کرک	۲۸/۱۰	۰	۰	۲۷	۰	
دوشنبہ	۲۳	۱۲	۲۶	۱۳	۵۹	۳۲	پکھ	۴۸	۱۵	سوبھاگ	۲۱	۳۸	۰	۰	۰	۰	۲۷	۴	برت پردوش بدہ
سہ شنبہ	۲۴	۱۳	۲۸	۱۴	۵۹	۱۹	اشلیکھا	۵۰	۵۵	شوبھن	۲۱	۱۰	سنگھ	۵۰/۵۵	۵۹/۱۸	۰	۲۷	۸	
چہارشنبہ	۲۵	۱۴	۲۹	[illegible]	۵۸	۵۶	مگھا	۵۱	۱۷	اتگنڈ	۱۷	۴۰	۰	۰	۰	۲۹	۲۷	۱۲	لگا پھاگن ۱۱
پنجشنبہ	۲۶	۱۵	[illegible]	[illegible]	۵۰	۲۳	پوربا پھالگنی	۵۲	۳	سکرما	۱۴	۱۰	۰	۰	۰	۰	۲۷	۱۷	
جمعہ	۲۷	۱۶	۲	۳	۵۳	۵۱	اترا پھالگنی	۵۱	۵۰	دھرت	۹	۴۳	کنیا	۹/۵۴	۰	۰	۲۷	۲۰	[illegible]
شنبہ	۲۸	۱۷	۳	۳	۵۰	۵۷	ہست	۴۹	۵۴	شول	۴	۲۵	۰	۰	۴۲/۴۹	۵۰/۱۷	۲۷	۲۳	ساکھا ہست لگن
یکشنبہ	۲۹	۱۸	۳	۳	۴۶	۲۳	چترا	۴۷	۲	بردھ	۵۱	۴۰	تلا	۱۴/۵۸	۰	۰	۲۷	۲۸	[illegible]
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰

مارچ

سنہ ۱۸۸۰ء

ایام	[illegible]	[illegible]	[illegible]	پیاکرن سنبت ۱۹۳۶			نچھتر			جوگ			چندرما		بھدرا		دنمان		کیفیت
[illegible]	[illegible]	۱۹	۵	۵	۴۰	۱۶	[illegible]	۴۲	۳۴	دھرو	۳۴	۳۷	۰	۰	:	۰	۳۸	۳۲	
[illegible]	۲	۲۰	۶	۶	۳۵	۳۶	[illegible]	۳۸	۳۰	بیاگھات	۳۷	۳۹	برچھک	۲۲/۳۸	۳۵/۳۶	۰	۳۸	۳۶	
[illegible]	۳	۲۱	۷	۷	۳۳	۴۴	[illegible]	۳۰	۳۲	ہرکھن	۲۱	۱۲	۰	۰	۰	۲/۳۹	۲۸	۳۰	[illegible]
[illegible]	۴	۲۲	۸	۸	۲۹	۴۲	[illegible]	۴۳	۴۳	بجر	۱۹	۴	دھن	۳/۴۴	۰	۰	۲۸	۴۴	
[illegible]	۵	۲۳	۹	۹	۱۷	۵۶	[illegible]	۲۶	۲۲	سدھی	۱۳	۲۳	۰	۰	۲۵/۴	۰	۲۸	۴۸	
[illegible]	۶	۲۴	۱۰	۱۰	۱۲	۲۵	[illegible]	۲۲	۵۲	بیتی پات	۶	۳	مکر	۳۶/۷	۰	۱۲/۲۵	۲۸	۵۲	
[illegible]	۷	۲۵	۱۱	۱۱	۷	۴۱	[illegible]	۱۹	۵۳	بریان	۵۲	۳۹	۰	۰	۰	۰	۲۸	۵۶	[illegible] ۱۱
[illegible]	۸	۲۶	۱۲	۱۲	۳	۲۱	[illegible]	۱۷	۴۶	شیو	۴۶	۵۵	کنبھ	۴۷/۸	۰	۰	۲۹	۰	[illegible]
[illegible]	۹	۲۷	۱۳	۱۳	۵۷	۴۴	[illegible]	۱۶	۳۱	سدھ	۴۲	۱	۰	۰	۱۲/۰	۲۸/۵۴	۲۹	۴	[illegible]
[illegible]	۱۰	۲۸	۱۴	[illegible]	۵۴	۴۳	[illegible]	۱۶	۲۵	سادھ	۳۸	۲	۰	۰	۰	۰	۲۹	۸	[illegible]
[illegible]	۱۱	۲۹	۱۵	[illegible]	۵۶	۵۷	[illegible]	۱۷	۱۷	شبھ	۳۵	۲	مین	۱۰/۱	۰	۰	۲۹	۱۲	
[illegible]	۱۲	۳۰	۱۶	۲	۵۸	۳۰	[illegible]	۱۰	۴۵	شکل	۳۳	۳۳	۰	۰	۰	۰	۲۹	۱۶	[illegible]
[illegible]	۱۳	[illegible]	۱۷	۳	۴۱	۰	[illegible]	۲۳	۱۱	برہم	۲۲	۵	میکھ	۲۳/۲۱	۰	۰	۲۹	۲۰	
[illegible]	۱۴	۲	۱۸	۳	۱	۱۴	[illegible]	۲۷	۵۵	اینڈر	۳۱	۵۶	۰	۰	۳۳/۱۰	۰	۲۹	۲۳	
[illegible]	۱۵	۳	۱۹	۴	۵	۷	[illegible]	۴۴	۲۸	بیدھرت	۳۲	۳۷	برکھ	۵۰/۱۴	۰	۵/۷	۲۹	۲۸	[illegible]
[illegible]	۱۶	۴	۲۰	۵	۹	۴۸	[illegible]	۴۰	۴۱	بشکمبھ	۳۷	۴۷	۰	۰	۰	۰	۲۹	۳۲	
[illegible]	۱۷	۵	۲۱	۶	۱۳	۵۷	[illegible]	۴۶	۳۰	پریت	۱۵	۱۸	متھن	۱۹/۳۲	۰	۰	۲۹	۳۶	
[illegible]	۱۸	۶	۲۲	۷	۲۰	۲۹	[illegible]	۵۲	۵۹	[illegible]	۳۶	۳۴	۰	۰	۲۰/۱۹	۵۲/۴۷	۲۹	۴۰	
[illegible]	۱۹	۷	۲۳	۸	۳۵	۱۵	[illegible]	۵۸	۴۱	سوبھاگ	۳۷	۵۳	۰	۰	۰	۰	۲۹	۴۴	[illegible]
[illegible]	۲۰	۸	۲۴	۹	۳۶	۳۳	[illegible]	۴۰	۰	شوبھن	۳۸	۲۷	کرک	۴۴/۳۰	۰	۰	۲۵	۴۸	
[illegible]	۲۱	۹	۲۵	۱۰	۳۲	۴۶	=	۳	۴۳	اتگنڈ	۳۸	۱۱	۰	۰	۰	۰	۲۹	۵۲	
[illegible]	۲۲	۱۰	۲۶	۱۱	۳۳	۵۷	[illegible]	۴	۴۳	سکرما	۳۷	۵	۰	۰	۳/۲۱	۳۳/۴۷	۲۹	۵۶	[illegible]
[illegible]	۲۳	۱۱	۲۷	۱۲	۳۵	۴۴	[illegible]	۱۰	۳۳	دھرت	۳۳	۵۶	سنگھ	۱۰/۳۳	۰	۰	۳۰	۰	
[illegible]	۲۴	۱۲	۲۸	۱۳	۳۵	۱۲	[illegible]	۱۲	۷	شول	۳۱	۳۷	۰	۰	۰	۰	۳۰	۴	[illegible]
[illegible]	۲۵	۱۳	۲۹	۱۴	۳۳	۲۹	[illegible]	۱۲	۴۱	گنڈ	۲۸	۳۹	کنیا	۲۶/۱۸	۴۳/۱۹	۰	۳۰	۸	
[illegible]	۲۶	۱۴	۳۰	[illegible]	۳۰	۳۹	[illegible]	۱۲	۲۰	بردھ	۲۱	۳۹	۰	۰	۰	۴/۳۰	۳۳	۱۲	[illegible]
[illegible]	۲۷	۱۵	[illegible]	[illegible]	۲۶	۵۳	[illegible]	۶	۴۱	دھرو	۱۶	۵۰	تلا	۳۸/۳۱	۰	۰	۳۰	۱۶	
[illegible]	۲۸	۱۶	۲	۲	۲۲	۱۳	[illegible]	۶	۱	بیاگھات	۱۰	۲۱	۰	۰	۲۹/[illegible]	۰	۳۰	۲۰	
[illegible]	۲۹	۱۷	۳	۳	۱۶	۵۳	[illegible]	۳	۴۰	ہرکھن	۳	۱۷	برچھک	۴۸/۴۹	۰	۱۹/۵۳	۳۰	۲۴	
[illegible]	۳۰	۱۸	۴	۴	۱۲	۲۳	[illegible]	۴۵	۴۶	سدھی	۴۶	۷	۰	۰	۰	۰	۳۰	۲۸	[illegible]
[illegible]	۳۱	۱۹	۵	۵	۵	۳۵	[illegible]	۵۱	۳۴	بیتی پات	۳۰	۲۵	دھن	۵۱/۳۴	۰	۵۹/۳۱	۳۰	۳۲	

روز	[illegible]	[illegible]	[illegible]	چیت بدی سمبت ۱۹۳۶			نچھتر			جوگ			چندرماں		بھدرا		دنمان		کیفیت
				تتھ	گھڑی	پل	نام	گھڑی	پل	نام	گھڑی	پل	[illegible]	[illegible]	ابتدا	انتہا	گھڑی	پل	
پنجشنبہ	یکم	۳۰	۶	۷	۵۳	۳۸	مول	۳۶	۴۲	بریان	۳۲	۴۳	۰	۰	۰	۲۸ ۳۸	۳۰	۳۶	
جمعہ	۲	۲۱	۷	۸	۴۹	۸	پوروا کھاڑ	۴۳	۵۳	پرگیہ	۴۴	۱۷	۰	۰	۰	۰	۳۰	۴۰	
شنبہ	۳	۲۲	۸	۹	۴۳	۲۸	اترا کھاڑ	۴۰	۴۸	شیو	۱۸	۱۳	مکر	۵۸ ۶	۰	۰	۳۰	۴۴	
یکشنبہ	۴	۲۳	۹	۱۰	۳۸	۱۴	شرون	۳۸	۲۹	سدھ	۱۱	۴۳	۰	۰	۰	۰	۳۰	۳۸	
دوشنبہ	۵	۲۴	۱۰	۱۱	۳۳	۳۲	دھنشٹا	۳۶	۰	سادھ	۴	۵۱	۰	۰	۲۲ ۲۱	۵۰ ۴	۳۰	۵۲	
سہ شنبہ	۶	۲۵	۱۱	۱۲	۳۳	۱۳	شتبھکھا	۳۶	۴	سکرما	۰	۴۶	کمبھ	۴۴	۰	۰	۳۰	۵۶	پاپ موچنی اکادشی
چہارشنبہ	۷	۲۶	۱۲	۱۳	۳۲	۹	پوروا بھادرپد	۳۷	۳۶	بجر	۵۳	۲۱	مین	۲۲ ۱۸	۱۴ ۳۰	۰	۳۱	۰	
پنجشنبہ	۸	۲۷	۱۳	۱۴	۳۳	۲۰	اترا بھادرپد	۳۹	۱۹	ابیاد	۵۱	۵۷	۰	۰	۰	۴ ۲۸	۳۱	۴	
جمعہ	۹	۲۸	۱۴	اماوس	۳۲	۹	ریوتی	۴۲	۳۸	بیدھرت	۴۹	۵۷	میکھ	۲۴ ۱۴	۰	۰	۳۱	۸	
شنبہ	۱۰	۲۹	۱۵	[illegible]	۳۶	۱۸	اسونی	۴۷	۴	وشکمبھ	۴۹	۳۶	۰	۰	۰	۰	۳۱	۱۶	چیترا نوراتر کا برت
یکشنبہ	۱۱	۳۰	۱۶	۲	۴۰	۱۹	بھرنی	۵۲	۳۱	پریت	۵۰	۵۵	۰	۰	۰	۰	۳۱	۲۰	سنکرانت [illegible] ۱۸
دوشنبہ	۱۲	[illegible]	۱۷	۳	۴۴	۳۸	کرتکا	۵۸	۴۷	آیشمان	۵۱	۲۴	برکھ	۹ ۱۱		۰	۳۱	۲۳	
سہ شنبہ	۱۳	۲	۱۸	۴	۴۹	۴۳	روہنی	۱۱	۹	سوبھاگ	۵۲	۵۵	۰	۰	۱۷ ۱	۴۵ ۵۴	۳۱	۲۸	
چہارشنبہ	۱۴	۳	۱۹	۵	۵۴	۵۴	=	۵	۱۵	شوبھن	۱۴	۳۲	متھن	۳۸ ۳۵	۰	۰	۳۱	۳۲	
پنجشنبہ	۱۵	۴	۲۰	۶	۵۹	۴۹	مرگسرا	۱۱	۴۵	اتگنڈ	۵۵	۵۰	۰	۰	۰	۰	۳۱	۳۶	
جمعہ	۱۶	۵	۲۱	۷	۶۰	۰	آردرا	۱۷	۴۷	سکرما	۵۶	۴۱	۰	۰	۰	۰	۳۱	۴۰	
شنبہ	۱۷	۶	۲۲	۷	۴	۱	پنربس	۲۲	۸	دھرت	۵۹	۴۲	کرک	۶ ۳	۰	۰	۳۱	۴۴	
یکشنبہ	۱۸	۷	۲۳	۸	۷	۸	پکھ	۲۷	۲۹	سول	۵۵	۵۶	۰	۰	۰	۰	۳۱	۴۸	درگا اشٹمی
دوشنبہ	۱۹	۸	۲۴	۹	۹	۱۳	اشلیکھا	۳۰	۲۳	گنڈ	۵۴	۶	سنگھ	۲۰ ۲۳	۰	۰	۳۱	۵۲	رام نومی
سہ شنبہ	۲۰	۹	۲۵	۱۰	۹	۵۴	مگھا	۳۲	۱۲	بردھ	۵۱	۱۷	۰	۰	۴۹ ۴۵	۰	۳۱	۵۶	
چہارشنبہ	۲۱	۱۰	۲۶	۱۱	۹	۱۴	پوروا پھالگنی	۳۳	۴۶	دھرو	۴۷	۲۷	کنیا	۴۸ ۵۶	۰	۹ ۱۴	۳۲	۰	کامدا ایکادشی برت
پنجشنبہ	۲۲	۱۱	۲۷	۱۲	۷	۳۴	اترا پھالگنی	۳۳	۸	بیاگھات	۴۲	۴۳	۰	۰	۰	۰	۳۱	۲	پردوش برت
جمعہ	۲۳	۱۲	۲۸	۱۳	۴	۳۲	ہست	۳۱	۳۸	ہرشن	۳۸	۴۴	۰	۰	۰	۰	۳۱	۹	
شنبہ	۲۴	۱۳	۲۹	۱۴	۵۵	۳۸ ۵۶	چترا	۲۸	۵۸	بریان	۳۰	۵۳	تلا	۳۳	۲۵	۰	۳۲	۶	
یکشنبہ	۲۵	۱۴	[illegible]	[illegible]	۵۱	۳۳	سواتی	۲۵	۴۳	سدھ	۲۴	۳	۰	۰	۰	۰	۳۲	۱۲	
دوشنبہ	۲۶	۱۵	۳	۲	۴۴	۵۶	بساکھا	۲۱	۲	بیتی پات	۱۶	۴۶	برچھک	۷ ۱۲	۰	۰	۳۲	۱۸	
سہ شنبہ	۲۷	۱۶	۳	۳	۳۸	۴۰	انرادھا	۱۴	۱	بجر	۹	۱۳	۰	۰	۱۱ ۴۹	۳۹ ۳۰	۳۲	۱۹	[illegible]
چہارشنبہ	۲۸	۱۷	۴	۴	۳۲	۳۵	جیشٹھا	۱۲	۴۶	پرگیہ	۱	۲۸	دھن	۱۲ ۴۴	۰	۰	۳۲	۲۲	
پنجشنبہ	۲۹	۱۸	۵	۶	۲۶	۲۵	مول	[illegible]	۴۴	سدھ	۴۶	۳۲	۰	۰	۰	۰	۳۲	۲۵	
جمعہ	۳۰	۱۹	۶	۶	۳۱	۲	پوروا کھاڑ	۵	۰	سادھ	۳۹	۱۳	مکر	[illegible]	۰	۰	۳۲	۱	
۰		۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰

مئی ۹ ۱۸۹۰ء

				بیاسد سمت ۱۹۴۷			نچھتر			جوگ			چندرماں		بھدرا		دنمان		کیفیت
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	
[illegible]		۲۰	۷	۷	۱۵	۵۶	[illegible]	۱	۳۶	شبھ	۳۳	۳۶	۰	۰	۰	۰	۳۲	۳۲	
[illegible]	۲	۲۱	۸	۹	۱۱	۳۰	[illegible]	۵۶	۳۳	شکل	۳۶	۳۰	کنبھ	۲۸/۲۴	۰	۰	۳۲	۳۵	
[illegible]	۳	۲۲	۹	۹	۹	۱۳	[illegible]	۵۶	۵۳	برھم	۲۱	۲۶	۰	۰	۴۴/۱	۰	۳۲	۳۸	
[illegible]	۴	۲۳	۰	۱۰	۵	۵۰	[illegible]	۵۵	۳۳	ایندر	۱۶	۳۰	مین	۳۲/۱۵	۰	۵/۵۰	۳۲	۴۱	
[illegible]	۵	۲۴	۱۱	۱۱	۴	۴۱	[illegible]	۵۹	۹	بیدہرت	۱۳	۲۸	۰	۰	۰	۰	۳۲	۴۴	
[illegible]	۶	۲۵	۱۲	۱۲	۴	۴۶	[illegible]	۶۰	۰	بشکم	۱۶	۱۵	۰	۰	۰	۰	۳۲	۴۷	برت اکادشی ۱۱
[illegible]	۷	۲۶	۱۳	۱۳	۶	۱۳	〃	۳	۱۱	پریت	۹	۵۹	میکھ	۲/۱۲	۴/۱۳	۳۶/۵۸	۳۲	۵۱	
[illegible]	۸	۲۷	۱۴	۱۴	۷	۴۴	[illegible]	۶	۳۰	ایسمان	۹	۳۲	۰	۰	۰	۰	۳۲	۵۴	
[illegible]	۹	۲۸	۱۵	[illegible]	۱۲	۳۷	[illegible]	۱۲	۳۷	سوبھاگ	۱۰	۱	[illegible]	۲۱/۳۲	۰	۰	۳۲	۵۷	ستو اماوس
[illegible]	۱۰	۲۹	۱۶	[illegible]	۱۴	۲	کرتکا	۱۶	۳۶	سوبھی	۱۱	۹	۰	۰	۰	۰	۳۲	۵۹	چندر درشن [illegible]
[illegible]	۱۱	[illegible]	۱۷	دوج	۲۲	۱	روہنی	۳۲	۹	اتگنڈ	۱۲	۴۱	[illegible]	۴۴/۲۳	۰	۰	۳۲	۱	
[illegible]	۱۲	۲	۱۸	۳	۲۷	۶	مرگسر	۳۰	۲۱	سکرما	۱۴	۳۰	۰	۰	۵۹/۳۲	۰	۳۲	۴	ابھی سنکرانت [illegible]
[illegible]	۱۳	۳	۱۹	۴	۳۱	۵۸	آردرا	۳۶	۵۵	دھرت	۵۱	۵۰	۰	۰	۰	۳۱/۵۸	۳۲	۷	
[illegible]	۱۴	۴	۲۰	۵	۳۶	۴	پنربس	۴۲	۲۲	شول	۱۶	۰	کرک	۲۹/۴۰	۰	۰	۳۲	۱۰	
[illegible]	۱۵	۵	۲۱	۶	۳۹	۶	[illegible]	۳۶	۵۱	گنڈ	۱۷	۹	۰	۰	۰	۰	۳۲	۱۳	
[illegible]	۱۶	۶	۲۲	۷	۴۱	۷	اشلیکھا	۵۰	۱۱	بردھ	۱۶	۳۱	سنگھ	۵۱/۱۱	۱۴/۷	۰	۳۲	۱۷	
[illegible]	۱۷	۷	۲۳	۸	۲۱	۳۶	مگھا	[illegible]	۱۳	دھرو	۱۵	۲۰	۰	۰	۰	۱۱/۳۴	۳۲	۱۰	ساہا مگھا لگن ۱۱
[illegible]	۱۸	۸	۲۴	۹	۴۱	۵	[illegible]	۳۰	۴	بیاگھات	۱۲	۲۰	۰	۰	۰	۰	۳۲	۲۳	
[illegible]	۱۹	۹	۲۵	۱۰	۹	۱۵	[illegible]	۵۲	۳۰	ہرشن	۸	۴۶	کنیا	۱۶/۲	۰	۰	۳۲	۲۶	
[illegible]	۲۰	۱۰	۲۶	۱۱	۳۶	۱۶	ہست	۵۱	۱۰	بجر	۴	۳۶	۰	۰	۴۵/۲	۳۶/۱۶	۳۲	۲۹	برت اکادشی [illegible]
[illegible]	۲۱	۱۱	۲۷	۱۲	۳۲	۱۹	چترا	۴۸	۵۳	سدھ	۵۳	۵	تلا	۲۰/۱	۰	۰	۳۲	۳۳	
[illegible]	۲۲	۱۲	۲۸	۱۳	۲۷	۳۳	[illegible]	۴۵	۴۸	بتی پات	۴۶	۲۶	۰	۰	۰	۰	۳۲	۳۶	
[illegible]	۲۳	۱۳	۲۹	۱۴	۲۲	۱۱	بساکھا	۴۲	۱۱	بریان	۳۹	۱۳	[illegible]	۴۴/۰	۲۳/۱۴	۴۵/۱۰	۳۲	۳۷	
[illegible]	۲۴	۱۴	۳۰	[illegible]	۱۷	۳۹	انرادھا	۳۸	۱	پرگھ	۳۱	۴۵	۰	۰	۰	۰	۳۲	۳۹	[illegible]
[illegible]	۲۵	۱۵	[illegible]		۱۱	۱۵	[illegible]	۴۴	۰	[illegible]	۲۴	۹	[illegible]	۴۳	۰	۰	۳۲	۴۰	ساہا مول لگن ۱۱
[illegible]	۲۶	۱۶	۲	۳	۴	۲	مول	۲۹	۵۵	سادھ	۱۴	۲۱	۰	۰	۳۱/۱	۱۸/۰	۳۲	۴۲	
[illegible]	۲۷	۱۷	۳	۴	۵۲	۱۹	[illegible]	۶	۷	شبھ	۹	۳	مکر	۳۰/۱۴	۰	۰	۳۲	۴۳	گنیش چوتھ
[illegible]	۲۸	۱۸	۴	۵	۴۷	۱۰	[illegible]	۲۲	۲۳	شکل	۱	۵۰	۰	۰	۰	۰	۳۲	۴۴	
[illegible]	۲۹	۱۹	۵	۳	۴۲	۴۴	[illegible]	۳۰	۰	ایندر	۲۹	۲	کنبھ	۴۴/۵	۲/۳۴	۰	۳۲	۴۲	
[illegible]	۳۰	۲۰	۶	۶	۳۶	۱۲	[illegible]	۱۸	۱۱	بیدہرت	۳۴	۵۱	۰	۰	۰	۵۸/۱۰	۳۲	۴۷	
[illegible]	۳۱	۲۱	۷	۸	۴۵	۴۱	[illegible]	۴۴	۱۵	[illegible]	۳۹	۴۱	۰	۰	۰	۰	۳۲	۴۹	

یوم	جون	[illegible]	[illegible]	جیٹھ بدی سمت ۱۹۷۳ تتھ	گھڑی	پل	نچھتر نام	گھڑی	پل	جوگ نام	گھڑی	پل	چندرماں نام راس	گھڑی پل	بھدرا ابتدا گھڑی پل	بھدرا انتہا گھڑی پل	دن مان گھڑی	پل	کیفیت
سہ شنبہ	۱	۲۲	۸	۹	۳۵	۲۴	پوربا بھادرپد	۱۷	۴۹	پریت	۳۵	۴۹	مین	۲/۳۵	۰	۰	۲۳	۳۹	
چہارشنبہ	۲	۲۳	۹	۱۰	۳۶	۰	اوترا بھادرپد	۱۸	۵۶	آیوشمان	۳۴	۱۱	۰	۰	۵/۴۲	۰	۳۳	۵۱	ماہ ریوتی لگن
پنجشنبہ	۳	۲۴	۱۰	۱۱	۳۶	۳۷	ریوتی	۲۱	۴۰	سوبھاگ	۳۱	۴۸	میکھ	۱۹/۱۱	۰	۳۶	۳۳	۵۲	
جمعہ	۴	۲۵	۱۱	۱۲	۳۸	۳۱	اسونی	۲۵	۳۹	شوبھن	۳۱	۱۵	۰	۰	۰	۰	۳۳	۵۳	
شنبہ	۵	۲۶	۱۲	۱۳	۴۱	۳۵	بھرنی	۳۰	۴۰	اتی گنڈ	۳۱	۱۷	۰	۴۶/۷	۳۲/۳۵	۰	۳۳	۵۵	
یکشنبہ	۶	۲۷	۱۳	۱۴	۴۷	۳	کرتکا	۳۶	۳۰	سکرما	۳۲	۲۸	برکھ	۰	۰	۰	۳۳	۵۶	
دوشنبہ	۷	۲۸	۱۴	اماوس	۵۱	۵۹	روہنی	۴۲	۵۵	دھرت	۳۴	۱۰	۰	۰	۰	۱۴/۴۹	۳۳	۵۷	
سہ شنبہ	۸	۲۹	۱۵	[illegible]	۵۷	۵	مرگسرا	۴۹	۱۲	شول	۳۵	۵۳	متھن	۱۹/۱۳	۰	۰	۳۳	۵۹	چندر درشن [illegible]
چہارشنبہ	۹	۳۰	۱۶	۲	۶۰	۰	آردرا	۵۵	۲۸	گنڈ	۳۷	۲۵	۰	۰	۰	۰	۳۴	۰	☾
پنجشنبہ	۱۰	[illegible]	۱۷	۳	۱	۵۱	پونربس	۶۰	۰	بردھ	۳۸	۳۲	۰	۵۴/۵۵	۰	۰	۳۴	۱	
جمعہ	۱۱	۲	۱۸	۳	۵	۵۶	〃	۱	۲۴	دھرو	۳۹	۱	کرک	۰	۳۷/۲۸	۰	۳۴	۲	
شنبہ	۱۲	۳	۱۹	۴	۹	۲	پکھیہ	۵	۴۲	ویاگھات	۳۸	۳۱	۰	۰	۰	۰	۳۴	۳	سنکرانت متھن از
یکشنبہ	۱۳	۴	۲۰	۵	۱۱	۰	اشلیکھا	۹	۱۴	ہرشن	۳۷	۱۸	سنگھ	۹	۰	۹/۱	۳۴	۴	
دوشنبہ	۱۴	۵	۲۱	۶	۱۱	۴۰	مگھا	۱۱	۵۹	بجر	۳۴	۵۸	۰	۰	۰	۰	۳۴	۴	[illegible]
سہ شنبہ	۱۵	۶	۲۲	۷	۱۱	۱	پوربا پھاگن	۱۳	۱	سدھ	۳۱	۳۸	کنیا	۳۶/۵۸	۱۱/۱	۰	۳۴	۶	
چہارشنبہ	۱۶	۷	۲۳	۸	۹	۱۰	اترا پھاگن	۱۲	۵۳	ویتی پات	۲۷	۸	۰	۰	۰	۴۰/۵	۳۴	۷	
پنجشنبہ	۱۷	۸	۲۴	۹	۶	۱۲	ہست	۱۱	۳۶	وریان	۲۲	۷	تلا	۴۴/۷	۰	۰	۳۴	۹	
جمعہ	۱۸	۹	۲۵	۱۰/۱۱	۲	۱۵	چترا	۹	۱۹	پرگھ	۱۶	۱۶	۰	۰	۲۹/۵۲	۰	۳۴	۱۱	متھن سکے سنکرانت ۲۶ [illegible]
شنبہ	۱۹	۱۰	۲۶	۱۲	۵۲	۶	سواتی	۶	۳۶	شیو	۹	۳۸	برشچک	۴۸/۴۳	۰	۵۶/۴۹	۳۴	۱۲	[illegible]
یکشنبہ	۲۰	۱۱	۲۷	۱۳	۴۶	۳۳	بساکھا	۲	۵۸	سدھ	۲	۳۴	۰	۰	۰	۰	۳۴	۱۳	
دوشنبہ	۲۱	۱۲	۲۸	۱۴	۴۰	۳۷	جیشٹھا	۵۴	۵۲	شبھ	۴۷	۳۶	۰	۵۳/۵۲	۴۰/۳۰	۰	۳۴	۱۵	●
سہ شنبہ	۲۲	۱۳	۲۹	پورن	۳۳	۵	مول	۵۰	۴۲	شکل	۳۹	۵۸	دھن	۰	۰	۰	۳۴	۱۶	چندر گرہن [illegible]
چہارشنبہ	۲۳	۱۴	[illegible]	۱	۲۷	۴۸	پوربا کھاڑا	۴۶	۴۷	برہم	۳۲	۳۹	۰	۰	۰	۹/۵۶	۳۴	۱۵	
پنجشنبہ	۲۴	۱۵	۲	۳	۲۲	۰	اترا کھاڑا	۴۳	۱۶	اندر	۲۵	۱۶	مکر	۵۴/۰	۴۹/۴۳	۰	۳۴	۱۴	
جمعہ	۲۵	۱۶	۳	۳	۱۶	۴۶	سرون	۴۰	۳۸	ویدھرت	۱۸	۳۲	۰	۰	۰	۰	۳۴	۱۲	گنیش چوتھ
شنبہ	۲۶	۱۷	۴	۴	۱۲	۱۸	دھنشٹھا	۳۵	۱۹	وشکمبھ	۱۲	۳۳	کمبھ	۹/۳۰	۰	۱۴/۳۰	۳۴	۱۱	
یکشنبہ	۲۷	۱۸	۵	۵	۸	۳۸	ستبھکا	۳۷	۹	پریت	۶	۵۴	۰	۰	۰	۰	۳۴	۹	
دوشنبہ	۲۸	۱۹	۶	۶	۶۰	۰	پوربا بھادرپد	۲۷	۴	آیوشمان	۲	۱۶	مین	۲۲/۴	۴	۰	۳۴	۸	
سہ شنبہ	۲۹	۲۰	۷	۷	۴	۳۶	اترا بھادرپد	۳۸	۱۲	شوبن	۵۵	۵۰	۰	۰	۰	۳۶/۱۸	۳۴	۷	
چہارشنبہ	۳۰	۲۱	۸	۸	۴	۲۲	ریوتی	۴۰	۳۸	اتی گنڈ	۵۴	۷	میکھ		۰	۰	۳۴	۵	
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰

جولائی ۱۱ سنہ ۱۸۸۰ع

ایام	[illegible]	[illegible]	[illegible]	اساڑھ و ... سمبت ۱۹۳۷			نچھتر			جوگ			چندرما		[illegible]		دن مان		کیفیت
				تتھ	گھڑی	پل	نام	گھڑی	پل	نام	گھڑی	پل	نام راس	گھڑی پل	ابتدا گھڑی پل	[illegible] گھڑی پل	گھڑی	پل	
پنجشنبہ	یکم	۲۲	۹	۹	۵	۳۲	اسوینی	۲۳	۲۲	سکرما	۵۲	۴	۰	۰	۳۶ ۲۲	۰	۳۴	۴	
جمعہ	۲	۲۳	۱۰	۱۰	۷	۵۲	بھرنی	۴۶	۶	دہرت	۵۳	۳۴	۰	۰		۷ ۵۳	۳۴	۳	
شنبہ	۳	۲۴	۱۱	۱۱	۱۱	۱۹	کرتکا	۵۴	۴۸	شول	۵۳	۳۵	برکھ	۵ ۳۱	۰	۰	۳۴	۱	ہرا اکادشی
یکشنبہ	۴	۲۵	۱۲	۱۲	۱۵	۱۹	روہنی	۶۰	۰	گنڈ	۵۵	۵۴	۰	۰	۰	۰	۳۴	۰	
دوشنبہ	۵	۲۶	۱۳	۱۳	۳۰	۳۰	″	۱	۵	بردھ	۵۷	۳۶	متھن	۳۲ ۲۲	۳۰ ۳	۵۳ ۲	۳۳	۵۹	
سہ شنبہ	۶	۲۷	۱۴	۱۴	۳۵	۳۶	مرگسر	۷	۳۹	دہرو	۵۹	۹	۰	۰	۰	۰	۳۳	۵۷	
چہارشنبہ	۷	۲۸	۱۵	ماوس	۳۰	۳۶	آردرا	۱۴	۱	بیاگھات	۶۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳۳	۵۶	ہریالی ماوس
پنجشنبہ	۸	۲۹	۱۶	اساڑھ سدی ۱		۳۹	پونرس	۱۹	۴۹	″	۰	۲۲	کرک	۳ ۲۲	۰	۰	۳۳	۵۵	سنکرانت ... ۵۴ ۳۴ پ
جمعہ	۹	۳۰	۱۷	۲	۳۷	۳۹	پکھ	۲۴	۴۱	ہرکھن	۰	۲۹	۰	۰	۰	۰	۳۳	۵۴	چندر درشن برت ... پیترا
شنبہ	۱۰	یکم شاون	۱۸	۳	۳۹	۴۱	اشلیکھا	۲۸	۳۳	بجر	۰	۳۴	سنگھ	۳۸ ۳۳	۰	۰	۳۳	۵۳	
یکشنبہ	۱۱	۲	۱۹	۴	۴۰	۳۵	مگھا	۳۱	۸	سدھ	۵۶	۲۹	۰	۰	۱۰ ۳۹	۳۴ ۱۵	۳۳	۵۲	
دوشنبہ	۱۲	۳	۲۰	۵	۳۹	۵۰	پوربا پھالگنی	۳۲	۲۶	بیتپات	۵۴	۲۰	کنیا	۴۷ ۱۹	۰	۰	۳۳	۵۱	
سہ شنبہ	۱۳	۴	۲۱	۶	۳۸	۳۱	اوترا	۳۲	۳۴	پرگھ	۰	۹	۰	۰	۰	۰	۳۳	۵۰	کرک سنکرانت ۱۵ ... ۳۰ ...
چہارشنبہ	۱۴	۵	۲۲	۷	۲۵	۲۲	ہست	۳۰	۳۱	شیو	۳۵	۱۰	۰	۰	۳۵ ۸	۰	۳۳	۴۹	سنکرانت کرک ... ۳۰ م
پنجشنبہ	۱۵	۶	۲۳	۸	۳۱	۳۱	چترا	۳۹	۳۵	سدھ	۳۹	۲۴	تلا	۳	۰	۳ ۱۰	۳۳	۴۸	
جمعہ	۱۶	۷	۲۴	۹	۲۶	۲۸	سواتی	۲۶	۱۵	سادھ	۳۲	۵۷	۰	۰	۰	۰	۳۳	۴۷	
شنبہ	۱۷	۸	۲۵	۱۰	۳۱	۸	بساکھا	۲۲	۱۹	شبھ	۳۵	۵۶	برچھک	۵۰ ۱۲	۳۸ ۱۱	۰	۳۳	۴۶	
یکشنبہ	۱۸	۹	۲۶	۱۱	۱۵	۱۳	انورادھا	۱۹	۳۴	شکل	۱۸	۵۴		۰	۰	۱۵ ۱۴	۳۳	۴۵	... دوج ...
دوشنبہ	۱۹	۱۰	۲۷	۱۲	۹	۶	جیشٹھا	۱۱	۷	برہم	۱۱	۱	دھن	۱۵ ۱۹	۰	۰	۳۳	۴۴	
سہ شنبہ	۲۰	۱۱	۲۸	۱۴ ۱۳	۲۰	۵۸	مول	۱۱	۷	اندر	۳	۳۲	۰	۰	۵۶ ۴۳	۰	۳۳	۴۳	
چہارشنبہ	۲۱	۱۲	۲۹	پورنماشی	۵۰	۵۸	پورباکھاڑھا	۷	۵	بیدہرت	۲۸	۳۱	مکر	۲۱ ۰	۰	۳۳ ۵۰	۳۳	۴۲	بیاس پوجن ... پورنو
پنجشنبہ	۲۲	۱۳	یکم [illegible]		۱۵	۴۲	اوتراکھاڑھا	۳۰	۳۷	[illegible]	۴۱	۳۵	۰	۰	۰	۰	۳۳	۴۰	
جمعہ	۲۳	۱۴	۳	۲	۴۱	۷	شرون	۰	۳۳	[illegible]	۳۵	۱۳	کنبھ	۲۹ ۱۶	۰	۰	۳۳	۳۹	شبرات ...
شنبہ	۲۴	۱۵	۳	۳	۳۷	۳۷	دھنشٹھا	۵۶	۴۲	سوبھاگ	۲۹	۳۵	۰	۰	۹ ۷	۵۷ ۲۹	۳۳	۳۷	
یکشنبہ	۲۵	۱۶	۴	۴	۴۳	۴۴	شت بھکھا	۵۶	۲۲	سوبھن	۳۴	۳۵	مین	۴۱ ۲۷	۰	۰	۳۳	۳۵	
دوشنبہ	۲۶	۱۷	۵	۵	۳۳	۱۴	پوربا بھادرپد	۵۶	۱۵	اتگنڈ	۳۰	۴۹	۰	۰	۰	۰	۳۳	۳۳	
سہ شنبہ	۲۷	۱۸	۶	۶	۳۸	۵۶	ریوتی	۵۹	۲۰	سکرما	۱۶	۵۱	میکھ	۵۹ ۲۰	۳۳ ۵۰	۰	۳۳	۲۹	
چہارشنبہ	۲۸	۱۹	۷	۷	۳۴	۱	اسوینی	۳۰	۰	دہرت	۱۵	۵۳	۰	۰	۰	۳۳ ۲۸	۳۳	۲۶	
پنجشنبہ	۲۹	۲۰	۸	۸	۳۶	۳	اسوینی	۲	۴۰	شول	۱۴	۵۹	۰	۰	۰	۰	۳۳	۲۳	
جمعہ	۳۰	۲۱	۹	۹	۳۸	۳۹	بھرنی	۷	۱۳	گنڈ	۱۴	۵۶	برکھ	۳۳ ۳۵	۰	۰	۳۳	۲۳	
شنبہ	۳۱	۲۲	۱۰	۱۰	۳۳	۵۴	کرتکا	۱۱	۴۳	بردھ	۱۵	۴۰	۰	۰	۱۱ ۱۰	۳۳ ۵۳	۳۳	۱۷	

یوم	تاریخ			نشان سمت ۱۹۳۷ تتھ	گھڑی	پل	نچھتر	گھڑی	پل	جوگ	گھڑی	پل	چندرمان راس	گھڑی پل	بھدرا		دن مان گھڑی	پل	کیفیت
یکشنبہ	۱	۲۳	۱۱	۱۱	۴۸	۴۷	روہنی	۱۸	۵۴	دھرو	۱۶	۵۸	متھن	۵۲/۹	۰	۰	۳۳	۴	برت اکادشی ۱۱
دوشنبہ	۲	۲۴	۱۲	۱۲	۵۳	۴۱	مرگسر	۳۵	۲۵	بیاگھات	۱۸	۳	۰	۰	۰	۰	۳۳	۳	
سہ شنبہ	۳	۲۵	۱۳	۱۳	۵۸	۴۰	آدرا	۳۱	۵	ہرشن	۲۰	۱۹	۰	۰	۵۸/۴۴	۰	۳۳	۱	
چہارشنبہ	۴	۲۶	۱۴	۱۴	۶۰	۰	پنربس	۳۷	۲۵	بجر	۲۱	۲۲	کرک	۲۱/۲۵	۰	۳۰/۴۱	۳۳	۰	
پنجشنبہ	۵	۲۷	۱۵	۱۴	۲	۵۲	پکھہ	۳۲	۵۴	سدھی	۲۲	۶	۰	۰	۰	۰	۳۳	۵۹	
جمعہ	۶	۲۸	۱۶	پادوں	۶	۳۶	اشلیکھا	۳۶	۲۷	بیتی پات	۳۰	۰	سنگھ	۴۶/۵۷	۰	۰	۳۲	۵۷	سنگھ کی سنکرانت ۱۸ گھڑی ۳۴ پل
شنبہ	۷	۲۹	۱۷	۲ ۳	۸	۱۶	مگھا	۴۹	۴۸	پریتی	۱۹	۳	۰	۰	۰	۰	۳۱	۵۶	چندر درشن روز شنبہ
یکشنبہ	۸	بہادوں	۱۸	۲	۹	۱۸	پوروا پھالگن	۵۱	۲۷	پرگھہ	۱۵	۴	۰	۰	۰	۰	۳۲	۵۵	
دوشنبہ	۹	۲	۱۹	۳	۸	۴۲	اترا پھالگن	۵۱	۵۱	سیو	۱۱	۳	کنیا	۶/۳۳	۳۶/۵۷	۰	۳۲	۵۴	
سہ شنبہ	۱۰	۳	۲۰	۴	۷	۳۲	ہست	۵۱	۲	سدھ	۶	۳	۰	۰	۰	۷/۳۲	۳۲	۵۳	
چہارشنبہ	۱۱	۴	۲۱	۵	۴	۱۲	چترا	۴۹	۴۳	سادھ	۵۴	۵	تلا	۳۰/۱۲	۰	۰	۳۲	۵۲	
پنجشنبہ	۱۲	۵	۲۲	۴ ۷	۰	۲۲	سواتی	۴۶	۲۴	شکل	۴۷	۷	۰	۰	۵۵/۳۴	۰	۳۲	۵۱	
جمعہ	۱۳	۶	۲۳	۸	۵۰	۲۴	بساکھا	۴۳	۱۵	برہم	۳۹	۱۱	برچھک	۲۹/۴	۰	۳۳/۳	۳۲	۵۰	
شنبہ	۱۴	۷	۲۴	۹	۴۴	۳۶	انرادھا	۳۹	۲۶	ایندر	۳۲	۵۲	۰	۰	۱	۰	۳۲	۴۹	[illegible]
یکشنبہ	۱۵	۸	۲۵	۱۰	۳۸	۳۹	جیشٹھا	۳۵	۱۹	بیدھرت	۲۴	۱۹	دھن	۳۵/۱۹	۰	۰	۳۲	۴۸	[illegible]
دوشنبہ	۱۶	۹	۲۶	۱۱	۳۲	۱۸	مول	۳۱	۶	بسکمبھ	۱۴	۳۶	۰	۰	۵/۴۳	۳۴/۱۸	۳۲	۴۷	برت پوترا اکادشی
سہ شنبہ	۱۷	۱۰	۲۷	۱۲	۲۵	۱۰	پوروا کھاڑ	۲۷	۲	پریت	۳۰	[illegible]	مکر	۳۴/۳۵	۰	۰	۳۲	۴۶	
چہارشنبہ	۱۸	۱۱	۲۸	۱۳	۲۰	۲۴	اترا کھاڑ	۳۳	۸	ایسماں	۲	۳۰	۰	۰	۰	۰	۳۲	۴۵	
پنجشنبہ	۱۹	۱۲	۲۹	۱۴	۱۵	۹	شرون	۳۰	۳	سوبھاگ	۵۰	۳۸	کنبھ	۳۸/۴۹	۵۱/۹	۳۴/۵۱	۳۲	۴۴	
جمعہ	۲۰	۱۳	۳۰	پورنما	۱۰	۴۳	دھنشٹھا	۱۷	۳۵	گمنڈ	۴۵	۴	۰	۰	۰	۰	۳۲	۴۳	رکشا بندھن
شنبہ	۲۱	۱۴	[illegible]	[illegible]	۶	۵۰	شتبھکھا	۱۵	۱۵	سکرما	۴۵	۵۹	۰	۰	۰	۰	۳۲	۴۳	
یکشنبہ	۲۲	۱۵	۲	۲	۴	۹	پوروا بھادرپد	۱۵	۵۹	دھرت	۳۸	۴۵	مین	۲۵	۳۳/۳۲	۰	۳۲	۴۰	
دوشنبہ	۲۳	۱۶	۳	۳	۲	۳۵	اترا بھادرپد	۱۵	۵۴	شول	۳۶	۱۴	۰	۰	۰	۶	۳۲	۳۹	گنیش چوتھ
سہ شنبہ	۲۴	۱۷	۴	۴	۳	۱۵	ریوتی	۱۷	۴۲	گنڈ	۳۵	۱۹	میکھ	۴۶/۴	۰	۰	۳۲	۳۷	
چہارشنبہ	۲۵	۱۸	۵	۵	۳	۱۸	اسونی	۳۰	۳۶	بردھ	۳۴	۵	۰	۰	۰	۰	۳۱	۳۵	
پنجشنبہ	۲۶	۱۹	۶	۶	۵	۳۱	بھرنی	۲۴	۵۶	دھرو	۳۵	۲۴	برکھ	۱۲/۱۵	۵/۳۱	۳۶/۳۳	۳۱	۳۲	
جمعہ	۲۷	۲۰	۷	۷	۹	۵۵	کرتکا	۳۰	۱۲	بیاگھات	۳۶	۴۲	۰	۰	۰	۰	۳۱	۲۹	
شنبہ	۲۸	۲۱	۸	۸	۱۳	۱۱	روہنی	۳۶	۱۰	ہرشن	۳۷	۱۶	۰	۰	۵۰	۰	۳۱	۱۶	برت جنم اشٹمی (نصف الیوم)
یکشنبہ	۲۹	۲۲	۹	۹	۱۸	۵	مرگسر	۵۶	۱	بجر	۳۱	۵۶	متھن	۹/۶	۵۰/۳۹	۰	۳۱	۲۳	
دوشنبہ	۳۰	۲۳	۱۰	۱۰	۱۴	۱۳	آدرا	۴۹	۷	سدھی	۳۹	۴۳	۰	۰	۰	۴۳	۳۱	۲۰	
سہ شنبہ	۳۱	۲۴	۱۱	۱۱	۳۸	۹	پنربس	۵۵	۱۳	بیتی پات	۴۰	۵۰	کرک	۴۹/۴۱	۰	۰	۳۱	۱۷	برت اکادشی، کنیا سنکرانت ۱۱ گھڑی ۴۵ پل

یوم	تاریخ	[illegible]	[illegible]	سمت ۱۹۳۰ بھادوں بدی: تتھ	گھڑی	پل	نچھتر	گھڑی	پل	جوگ	گھڑی	پل	کرن	گھڑی پل	بیدا		دنمان گھڑی	پل	کیفیت
[illegible]	یکم	۲۵	۱۲	۱۲	۳۱	۲۵	[illegible]	۶۰	۰	پریان	۳۱	۳۸	۰	۰	۰	۰	۳۱	۱۸	
[illegible]	۲	۲۶	۱۳	۱۳	۳۵	۴۵	//	۰	۳۴	پرگھ	۳۱	۳۱	۰	۰	۲۵/۲۸	۰	۳۰	[illegible]	
[illegible]	۳	۲۷	۱۴	۱۴	۳۶	۳۶	اشلیکھا	۴	۳۱	شیو	۳۰	۵۰	شکنی	۱۴/۵	۰	۹/۱۰	۳۱	۲۰	
[illegible]	۴	۲۸	۱۵	باوس	۳۹	۰	مگھا	۸	۱	سدھ	۳۹	۱	۰	۰	۰	۰	۳۱	۱۶	[illegible]
[illegible]	۵	۲۹	۱۶	[illegible]	۳۸	۴۲	پوربا پھالگنی	۹	۵۶	سادھ	۳۶	۰	[illegible]	۲۵	۰	۰	۳۱	۱۳	
[illegible]	۶	۳۰	۱۷	۲	۳۷	۱۴	اترا پھالگنی	۱۰	۲۳	شبھ	۳۲	۴۰	۰	۰	۰	۰	۳۱	۸	چندر درشن
[illegible]	۷	[illegible]	۱۸	۳	۳۳	۲۹	ہست	۱۰	۲	شکل	۲۸	۳۱	[illegible]	۴۲/۱۲	۰	۰	۳۱	۴	ہرتالکا تیج عید الفطر
[illegible]	۸	۲	۱۹	۴	۳۰	۳۶	چترا	۱۰	۲۳	برہم	۲۳	۲۱	۰	۰	۲/۳۷	۳۰/۵۹	۳۱	۵	
[illegible]	۹	۳	۲۰	۵	۲۶	۲۶	سواتی	۹	۱۲	ایندر	۱۲	۱۲	[illegible]	۵/۳۳	۰	۰	۳۰	۵۶	[illegible]
جمعہ	۱۰	۴	۲۱	۶	۲۱	۱	بساکھا	۵	۵۹	بیدھرتی	۱۰	۳۹	۰	۰	۰	۰	۳۰	۵۲	دیو چھٹ
[illegible]	۱۱	۵	۲۲	۷	۱۵	۱۸	انورادھا	۵۵	–	بشکمبھ	۳	۴۳	[illegible]	۵۵/۰	۱۵/۱۸	۳۲/۱۹	۳۰	۳۹	[illegible]
[illegible]	۱۲	۶	۲۳	۸	۹	۱۵	[illegible]	۱	۳۹	آیوش	۲۶	۹	۰	۰	۰	۰	۳۰	۳۴	[illegible]
[illegible]	۱۳	۷	۲۴	۹/۱۰	۳/۴۷	۸/۶	پورباکھاڑا	۳۴	۳۸	سوبھاگ	۳۹	۳۸	۰	۰	۰	۰	۳۰	۴۳	
[illegible]	۱۴	۸	۲۵	۱۱	۵۱	۲۱	اتراکھاڑا	۳۴	۵۵	سوبھن	۳۰	۵۳	[illegible]	۸/۳۹	۲۴/۱۳	۵۱/۲۱	۳۰	۳۰	سنکرانت کنیا [illegible]
[illegible]	۱۵	۹	۲۶	۱۲	۳۱	۷	سرون	۳۹	۲۰	اتگنڈ	۲۳	۳۸	۰	۰	۰	۰	۳۰	۳۴	[illegible]
[illegible]	۱۶	۱۰	۲۷	۱۳	۳۱	۲۱	دھنشٹا	۳۶	۳۷	سکرما	۱۶	۵۴	[illegible]	[illegible]	۰	۰	۳۰	۳۲	برت پردوش
[illegible]	۱۷	۱۱	۲۸	[illegible]	۳۷	۴۹	[illegible]	۳۳	۲۶	دھرت	۱۰	۴۹	۰	–	۳۷/۳۹	۰	۳۰	۲۸	اننت چودس
[illegible]	۱۸	۱۲	۲۹	پورنو	۳۵	۳۱	پوربا بھادرپد	۱۳	۵۳	سول	۵	۲۹	بو	۱۹/۷	۰	۷/۱۶	۳۰	۲۴	[illegible]
[illegible]	۱۹	۱۳	[illegible]	[illegible]	۲۳	۳۱	اترا بھادرپد	۳۳	۶	گنڈ	۰	۵۷	۰	۰	۰	۰	۳۰	۱۰	
[illegible]	۲۰	۱۴	۲	۲	۳۴	۱۳	ریوتی	۳۵	۳۶	دھرو	۵۴	۵۱	[illegible]	۳۵/۳۶	۰	۰	۳۰	۱۶	
[illegible]	۲۱	۱۵	۳	۳	۳۴	۱۲	اسونی	۳۸	۲۳	بیاگھات	۵۳	۱۳	۰	–	۳/۴۴	۳۴/۱۴	۳۰	۱۲	[illegible]
[illegible]	۲۲	۱۶	۴	۴	۲۶	۳۳	بھرنی	۴۲	۱۹	ہرکھن	۵۲	۴۳	[illegible]	۵۹/۴۳	۰	۰	۳۰	۹	
[illegible]	۲۳	۱۷	۵	۵	۳۹	۵۸	کرتکا	۴۷	۲۱	بجر	۵۳	۰	۰	۰	۰	۰	۳۰	۴	
[illegible]	۲۴	۱۸	۶	۶	۴۴	۱۸	روہنی	۵۳	۱۳	سدھ	۵۳	۵۵	۰	۰	۴۴/۱۸	۰	۲۹	۰	
[illegible]	۲۵	۱۹	۷	۷	۴۹	۱۱	مرگسر	۵۹	۳۴	بیتی پات	۵۵	۱۶	[illegible]	۲۶/۴۴	۰	۱۴/۴۴	۲۹	۵۶	
[illegible]	۲۶	۲۰	۸	۸	۵۴	۳۰	آردرا	۶۰	۰	بریان	۵۶	۴۶	۰	۰	۰	۰	۲۹	۵۲	مہالکشمی برت
[illegible]	۲۷	۲۱	۹	۹	۵۹	۳۰	آردرا	۶	۹	پرگھ	۵۶	۱	[illegible]	۲۵/۴۱	۰		۲۹	۳۸	ماتر نومی
[illegible]	۲۸	۲۲	۱۰	۱۰	۴۰	۰	پونربس	۱۲	۲۱	شیو	۵۹	۰	۰	۰	۴۳/۴۲	۰	۲۹	۴۳	
[illegible]	۲۹	۲۳	۱۱	۱۰	۳	۵۳	پکھ	۱۰	۵۳	سدھ	۵۹	۱۱	۰	۰	۰	[illegible]	۲۹	۴۰	
[illegible]	۳۰	۲۱	۱۲	۱۱	۶	۲۲	اشلیکھا	۱۲	۵۹	سادھ	۵۸	۲۹	شکنی	۲۴/۲۹	۰	۰	۲۹	۳۶	[illegible]
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰

ایام				اسوید سمت ۱۹۳۶			پچھتر			جوگ			چندرما		بھدرا		دنمان		کیفیت
جمعہ	یکم	۲۵	۱۳	۱۲	۹	۳۶	گھٹا	۳۵	۳۸	شبھ	۵۶	۳۸	۰	۰	۰	۰	۳۹	۳۳	
شنبہ	۲	۲۶	۱۴	۱۳	۱۰	۵۲	پورباپھالگن	۲۸	۹	سکل	۵۴	۱۸	کرک	۳۳/۸	۱۰/۵۲	۳۶/۴۶	۲۹	۲۸	
یکشنبہ	۳	۲۷	۱۵	۱۳	۱۰	۴۰	اتراپھالگن	۲۸	۵	برہم	۵۰	۳۸	۰	۰	۰	۰	۲۹	۲۴	
دوشنبہ	۴	۲۸	۱۶	بارش	۹	۱۴	ہست	۲۸	۵۱	اندر	۴۶	۱۸	تلا	۵۸/۱۰	۰	۰	۲۹	۳۰	تیرس سندھی باوش
سہ شنبہ	۵	۲۹	۱۷	[illegible]	۶	۳۶	چترا	۲۷	۲۹	بیدھرت	۴۰	۳۱	۰	۰	۰	۰	۲۹	۱۶	[illegible]
چہارشنبہ	۶	[illegible]	۱۸	۲	۳	۰	سواتی	۲۵	۱۸	بسکمبھ	۳۴	۳۴	۰	۰	۰	۰	۲۹	۱۲	
پنجشنبہ	۷	۲	۱۹	۳/۴۳	۵۳	۲۵	بساکھا	۳۲	۱۵	پریت	۲۷	۱۱	برچھک	۸/۰	۳۵/۱۸	۵۳/۲۵	۲۹	۸	
جمعہ	۸	۳	۲۰	۵	۴۷	۴۶	انرادھا	۱۸	۴۰	ایسان	۲۰	۱۲	۰	۰	۰	۰	۲۹	۴	[illegible]
شنبہ	۹	۴	۲۱	۶	۴۱	۴۸	جیشٹھا	۱۴	۳۹	سوبھاگ	۱۲	۴۲	دھن	۴۳/۳۹	۰	۰	۲۹	۰	[illegible] منگل [illegible]
یکشنبہ	۱۰	۵	۲۲	۷	۳۵	۲۵	مول	۱۰	۲۷	سوبھن	۴	۵۴	۰	۰	۳۵/۴۵	۰	۲۸	۵۶	
دوشنبہ	۱۱	۶	۲۳	۸	۲۵	۳۵	پورباشاڑھا	۶	۱۶	سکرما	۴۹	۳۳	مکر	۲۰/۱۹	۰	۲/۴۶	۲۸	۵۳	درگا اسٹمی [illegible]
سہ شنبہ	۱۲	۷	۲۴	۹	۲۴	۸	اتراشاڑھا	۲	۲۱	دھرت	۴۱	۵۸	۰	۰	۰	۰	۲۸	۵۰	
چہارشنبہ	۱۳	۸	۲۵	۱۰	۸	۳۸	شروشٹھا	۵۵	۵۲	شول	۳۵	۱۰	کمبھ	۲۶/۱۸	۴۶/۴۴	۰	۲۸	۴۷	
پنجشنبہ	۱۴	۹	۲۶	۱۱	۱۴	۲۶	شتبھکھا	۵۳	۵۳	گنڈ	۲۸	۴۱	۰	۰	۰	۱۴/۲۶	۲۸	۴۴	برت اکادشی ۱۱
جمعہ	۱۵	۱۰	۲۷	۱۲	۱۰	۴۹	پوربابھادرپد	۵۲	۴۳	بردھ	۲۳	۱	مین	۳۸/۰	۰	۰	۲۸	۴۰	[illegible]
شنبہ	۱۶	۱۱	۲۸	۱۳	۹	۱۰	اترابھادرپد	۵۲	۴۰	دھرو	۱۹	۱۳	۰	۰	۰	۰	۲۸	۳۶	
یکشنبہ	۱۷	۱۲	۲۹	۱۴	۶	۴۱	ریوتی	۵۳	۴۸	بیاگھات	۱۴	۱۲	میکھ	۵۳/۴۸	۶/۴۱	۳۶/۵۱	۲۸	۳۲	[illegible]
دوشنبہ	۱۸	۱۳	۳۰	[illegible]	۶	۳۶	اسونی	۵۶	۱۶	ہرکھن	۱۱	۱۹	۰	۰	۰	۰	۲۸	۲۸	[illegible]
سہ شنبہ	۱۹	۱۴	[illegible]	[illegible]	۷	۲۰	بھرنی	۵۹	۸	بجر	۹	۲۳	۰	۰	۰	۰	۲۸	۲۴	
چہارشنبہ	۲۰	۱۵	۲	۲	۹	۵۵	کرتکا	۶۰	۰	سدھی	۸	۲۹	برکھ	۱۳/۱۱	۴۱/۴	۰	۲۸	۲۰	
پنجشنبہ	۲۱	۱۶	۳	۳	۱۳	۱۶	۷	۴	۴۳	بیتی پات	۸	۲۵	۰	۰	۰	۱۴/۹	۲۸	۱۶	[illegible]
جمعہ	۲۲	۱۷	۴	۴	۱۷	۵۲	روہنی	۱۰	۲۴	بریان	۹	۷	متھن	۴۳	۰	۰	۲۸	۱۲	
شنبہ	۲۳	۱۸	۵	۵	۳۲	۵۸	مرگسر	۱۶	۴۰	پرگھ	۱۰	۱۸	۰	۰	۰	۰	۲۸	۸	
یکشنبہ	۲۴	۱۹	۶	۶	۲۸	۱۷	اردرا	۲۳	۱۵	شیو	۱۲	۴۳	۰	۰	۱۸/۱۵	۰	۲۸	۴	
دوشنبہ	۲۵	۲۰	۷	۷	۳۳	۲۲	پنربس	۲۹	۳۵	سدھ	۱۴	۳	کرک	۱۴/۳	۰	۴۹	۲۸	۰	اہوی اشٹمی
سہ شنبہ	۲۶	۲۱	۸	۸	۳۶	۵۱	پکھیہ	۳۵	۱۲	سادھ	۱۵	۱	۰	۰	۰	۰	۲۷	۵۷	
چہارشنبہ	۲۷	۲۲	۹	۹	۳۱	۲۵	اشلیکھا	۴۰	۹	شبھ	۱۵	۳۲	سنگھ	۴۰/۹	۰	۰	۲۷	۵۴	
پنجشنبہ	۲۸	۲۳	۱۰	۱۰	۳۲	۱	مگھا	۴۳	۵۴	شکل	۱۴	۵۱	۰	۰	۴۴/۴	۴۳/۱	۲۷	۵۱	
جمعہ	۲۹	۲۴	۱۱	۱۱	۴۵	۱	پورباپھالگنی	۲۶	۲۳	برہم	۱۳	۳۱	۰	۰	۰	۰	۲۷	۴۷	برت پاپا اکادشی
شنبہ	۳۰	۲۵	۱۲	۱۲	۴۴	۵۳	اتراپھالگنی	۴۷	۴۸	اندر	۱۰	۴۰	کنیا	۲۱	۰	۰	۲۷	۴۴	
یکشنبہ	۳۱	۲۶	۱۳	۱۳	۴۳	۳۱	ہست	۴۷	۴۱	بیدھرت	۷	۱۶	۰	۰	۳۳/۱۳	۰	۲۷	۴۱	[illegible] ۱۳ [illegible]

[illegible]	یوم	[illegible]	[illegible]	کاکمسپد ... تتھ			پچھتہ			جوگ			چندرمان		بہدرا		دہمان		کیفیت
[illegible]	۱	۲۵	۱۳	۱۴	۳۰	۵۶	چترا	۴۷	۳۳	بسکمبہ	۲	۲۲	تلا	۱۶ ۶	۰	۱۲ ۳	۲۷	۳۸	[illegible]
[illegible]	۲	۲۸	۱۵	ماوس	۳۶	۲۱	سواتی	۴۴	۳۳	اسیاں	۵۱	۴۳	۰	۰	۰	۰	۲۶	۳۵	[illegible]
[illegible]	۳	۲۹	۱۶	[illegible]	۳۴	۵۹	بساکھا	۴۱	۳۴	سبہاگ	۴۳	۳۰	برچھک	۲۶ ۴۴	۰	۰	۲۷	۳۱	[illegible]
[illegible]	۴	۳۰	۱۷	۲	۲۷	۵۴	انرادہا	۳۸	۲	شوبہن	۳۷	۱۳	۰	۰	۰	۰	۲۷	۲۸	[illegible]
[illegible]	۵	[illegible]	۱۸	۳	۲۲	۱۸	جیشٹا	۳۴	۱۷	اتگنڈ	۲۹	۴۹	دہن	۳۴ ۱۷	۴۹ ۲۲	۰	۲۷	۲۵	
[illegible]	۶	۲	۱۹	۳	۱۶	۳۶	مول	۳۰	۷	سکرما	۲۱	۳۹	۰	۰	۰	۱۴ ۳۴	۲۷	۱۵	
[illegible]	۷	۳	۲۰	۰	۱۰	۳۶	پورباکہاڑ	۲۵	۵۵	دہرت	۱۳	۵۲	مکر	۳۹ ۲۴	۰	۰	۲۷	۱۵	
[illegible]	۸	۴	۲۱	۹	۴	۳۲	اترکہاڑ	۳۱	۳۴	شول	۷	۷	۰	۰	۵۹ ۷	۰	۲۷	۱۵	[illegible]
[illegible]	۹	۵	۲۲	۸	۵۴	۵۴	سرون	۱۸	۱۳	بردہ	۵۱	۲۳	کنبھ	۴۶ ۴۴	۰	۴۶ ۳۰	۲۷	۱۳	[illegible]
[illegible]	۱۰	۶	۲۳	۵	۴۹	۲۹	دہنشٹا	۱۵	۷	دہرو	۴۴	۴۴	۰	۰	۰	۰	۲۷	۹	[illegible]
[illegible]	۱۱	۷	۳۴	[illegible]	۴۵	۵۸	ستبہکا	۱۴	۵۳	بیاگہات	۳۸	۰	مین	۳۳ ۴۹	۰	۰	۲۷	۲	[illegible]
[illegible]	۱۲	۸	۲۵	۱۱	۴۴	۳۷	پورب بہادرپد	۸	۴۹	ہرکھن	۳۴	۱۶	۰	۰	۱۴ ۴۲	۴۴ ۳۹	۲۷	۳	[illegible]
[illegible]	۱۳	۹	۳۷	۱۲	۴۴	۳	اتربہادرپد	۸	۸	بجر	۲۹	۳۰	میکھ	۱۱ ۵۹	۰	۰	۲۷	۵۹	[illegible]
[illegible]	۱۴	۱۰	۲۷	۱۳	۴۱	۵۶	ریوتی	۱۱	۵۸	سدھی	۳۷	۴۴	۰	۰	۰	۰	۲۷	۰۶	عیدالضحی
[illegible]	۱۵	۱۱	۲۸	۱۴	۴۴	۳۵	اسونی	۱۳	۷	بتیپات	۴۴	۵۴	۰	۰	۴۴ ۱۱	۰	۲۷	۵۴	[illegible]
[illegible]	۱۶	۱۲	۲۹	پورنماشی	۴۵	۳۸	بہرنی	۱۷	۳۲	بریان	۲۴	۷	[illegible]	۴۳ ۳۹	۰	۱۴ ۲۲	۲۷	۵۰	[illegible]
[illegible]	۱۷	۱۳	[illegible]	[illegible]	۴۹	۱۷	کرتکا	۳۲	۲	پرکہہ	۲۴	۱۱	۰	۰	۰	۰	۲۷	۴۷	[illegible]
[illegible]	۱۸	۱۴	۲	[illegible]	۵۲	۴۷	روہنی	۲۷	۳۲	شیو	۲۴	۵۳	۰	۰	۰	۰	۲۶	۴۳	
[illegible]	۱۹	۱۵	۳	۳۴	۵۸	۳۹	مرگسر	۳۳	۴۱	سدہ	۲۶	۳	متھن	۳۴	۵۳ ۲۵	۵۸ ۴۹	۳۴	۴۰	
[illegible]	۲۰	۱۶	۳	[illegible]	۴۰	۰	اوردرا	۴۰	۱۲	سادہ	۲۷	۳۲	۰	۰	۰	۰	۲۷	۳۷	[illegible]
[illegible]	۲۱	۱۷	۵	۴	۴	۴۳	پورنبس	۴۷	۳۵	سبھ	۲۸	۴۳	کرک	۲۹ ۵۸	۰	۰	۲۷	۳۴	۰
[illegible]	۲۲	۱۸	۶	۵	۹	۳۳	پکھیہ	۵۲	۲۹	شکل	۲۹	۳۱	۰	۰	۰	۰	۲۷	۳۱	۰
[illegible]	۲۳	۱۹	۷	۶	۱۴	۱۰	اشلیکہا	۵۷	۳۸	برہم	۲۹	۴۱	سنگہ	۵۶ ۳۸	۱۴ ۱۲	۴۵ ۵۳	۲۷	۲۷	۰
[illegible]	۲۴	۲۰	۸	۷	۱۶	۴۳	مگہا	۶۰	۰	اندر	۲۸	۵۹	۰	۰	۰	۰	۲۷	۲۴	۰
[illegible]	۲۵	۲۱	۹	۸	۲۰	۱۰	[illegible]	۱۰	۳۷	بیدہرت	۲۶	۲۵	۰	۰	۰	۰	۲۷	۲۳	۰
[illegible]	۲۶	۲۲	۱۰	۹	۲۱	۳۰	پورباپھالگنی	۴	۲۷	بسکمبہ	۳۴	۳۱	کنیا	۱۵ ۴۰	۵۹ ۱۶	۰	۲۷	۳۱	[illegible]
[illegible]	۲۷	۲۳	۱۱	۱۰	۲۱	۱۷	اتراپھالگنی	۷	۳	پریت	۳۰	۵۷	۰	۰	۳۱ ۱۳	۰	۲۷	۱۵	[illegible]
[illegible]	۲۸	۲۴	۱۲	۱۱	۱۹	۵۲	ہست	۷	۱۳	اسیاں	۱۷	۱۵	تلا	۳۸ ۵۸	۰	۰	۲۷	۱۷	
[illegible]	۲۹	۲۵	۱۳	۱۲	۱۶	۴۹	چترا	۵	۲۴	سبھاگ	۱۳	۴	۰	۰	۰	۰	۲۷	۱۵	
[illegible]	۳۰	۳۶	۱۴	۱۳	۱۳	۲۴	سواتی	۳	۴۲	شوبھن	۶	۲۳	برچھک	۴۶ ۳	۱۳ ۲۴	۳۱ ۳۲	۲۷	۱۳	
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	۱۹۳۶ [illegible]			[illegible]			[illegible]			[illegible]		[illegible]		[illegible]		[illegible]
				[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	
[illegible]	۱	۲۷	۱۵	۱۳	۹	۲۰	[illegible]	۱	۵	[illegible]	۵۲	۴۷	۰	۰	۰	۰	۲۶	۱۳	
[illegible]	۲	۲۸	۱۶	مارس	۵۸	۱۶/۴۲	[illegible]	۵۳	۵۲	[illegible]	۴۵	۱۶	[illegible]	۵۳/۵۲	۰	۰	۲۶	۱۱	
[illegible]	۳	۲۹	۱۷	۲	۵۷	۵۲	[illegible]	۲۹	۴۵	[illegible]	۳۷	۸	۰	۰	۰	۰	۲۴	۹	
[illegible]	۴	[illegible]	۱۸	۳	۴۴	۵۸	[illegible]	۴۵	۱۰	[illegible]	۲۹	۲۱	[illegible]	۵۹/۱۲	۰	۰	۲۴	۸	
[illegible]	۵	۲	۱۹	۳	۱۴	۳۳	[illegible]	۱۴	۱۷	[illegible]	۲۱	۳۰	۰	۰	۱۴/۱۶	۳۱/۵۳	۲۲	۷	
[illegible]	۶	۳	۲۰	۵	۳۶	۳	[illegible]	۳۷	۴۱	[illegible]	۱۴	۰	۰	۰	۰	۰	۲۶	۵	
[illegible]	۷	۴	۲۱	۶	۳۱	۲	[illegible]	۳۴	۲۶	[illegible]	۴	۳۹	[illegible]	۶/۵	۰	۰	۲۴	۳	
[illegible]	۸	۵	۲۲	۷	۲۴	۱۴	[illegible]	۲۱	۲۹	[illegible]	۵۴	۳۶	۰	۰	۱۶/۲۱	۵۲/۸۹	۱۲	۱	
[illegible]	۹	۶	۲۳	۸	۲۳	۲۵	[illegible]	۳۰	۲۹	[illegible]	۴۸	۱۲	[illegible]	۱۵/۵۲	۰	۰	۱۲	۱	
[illegible]	۱۰	۷	۲۴	۹	۲۰	۴۷	[illegible]	۲۹	۴۵	[illegible]	۴۳	۳۵	۰	۰	۰	۰	۲۶	۰	
[illegible]	۱۱	۸	۲۵	۱۰	۱۹	۲۹	[illegible]	۳۰	۱۹	[illegible]	۳۹	۵۷	[illegible]	۳۰/۱۹	۴۹/۲۸	۰	۲۵	۵۹	
[illegible]	۱۲	۹	۲۶	۱۱	۱۹	۲۷	[illegible]	۳۲	۷	[illegible]	۳۷	۳۰	۰	۰	۰	۱۹	۲۵	۵۸	[illegible]
[illegible]	۱۳	۱۰	۲۷	۱۲	۳۰	۴۲	[illegible]	۳۵	۷	[illegible]	۳۵	۴۳	[illegible]	۵۱/۱۳	۰	۰	۲۵	۵۷	[illegible]
[illegible]	۱۴	۱۱	۲۸	۱۳	۲۳	۱۸	[illegible]	۳۹	۱۳	[illegible]	۳۵	۸	۰	۰	۰	۰	۲۵	۵۶	
[illegible]	۱۵	۱۲	۲۹	۱۴	۲۷	۰	[illegible]	۴۳	۱۴	[illegible]	۳۵	۸	۰	۰	۲۷/۰	۵۹/۱۷	۲۵	۵۵	
[illegible]	۱۶	۱۳	۳۰	[illegible]	۳۱	۳۵	[illegible]	۵۲	۵۳	[illegible]	۳۵	۵۵	[illegible]	۱۷/۴۷	۰	۰	۲۵	۵۳	[illegible]
[illegible]	۱۷	۱۴	[illegible]		۳۷	۱۹	[illegible]	۵۶	۴۳	[illegible]	۳۰	۵	۰	۰	۰	۰	۲۵	۵۲	
[illegible]	۱۸	۱۵	۲	۲	۴۳	۴۵	[illegible]	۴۰	۰	[illegible]	۳۸	۳۰	[illegible]	۴۷/۴	۰	۰	۲۵	۵۱	
[illegible]	۱۹	۱۶	۳	۳	۴۷	۵۲	[illegible]	۳	۵۲	[illegible]	۳۹	۳۹	۰	۰	۱۵/۱۹	۴۷/۵۳	۲۵	۴۹	
[illegible]	۲۰	۱۷	۴	۴	۵۲	۲۴	[illegible]	۱۰	۱	[illegible]	۴۰	۲۱	۰	۰	۰	۰	۲۵	۴۸	[illegible]
[illegible]	۲۱	۱۸	۵	۵	۵۳	۴۹	[illegible]	۱۵	۲۲	[illegible]	۴۰	۴۲	[illegible]	۱۵/۲۲	۰	۰	۲۵	۴۷	
[illegible]	۲۲	۱۹	۶	۶	۵۸	۲۲	[illegible]	۱۹	۴	[illegible]	۳۹	۳۹	۰	۰	۵۸/۲۴	۰	۲۵	۴۵	
[illegible]	۲۳	۲۰	۷	۷	۵۹	۳۱	[illegible]	۲۲	۴۸	[illegible]	۳۷	۳۳	[illegible]	۳۶/۳۲	۰	۲۸/۵۷	۲۵	۴۴	
[illegible]	۲۴	۲۱	۸	۸	۵۹	۱۸	[illegible]	۲۴	۴۵	[illegible]	۲۴	۵۹	۰	۰	۰	۰	۲۵	۴۵	
[illegible]	۲۵	۲۲	۹	۹	۵۷	۵۱	[illegible]	۲۵	۲۶	[illegible]	۳۱	۱۳	[illegible]	۵۵/۹	۰	۰	۲۵	۴۷	
[illegible]	۲۶	۲۳	۱۰	۱۰	۵۵	۲۷	[illegible]	۲۴	۵۲	[illegible]	۲۴	۴۹	۰	۰	۲۶/۳۲	۵۵/۱۷	۲۵	۴۸	
[illegible]	۲۷	۲۴	۱۱	۱۱	۵۱	۴۰	[illegible]	۲۳	۱۷	[illegible]	۲۰	۵۵	۰	۰	۰	۰	۲۵	۴۹	
[illegible]	۲۸	۲۵	۱۲	۱۲	۴۷	۱۳	[illegible]	۳۰	۵۳	[illegible]	۱۳	۱۳	[illegible]	۶/۲۹	۰	۰	۲۵	۵۱	[illegible]
[illegible]	۲۹	۲۶	۱۳	۱۳	۴۳	۲۳	[illegible]	۱۷	۴۲	[illegible]	۷	۴۷	۰	۰	۳۲/۱۴	۰	۲۵	۵۲	
[illegible]	۳۰	۲۷	۱۴	۱۳	۳۷	۳۶	[illegible]	۱۴	۳	[illegible]	۲۲	۲۱	[illegible]	۱۴/۲	۰	۰	۲۵	۵۳	
[illegible]	۳۱	۲۸	۱۵	مارس	۳۱	۴۹	[illegible]	۹	۵۵	[illegible]	۴۳	۳۴	۰	۰	۰	۰	۱۵	۵۵	[illegible]

شرح محصول چھپیات و اخبارات و پیکٹ و پارسل برای مقامات واقع ممالک ہند

چھپیات ۱؎		اخبارات رجسٹری شدہ ۲؎		پیکٹ ۳؎		پارسل ۴؎	
تعداد وزن	تعداد محصول	تعداد وزن	تعداد محصول	تعداد وزن	تعداد محصول	تعداد وزن	تعداد محصول
تا نیم تولہ	۰/-	۱۰ تولہ تک	۰/-	از یک تولہ تا دہ تولہ	۰/-	ایک تولہ سے ۴۰ تولہ تک	-۹
تا یک تولہ	۱/-	۲۰ تولہ تک	۱/-	از دہ تولہ تا بست تولہ	۱/-	۴۰ تولہ سے ۸۰ تولہ تک	-۱۲
زیادہ از یک تولہ تا دو تولہ	۲/-	۳۰ تولہ تک	۱ ۰/-	۲۰ تولہ سے زیادہ ہر ۲۰ تولہ	۰/-	۸۰ تولہ سے زیادہ	
ہر دو تولہ یا حصہ زیادہ پر تولہ	۱/-					ہر ۴۰ تولہ	-۱۴

گھاتیک چکر اس جدول سے معلوم ہوتا ہے کہ ہر ایک راس والے کو سورج وغیرہ ستارہ و تتھ و نچھتر جو ہر خانہ کے نیچے لکھے جاتے ہیں گھاتیک یعنی برے ہیں یعنی میکھ راس والے کو چوتھا سورج جنم کا چندرمان پانچواں منگل وغیرہ ناقص ہیں

راس	میکھ	برکھ	متھن	کرک	سنگھ	کنیا	تلا	برچھک	دھن	مکر	کمبھ	مین
سورج	۴	۸	۱۲	۵	۹	۱	۶	۱۰	۷	۱۱	۲	۳
چندرمان	۱	۵	۵	۲	۶	۱۰	۳	۷	۴	۸	۱۱	۱۲
منگل	۵	۹	۱	۶	۱۰	۳	۷	۱۱	۸	۱۲	۳	۰
بدھ	۲	۶	۱۰	۳	۷	۱۱	۴	۸	۵	۹	۱۲	۱
برہسپت	۶	۱۰	۲	۷	۱۱	۳	۸	۱۲	۹	۱	۴	۵
شکر	۳	۷	۱۱	۴	۸	۱۲	۵	۹	۶	۱۰	۱	۲
سنیچر	۷	۱۱	۳	۸	۱۲	۴	۹	۱	۱	۲	۵	۶
راہ و کیت	۸	۷	۶	۴	۵	۱۱	۱۲	۱	۲	۹	۱۰	۳
ماہ	کاتک	منگسر	پوس	ماہ	پھاگن	چیت	بیساکھ	جیٹھ	اساڑھ	ساون	بھادوں	کنوار
تتھ	۴	۵	۲	پڑوا	۳	۵	۴	۴	۳	۴	۳	۵
نچھتر	مگھا	ہست	سواتی	انورادھا	مول	سرون	ست بکھا	ریوتی	بھرنی	روہنی	آردرا	اشلیکھا
یوم	یکشنبہ	شنبہ	دوشنبہ	چارشنبہ	شنبہ	شنبہ	پنجشنبہ	جمعہ	جمعہ	سہ شنبہ	پنجشنبہ	جمعہ

فہرست شرح رسوم چھپا بابت جو بابت اسٹامپ ... نالش بموجب ایکٹ نمبر [illegible] سنہ [illegible]

روپیہ دعوی		رسوم نالش	روپیہ دعوی		رسوم نالش
[illegible] سے	زیادہ نہ ہو	۲/-	[illegible] سے [illegible] تک		[illegible]
[illegible] سے [illegible]	تک	۲/-	[illegible] سے [illegible] تک		[illegible]
[illegible] سے [illegible]	تک	[illegible] ۲/-	[illegible] سے [illegible] تک		[illegible]
[illegible] سے [illegible]	ایضاً	[illegible] ۸/-	[illegible] سے [illegible] تک		[illegible]
[illegible] سے [illegible]	ایضاً	[illegible] ۱۴/-	[illegible] سے [illegible] تک		[illegible]
[illegible] ایضاً	[illegible]	[illegible] ۲/-	[illegible] سے [illegible] تک		[illegible]
[illegible] ایضاً	[illegible]	۸/-	[illegible] سے [illegible] تک		[illegible]
[illegible]	ایضاً [illegible]	[illegible] ۴/-	[illegible] سے [illegible] تک		[illegible]
[illegible] ایضاً	[illegible]	[illegible] ۰	[illegible] سے [illegible] تک		[illegible]
[illegible] ایضاً	[illegible]	[illegible] ۱۲/-	[illegible] سے [illegible] تک		[illegible]
[illegible] ایضاً	[illegible]	[illegible] ۸/-	[illegible]		[illegible]

جدول لگن نیے درجہ ستارہ کی بقید یوم و تتھہ ہندی و گھڑی و راس وغیرہ بابت سال ۱۸۹۸ع

[illegible]								[illegible]								[illegible]							
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۲۳	۲۳	۲۶	۲۵	۲۱	۲۲	۲۶	۶	۲۳	۲۳	۱۶	۱۵	۱۹	۹	۲۳	۲۸	۲۳	۲۳	۱۹	۶	۱۸	۲۹	۲۱	۲۱
[illegible]								[illegible]								[illegible]							
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۲۲	۲۲	۱۹	۲۱	۲۵	۱	۵	۲۹	۲۲	۲۱	۱۸	۱۳	۲۴	۱۹	۱	۲۲	۲۲	۲۲	۱۷	۴	۲۲	۷	۲۹	۱۵
[illegible]								[illegible]								[illegible]							
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۲۰	۲۰	۲۱	۱۸	۱	۶	۱۵	۲۱	۲۱	۲۱	۲۰	۱۰	۲۹	۲۶	۱۲	۱۴	۲۱	۲۱	۲۰	۱	۳۶	۱۰	۷	۷
[illegible]								[illegible]								[illegible]							
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۱۹	۱۹	۲۴	۱۶	۶	۱۶	۲۸	۱۴	۲۰	۲۰	۲۳	۶	۴	۱۶	۲۳	۶	۲۰	۲۰	۲۲	۲۷	۲	۱۳	۱۹	۲۸
[illegible]								[illegible]								[illegible]							
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۱۸	۱۸	۳۴	۱۴	۱۱	۹	۱۰	۶	۱۸	۱۸	۲۶	۵	۱۰	۶	۶	۲۸	۱۹	۱۹	۲۵	۲۵	۸	۹	۱	۱۱
[illegible]								[illegible]								[illegible]							
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۱۷	۱۷	۰	۱۰	۱۶	۹	۳۳	۳۶	۱۷	۱۷	۱۹	۴	۱۵	۲۸	۱۹	۲۰	۱۸	۱۸	۲۸	۲۲	۱۳	۱۶	۱۴	۱۲
[illegible]								[illegible]								[illegible]							
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۱۶	۱۶	۲	۷	۲۱	۳۰	۶	۱۸	۱۶	۱۶	۱	۲۹	۲۰	۷	۳	۱۱	۱۶	۱۷	۱	۳۰	۱۸	۲۴	۲۸	۵
[illegible]								[illegible]								[illegible]							
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۱۴	۱۴	۴	۴	۲۵	۰	۱۹	۹	۱۵	۱۵	۴	۲۶	۲۳	۱۸	۱۰	۲	۱۵	۱۵	۳	۱۷	۲۲	۴	۱۰	۳۵
[illegible]								[illegible]								[illegible]							
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۱۳	۱۳	۶	۱	۲۷	۲۲	۳	۰	۱۴	۱۴	۶	۲۴	۲۶	۱۱	۳۹	۳۳	۱۴	۱۴	۵	۱۴	۲۶	۱۱	۲۳	۱۷

سورج	منگل	بده	برہسپت	شکر	سنیچر	راہ	کیت
6	7	30	28	10	6	14	13
14	13	13	28	29	6	13	12
22	14	10	28	0	7	13	12

سورج	منگل	بده	برہسپت	شکر	سنیچر	راہ	کیت
20	22	13	28	9	6	13	12
5	26	30	28	17	6	11	11
13	2	1	27	27	6	11	11

سورج	منگل	بده	برہسپت	شکر	سنیچر	راہ	کیت
20	5	12	27	5	6	13	14
26	11	24	26	4	15	10	10
3	15	6	25	23	5	10	10

سورج	منگل	بده	برہسپت	شکر	سنیچر	راہ	کیت
11	30	21	24	2	4	9	9
19	26	4	23	12	4	9	9
22	1	16	12	21	3	9	9

سورج	منگل	بده	برہسپت	شکر	سنیچر	راہ	کیت
3	5	26	21	0	3	8	8
11	10	6	20	10	2	8	8
18	15	10	19	18	1	7	7

سورج	منگل	بده	برہسپت	شکر	سنیچر	راہ	کیت
25	21	11	19	24	1	7	7
3	25	7	18	5	0	7	7
10	0	1	17	15	0	6	6

سورج	منگل	بده	برہسپت	شکر	سنیچر	راہ	کیت
16	6	0	16	25	29	6	6
25	11	4	17	3	29	5	5
3	15	17	17	12	29	5	5

سورج	منگل	بده	برہسپت	شکر	سنیچر	راہ	کیت
11	21	23	18	30	29	5	5
10	26	5	16	0	19	4	4

فہرست تعطیلات کی جو ممالک مغربی و شمالی کی عدالت ہائے الہ آباد و اودھ کی ماتحت عدالت ہائے دیوانی میں بابت سنہ ۱۸۸۰ء میں ہونگی

نمبر شمار	اقوام	نام تعطیل	تاریخ تعطیل	یوم	تعداد یوم	کیفیت
۱	ع	نوروز	یکم جنوری ۱۸۸۰ء	پنجشنبہ	۱	
۲	ہ	ہونا ماوش	۱۰ فروری	سہ شنبہ	۱	
۳	ہ	سری پنچمی یا بسنت پنچمی	۱۵ ایضاً	یکشنبہ	۱	
۴	م	بارہ وفات	۲۳ ایضاً	دوشنبہ	۱	اگر رویت ہلال ۱۲ فروری کو ہوگی تو تعطیل ۲۴ فروری کو ہوگی
۵	ہ	شیوراتری	۹ مارچ ۱۸۸۰ء	سہ شنبہ	۱	
۶	ہ	ہولی یعنی ڈول جاترا	۲۶ و ۲۷ و ۲۸ ماہ ایضاً	جمعہ و شنبہ و یکشنبہ	۳	
۷	ع	گڈ فرائڈے	۹ اپریل ۱۸۸۰ء	جمعہ	۱	
۸	ہ	رام نومی	۱۹ اپریل	دوشنبہ	۱	
۹	ع	سالگرہ ملکہ معظمہ قیصر ہند	۲۴ مئی	ایضاً	۱	
۱۰	م	شب برات	۲۳ جولائی	جمعہ	۱	
۱۱	ہ	رکھشا بندھن	۲۰ اگست	ایضاً	۱	
۱۲	ہ	جنم اشٹمی	۲۸ و ۲۹ ۔ ایضاً	شنبہ و یکشنبہ	۲	
۱۳	ہ	مہالیا اماوس کنا گتی اماوس	۴ ستمبر	جمعہ	۱	
۱۴	م	عید الفطر	۷ و ۸ ستمبر	سہ شنبہ و چہارشنبہ	۲	اگر رویت ہلال ۶ ستمبر کو ہوگی تو تعطیل ۶ و ۷ ستمبر کو ہوگی
۱۵	ہ	اننت چودس	۱۷ ماہ ایضاً	جمعہ	۱	
۱۶	ہ	تعطیل دسہرہ	از ۵ اکتوبر تا ۴ نومبر	از دوشنبہ تا پنجشنبہ	۳۱	اسی میں درگا پوجا و دیوالی و دسہرہ کی تعطیل شامل ہیں
۱۷	ہ	دیو اٹھان	۱۲ نومبر	جمعہ	۱	
۱۸	م	عید الضحیٰ	۱۴ و ۱۵ نومبر	یکشنبہ و دوشنبہ	۲	اگر رویت ہلال ۳ نومبر کو ہوگی تو تعطیل ۱۳ و ۱۴ نومبر کو ہوگی
۱۹	م	محرم	از ۸ دسمبر تا ۱۷ دسمبر	از چہارشنبہ تا جمعہ	۱۰	اگر رویت ہلال ۲ دسمبر کو ہوگی تو تعطیل ۹ دسمبر سے ۱۸ دسمبر تک ہوگی
۲۰	ع	کرسمس ڈے یعنی بڑا دن	۲۵ دسمبر تا ۳۱ دسمبر	از شنبہ تا جمعہ	۷	

واضح ہو کہ ہر ضلع میں جو کوئی میلا واقع ہو تو اوس دن کی تعطیل باختیار حکام ضلع ہے سوائے ان تعطیلات کے ہر مہینہ کے آخر ہفتہ کو کچہری میں تعطیل ہو سکتی ہے بشرطیکہ کار ضروری نہو اور اہل اسلام کی مذہبی تعطیل چاند کی رویت سے ایک دن کے آگے پیچھے ہو سکتی ہے کیونکہ ماہ قمری میں کبھی ۲۹ کو رویت ہوتی ہے اور کبھی ۳۰ کو اس حساب سے بدل سکتی ہے علاوہ ایام تعطیل مندرجہ فہرست ہذا جب کبھی چاند یا سورج گرہن یا موہنی ماوش واقع ہو تو وہ دن بھی روز تعطیل متصور ہوگا ٭ **تمت بالخیر شد ٭**

No.	Date	No.